



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

المكتبة الإسلامية
بمكة المكرمة

كفاية الإمامة في نصوص العامة

اليات القطعية و امامت بلا فصل امير المؤمنين (ع)

در منابع اهل سنت و طهاريت

و اسناد صحيح و بررسى سند و استن

مؤلف : مرتضى انكبرى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كفاية الإمامة في نصوص العامة : اثبات افضلية و امامت بلا فصل امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام در منابع اهل سنت و وهابيت با سند صحيح همراه با بررسی سند و اسکن کتاب

نویسنده:

مرتضی فکری

ناشر چاپی:

منتظران ظهور

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	کفایة الإمامة فی نصوص العاتمة : اثبات افضلیت و امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح همراه با بررسی سند و اسکن کتاب
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	کفایة الإمامة فی نصوص العاتمة
۱۶	فهرست مطالب
۲۵	مقدمه مؤلف:
۲۷	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن و اهل بیت علیهم السلام خلیفه و جانشین من هستند (حدیث خلیفتین)
۲۷	اشاره
۳۰	روایت اول:
۳۰	روایت دوم:
۴۱	دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تبعیت و پیروی از امام علی علیه السلام برای جلوگیری از انحراف تا روز قیامت (حدیث ثقلین)
۴۱	اشاره
۴۲	روایت اول:
۴۲	روایت دوم:
۴۷	روایت سوم و چهارم:
۵۱	روایت با تصحیح ابن حجر عسقلانی:
۵۱	اشاره
۵۴	روایت اول:
۵۵	و اما روایت دوم:
۶۲	آیه ولایت و اثبات امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام
۶۶	اما بررسی سند روایت:
۶۶	اشاره
۶۶	راوی اول : أَبُو سَعِيدٍ الْأَشْجَعِيُّ:
۶۹	راوی دوم: الْقُضَلُ بْنُ دُكَيْنٍ أَبُو نُعَيْمٍ الْأَخْوَلُ:
۷۲	راوی سوم: مُوسَى بْنُ قَيْسٍ الْخَضْرَمِيُّ:
۷۶	راوی چهارم: سَلَمَةُ بْنُ كَهَيْلٍ:
۸۲	ابلاغ امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام در شب معراج توسط خداوند
۸۵	بررسی سند روایت:
۸۵	اشاره
۸۵	راوی اول: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ:

- ۸۸ راوی دوم: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخَضْرَمِيُّ:
- ۹۱ راوی سوم: أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ:
- ۹۵ راوی چهارم: أَحْمَدُ بْنُ مُقَلَّلٍ:
- ۱۰۰ راوی پنجم: جَعْفَرُ بْنُ زِيَادِ الْأَخْمَرِيِّ:
- ۱۰۶ راوی ششم: هَمَّالُ أَبِي أَيُّوبَ الصَّرْفِيِّ:
- ۱۰۹ راوی هفتم: أَبُو كَثِيرٍ الْأَنْصَارِيُّ:
- ۱۱۲ و راوی هشتم:
- ۱۱۳ مخالفت اهل بیت علیهم السلام با خلافت ابو بکر: بطلان خلافت ابو بکر تنها با سه روایت از صحیح بخاری (معتبر ترین کتاب اهل سنت و وهابیت) غضب حضرت زهرا علیها السلام در نتیجه غضب خدا و رسولش بر ابو بکر
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۳ روایت اول:
- ۱۱۷ روایت دوم:
- ۱۲۰ روایت سوم:
- ۱۲۴ اسناد حدیث ثقلین در خطبه غدیر و نقش آن در اثبات امامت امیر المؤمنین علیه السلام
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۵ ۱- بیان اولویت و سر پرستی خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بیان لفظ (مولی):
- ۱۲۵ ۲- بیان حدیث ثقلین در حدیث غدیر و دستور به تبعیت و پیروی از امیر المؤمنین علیه السلام.
- ۱۲۷ روایت اول:
- ۱۳۱ روایت دوم:
- ۱۳۵ روایت سوم:
- ۱۴۴ نزول آیه اکمال در روز غدیر و تبریک گفتن عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام: و میزان ثواب روزه در روز غدیر
- ۱۴۴ اشاره
- ۱۴۴ قرینه اول: تبریک عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام بعد از اتمام خطبه غدیر:
- ۱۴۶ قرینه دوم: دومین قرینه که در این جا به آن می پردازیم نزول آیه اکمال دین در خطبه غدیر است.
- ۱۴۸ و اما روایت مورد نظر:
- ۱۵۱ بررسی سند روایت:
- ۱۵۱ اشاره
- ۱۵۱ راوی اول: عبد الله بن علی بن محمد بن عبد الله بن بشران:
- ۱۵۶ راوی دوم: علی بن عمر الحافظ الدار قطنی:
- ۱۶۰ راوی سوم: أَبُو نَضْرٍ خَبِشُونَ بْنُ مُوسَى بْنِ أَيُّوبَ الْخَلَّالِ:
- ۱۶۴ راوی چهارم: عَلِيُّ بْنُ شَعْبَةَ الرَّمْلِيِّ (علی بن ابی حملة):
- ۱۶۷ راوی پنجم: ضَمْرَةُ بْنُ زَبِيْعَةَ الْقُرَشِيِّ:
- ۱۷۲ راوی ششم: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَوْذَبَ:

- ۱۷۶ راوی هفتم: مَطَرُ الْوَرَّاقِ:
- ۱۷۹ راوی هشتم: شَهْرُ بْنُ حَوْشَبٍ: -
- ۱۸۲ و راوی نهم: -
- ۱۸۳ اعتراف امام محمد غزالی (عالم بزرگ اهل سنت) به امامت امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم و بیعت شکنی و غضب خلافت توسط عمر بن خطاب -
- ۱۸۸ و اما جایگاه ابو حامد غزالی نزد بزرگان اهل سنت:
- ۱۸۹ اعتراف علماء اهل سنت و وهابیت به این که کلمه مولى به معنای امامت و خلافت (مُتَوَلَى أُمُورِكُمْ) می باشد.
- ۲۰۱ اعتراف علماء اهل سنت و وهابیت به این که کلمه مولى به معنای اولویت و سر پرستی (أولى بكم) می باشد.
- ۲۲۹ (حدیث اولویت و سر پرستی): قال رسولُ الله: ﴿ عَلَى أَوْلَى النَّاسِ بِكُمْ بَعْدِي ﴾ پیامبر اکرم: علی بن ابی طالب بعد از من سر پرست و امام شما می باشد
- ۲۳۳ تصحیح روایت توسط آقای هیثمی:
- ۲۳۶ اما در این جا به بررسی تک تک راویان این روایت می پردازیم تا وثاقت راویان را با چشمان خود ببینید:
- ۲۳۶ راوی اول: سلیمان بن أحمد الطبرانی:
- ۲۳۹ راوی دوم: أَحْمَدُ بْنُ زُهَيْرِ الشَّشْرِيِّ:
- ۲۴۲ راوی سوم: مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ كِرَامَةَ:
- ۲۴۵ راوی چهارم: عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى:
- ۲۴۵ راوی پنجم: يُوْسُفُ بْنُ صُهَيْبٍ: -
- ۲۵۰ راوی هفتم: وَهْبُ بْنُ خَفْرَةَ (جمرة): -
- ۲۵۳ علی بن ابی طالب علیه السلام نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: (آیه مباهله سند افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام) -
- ۲۵۴ اما متن روایت صحیح مسلم: -
- ۲۶۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام از یک نور خلق شده اند: (حدیث نور سند افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی مخلوقات) -
- ۲۶۶ و اما بررسی سند روایت:
- ۲۶۶ اشاره
- ۲۶۶ راوی اول: احمد بن محمد بن حنبل:
- ۲۶۹ راوی دوم: عبد الرزاق بن همام بن نافع:
- ۲۷۲ راوی سوم: معمر بن راشد:
- ۲۷۵ راوی چهارم: محمد بن مسلم الزهري:
- ۲۷۸ راوی پنجم: خالد بن معدان:
- ۲۸۱ راوی ششم: زاذان ابو عمر:
- ۲۸۴ راوی هفتم:
- ۲۸۵ ولادت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کعبه
- ۲۸۵ آقای حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ هجری) در کتاب المستدرک علی الصحیحین گوید:
- ۲۸۸ و آقای مسعودی (متوفی ۳۴۶ هجری) موزع و ادیب مشهور اهل سنت می گوید:
- ۲۹۲ و آقای ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ هجری) که در زمان خودش از بزرگان مالکی مذهب ها بود این گونه اعتراف می کند:

- ۳۹۵ و آقای گنجی شافعی (متوفی ۶۵۸ هجری) در مورد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام این گونه اعتراف می کند:
- ۳۹۸ و آقای شاه ولی الله دهلوی (متوفی ۱۱۷۶ هجری) که از علماء بزرگ هند است در مورد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام گوید:
- ۳۰۱ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیان عصمت و افضلیت امام علی علیه السلام: قال رسول الله: ﴿عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ﴾.
- ۳۰۳ تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی:
- ۳۰۹ ابلاغ سوره براءت توسط امیر المؤمنین علیه السلام و اثبات افضلیت: و برتری و امامت امیر المؤمنین علیه السلام بر ابو بکر
- ۳۱۰ تصحیح روایت توسط احمد محمد شاکر:
- ۳۱۳ تصحیح روایت توسط هیثمی:
- ۳۱۶ تصحیح روایت توسط البانی:
- ۳۱۹ امیر المؤمنین علیه السلام و بیان افضلیت و علمیت و امامت خود در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: (حدیث أَخَوْتُ و حدیث ولایت و حدیث وارث)
- ۳۲۰ تصحیح روایت توسط هیثمی:
- ۳۲۷ امام علی علیه السلام محبوب ترین شخص نزد خداوند متعال (حدیث طیر)
- ۳۳۱ تصحیح روایت توسط هیثمی:
- ۳۳۹ بررسی سند روایت
- ۳۳۹ اشاره
- ۳۳۹ راوی اول: أبو القاسم الطبرانی (مؤلف کتاب):
- ۳۴۲ راوی دوم: احمد بن محمد بن عبد العزيز الوشاء:
- ۳۴۵ راوی سوم: سلمة بن شبيب المسمعی:
- ۳۴۸ راوی چهارم: عبد الرزاق بن همام الحمیری:
- ۳۵۱ راوی پنجم: عبد الرحمن بن عمرو الأوزاعی:
- ۳۵۴ راوی ششم: يحيى بن أبي كثير الطائى:
- ۳۵۷ راوی هفتم:
- ۳۵۸ اعتراف عایشه به افضلیت و برتری امام علی علیه السلام
- ۳۶۳ تصحیح روایت توسط هیثمی:
- ۳۶۷ اعترافی دیگر از عایشه در مورد افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام: (عایشه: محبوب ترین شخص نزد پیامبر در بین مردان علی بن ابی طالب و در بین زنان فاطمه زهرا است)
- ۳۶۷ اشاره
- ۳۶۷ روایت اول:
- ۳۷۰ روایت دوم:
- ۳۷۴ اعتراف سعد بن ابی وقاص صحابی به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام
- ۳۷۵ تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی:
- ۳۸۰ اعتراف احمد بن حنبل (امام حنبلی ها) و شافعی (امام شافعی ها) و محمد بن صالح العثیمین (از علماء بزرگ وهابیت) به افضلیت امام علی علیه السلام بر تمامی صحابه
- ۳۹۷ بزرگان صحابه شیعه بوده اند - پیدایش تشیع از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
- ۴۰۶ و آقای محمد بن عبد الرزاق می گوید:

۴۱۲ منابع و مأخذ

۴۲۰ درباره مرکز

کفایة الإمامة فی نُصوص العامّة : اثبات افضلیت و امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح همراه با بررسی سند و اسکن کتاب

مشخصات کتاب

سر شناسه : فکری، مرتضی، 1365

عنوان و نام پدیدآور : اثبات افضلیت و امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح همراه با بررسی سند و اسکن کتاب / نویسنده مرتضی فکری.

مشخصات نشر : مشهد : منتظران ظهور، 1396

مشخصات ظاهری : 400 ص.

شابک : 250/000 ریال 9-72-5761-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب نامه به صورت زیر نویس

موضوع : علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق - اثبات خلافت - احادیث اهل سنت

موضوع : (Ali ibn abi-talib, Iman I, 600-661--*proof of caliphate - hadith Sunnite)

موضوع : احادیث اهل سنت - نقد و تفسیر

موضوع : Hadith (sunnites)-texts-Criticism, interpretation, etc*

رده بندی کنگره : 1396 2 الف BP 223/52/8

رده بندی دیویی : 297/452

شماره کتاب شناسی ملی : 4842799

کفایة الإمامة فی نُصوص العامّة

مؤلف: مرتضی فکری

ناشر: منتظران ظهور

صفحه آرایی: خدمات نشر آویژه (علاقه مند)

شمارگان: 500 جلد

چاپ: اول 1396

قیمت: 25000 تومان

شابک: 978-964-5761-72-9

تلفن های مراکز پخش: 05137277810 05137245369 09153175120

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا روؤفی

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ص: 2

كفاية الإمامة في نصوص العامة

اثبات افضليّة و امامت بلا فصل

امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام

در منابع اهل سنت و وهابيت

با سند صحيح

همراه با بررسی سندی و اسکن کتب

ص: 3

سر شناسه: فکری، مرتضی، 1365

عنوان و نام پدیدآور: اثبات افضلیت و امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح همراه با بررسی سند و اسکن کتاب / نویسنده مرتضی فکری.

مشخصات نشر: مشهد: منتظران ظهور، 1396

مشخصات ظاهری: 400 ص.

شابک: 250/000 ریال 9-72-5761-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب نامه به صورت زیر نویس

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق - اثبات خلافت - احادیث اهل سنت

موضوع: (Ali ibn abi-talib, Iman I, 600-661---*proof of caliphate - hadith Sunnite)

موضوع: احادیث اهل سنت - نقد و تفسیر

موضوع: Hadith (sunnites)-texts-Criticism, interpretation, etc*

رده بندی کنگره: 1396 2 الف 8/52/223 BP

رده بندی دیویی: 297/452

شماره کتاب شناسی ملی: 4842799

کفایة الإمامة فی نُصوص العامّة

مؤلف: مرتضی فکری

ناشر: منتظران ظهور

صفحه آرای: خدمات نشر آویژه (علاقه مند)

شمارگان: 500 جلد

چاپ: اول 1396

قیمت: 25000 تومان

شابک: 978-964-5761-72-9

تلفن های مراکز پخش: 05137277810 05137245369 09153175120

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا روؤفی

ص: 4

مقدمه مؤلف: 10...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن و اهل بیت علیهم السلام خلیفه و جانشین من هستند (حدیث خلیفتین) 12...

روایت با تصحیح البانی 12...

روایت اول: با تصحیح هیثمی 15...

روایت دوم: با تصحیح هیثمی 15...

دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تبعیت و پیروی از امام علی علیه السلام برای جلوگیری از انحراف تا روز قیامت (حدیث ثقلین) 26...

روایت اول: با تصحیح البانی 27...

روایت دوم: با تصحیح البانی 27...

روایت سوم و چهارم: با تصحیح البانی 32...

روایت با تصحیح ابن حجر عسقلانی 36...

روایت اول: با تصحیح متقی هندی 39...

روایت دوم: با تصحیح متقی هندی 40...

آیه ولایت و اثبات امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام 47...

بررسی سند روایت 51...

راوی اول: أَبُو سَعِيدٍ الْأَشْجُ 51...

راوی دوم: الْفَضْلُ بْنُ ذَكَيْنٍ أَبُو نُعَيْمٍ الْأَحْوَلِ 54...

راوی سوم: مُوسَى بْنُ قَيْسٍ الْحَضْرَمِيِّ 57...

راوی چهارم: سَلَمَةُ بْنُ كَهَيْلٍ 61...

ابلاغ امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام در شب معراج توسط خداوند 67...

بررسی سند روایت...70

راوی اول: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ...70

راوی دوم: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيِّ...73

راوی سوم: أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ...76

راوی چهارم: أَحْمَدُ بْنُ مُفَضَّلٍ...80

راوی پنجم: جَعْفَرُ بْنُ زِيَادِ الْأَحْمَرِ...85

راوی ششم: هِلَالُ أَبِي أَيُّوبَ الصِّيرْفِيِّ...91

راوی هفتم: أَبُو كَثِيرٍ الْأَنْصَارِيُّ...94

راوی هشتم: عَبْدُ اللَّهِ ابْنِ اسْعَدٍ...97

مخالفت اهل بیت علیهم السلام با خلافت ابو بکر...98

بُطْلَانُ خِلَافَةِ ابُو بَكْرٍ تَنْهَا بِهَا سَهْ رَوَايَةُ مِنْ صَحِيحِ بَخَارِيِّ (معتبر ترین کتاب اهل سنت و وهابیت)...98

غضب حضرت زهرا علیها السلام در نتیجه غضب خدا و رسولش بر ابو بکر...98

ص: 5

روایت اول: 98...

روایت دوم: 102...

روایت سوم: 105...

اسناد حدیث ثقلین در خطبه غدیر و نقش آن در اثبات امامت امیر المؤمنین علیه السلام... 109

1- بیان اولویّت و سرپرستی خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بیان لفظ (مولی):... 110

2- بیان حدیث ثقلین در حدیث غدیر و دستور به تبعیت و پیروی از امیر المؤمنین علیه السلام... 110

روایت اول: با تصحیح ابن حجر عسقلانی... 112

روایت دوم: با تصحیح حاکم نیشابوری و ذهبی... 116

روایت سوم: از طبرانی با تصحیح البانی... 120

نزول آیه اکمال در روز غدیر و تبریک گفتن عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام... 129

قرینه اول: تبریک عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام بعد از اتمام خطبه غدیر:... 129

قرینه دوم: نزول آیه اکمال دین در خطبه غدیر... 131

روایت مورد نظر... 133

بررسی سند روایت... 136

راوی اول: عبد الله بن علی بن محمد بن عبد الله بن بشران... 136

راوی دوم: علی بن عمر الحافظ الدار قطنی... 141

راوی سوم: أبو نصر حَبْشُونُ بن مُوسَى بن أيوب الخَلال... 145

راوی چهارم: عَلِي بن سَعِيدِ الرَّمْلِي (علی بن ابی حمّلة)... 149

راوی پنجم: ضَمْرَةُ بنُ رَبِيعَةَ القَرَشِي... 152

راوی ششم: عَبْدُ اللَّهِ بن شَوْذَب... 157

راوی هفتم: مَطَرُ الوَرَّاق... 161

راوی هشتم: شهر بن حوشب...164

راوی نهم: ابو هريره...167

اعتراف امام محمد غزالی به امامت امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم و بیعت شکنی و غضب خلافت توسط عمر بن خطاب...168

و اما جایگاه ابو حامد غزالی نزد بزرگان اهل سنت:...173

اعتراف علماء اهل سنت و وهابیت به این که کلمه مولی به معنای امامت و خلافت (مُتولی امورکم) می باشد...174

اعتراف علماء اهل سنت و وهابیت به این که کلمه مولی به معنای اولویت و سرپرستی (أولی بکم) می باشد...186

(حدیث اولویت و سرپرستی) قال رسولُ الله: علیُّ أُولی الناس بکم بعدی...214

تصحیح روایت توسط آقای هیثمی...218

اما بررسی سند روایت...221

راوی اول: سلیمان بن أحمد الطبرانی...221

راوی دوم: أحمدُ بنُ زُهَیرِ التُّسْتَرِی...224

راوی سوم: مُحَمَّدُ بنُ عَثْمَانَ بنِ کَرَامَةَ...227

ص: 6

راوی چهارم: عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى... 230

راوی پنجم: يُوْسُفُ بْنُ صُهَيْبٍ... 230

راوی ششم: دُكَيْنُ بْنُ سَعْدٍ (سعيد)... 230

راوی هفتم: وَهْبُ بْنُ حَمْرَةَ (جمرة)... 235

علی بن ابی طالب علیه السلام نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم (آیه مباهله سند افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام)... 238

روایت صحیح مسلم: 239...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام از یک نور خلق شده اند (حدیث نور سند افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی مخلوقات)... 246

تصحیح روایت توسط سبط ابن الجوزی... 248

و بررسی سند روایت... 251

راوی اول: احمد بن محمد بن حنبل... 251

راوی دوم: عبد الرزاق بن همام بن نافع... 254

راوی سوم: معمر بن راشد... 257

راوی چهارم: محمد بن مسلم الزهري... 260

راوی پنجم: خالد بن معدان... 263

راوی ششم: زاذان ابو عمر... 266

راوی هفتم: سلمان فارسی... 269

ولادت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام علیه السلام در کعبه... 270

اعتراف آقای حاکم نیشابوری (متوفی 405 هجری)... 270

اعتراف آقای مسعودی (متوفی 346 هجری)... 273

اعتراف آقای ابن صَبَّاح مالکی (متوفی 855 هجری)...277

اعتراف آقای گنجی شافعی (متوفی 658 هجری)...280

اعتراف آقای شاه ولی الله دهلوی (متوفی 1176 هجری)...283

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیان عصمت و افضلیت امام علی علیه السلام (قال رسول الله : عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ)...286

تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی...288

ابلاغ سوره براءت توسط امیر المؤمنین علیه السلام و اثبات افضلیت و برتری و امامت امیر المؤمنین بر ابوبکر...294

تصحیح روایت توسط احمد محمد شاکر...295

تصحیح روایت توسط هیثمی...298

تصحیح روایت توسط البانی...301

امیر المؤمنین علیه السلام و بیان افضلیت و اعلییت و امامت خود در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (حدیث اخوت و حدیث ولایت و حدیث وارث)...304

تصحیح روایت توسط هیثمی...305

امام علی علیه السلام محبوب ترین شخص نزد خداوند متعال (حدیث طیر و افضلیت امام علی علیه السلام)...312

روایت اول...312

تصحیح روایت توسط هیشمی...316

روایت دوم...320

بررسی سند روایت...324

راوی اول: أبو القاسم الطبرانی (مؤلف کتاب)...324

راوی دوم: احمد بن محمد بن عبد العزیز الوشاء...327

راوی سوم: سلمة بن شبيب المسمعی...330

راوی چهارم: عبد الرزاق بن همام الحمیری...333

راوی پنجم: عبد الرحمن بن عمرو الأوزاعی...336

راوی ششم: یحیی بن أبی کثیر الطائنی...339

راوی هفتم: انس بن مالک...342

اعتراف عایشه به افضلیت و برتری امام علی علیه السلام (فریاد عایشه بر سر پیامبر)...343

روایت ابو بکر البزار...345

تصحیح روایت توسط هیشمی...348

اعترافی دیگر از عایشه در مورد افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام (عایشه: محبوب ترین شخص نزد پیامبر در بین مردان علی بن ابی

طالب و در بین زنان فاطمه زهرا است)...352

روایت اول: با سند صحیح...352

روایت دوم: با تصحیح البانی...355

اعتراف سعد بن ابی وقاص صحابی به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام...359

تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی...360

اعتراف احمد بن حنبل (امام حنبلی ها) و شافعی (امام شافعی ها) و محمد بن صالح العثیمین (از علماء بزرگ وهابیت) به افضلیت امام

علی علیه السلام بر تمامی صحابه...365

بزرگان صحابه شیعه بوده اند - پیدایش تشیع از زمان رسول الله صلی الله علیه و له وسلم...382

اعتراف البانی وهابی...382

اعتراف ابو عمر ابن عبد البر...388

اعتراف محمد بن عبد الرزاق می گوید...391

منابع و مأخذ:...397

ص: 8

یکی از مسائل مهم اعتقادی که باعث می شود مباحث اعتقادی دیگر و احکام فردی و اجتماعی تحت الشعاع آن قرار بگیرد بحث امامت می باشد، در حال حاضر شخصی که امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام را قبول دارد در مبحث توحید و نبوت و عدل و... اعتقاد متفاوتی دارد با کسی که خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام را نپذیرفته است و هم چنین در احکام فردی و اجتماعی تفاوت های بسیاری با یک دیگر وجود دارد.

به طور مثال در بحث توحید، وهابی ها قائل هستند که خداوند دست و پا و... دارد و حتی از آسمان به پایین و به بالا می رود و دارای موهای فروری و کفش های طلایی می باشد و... اما شیعیان که توحید را از امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان مطهرش آموخته اند خداوند را منزله از این اوهام می دانند و در بحث نبوت هم همین گونه است و تفاوت فاحشی بین نبوت در شیعه و مخالفینش وجود دارد به طور مثال مخالفین شیعه نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را فقط در ارسال رسالت معصوم می دانند اما افعال شخصی و اعمال فردی ایشان را معصوم نمی دانند لذا پیامبر آنان در نماز اشتباه می کند و سحر و جادو می شود و کار هایی انجام می دهد که خودش ملتفت نمی شود و بدون دلیل به دیگران پرخاش می کند و قصد خود کُشی دارد و... اما شیعیان که اعتقادات خویش را از اهل بیت علیهم السلام فرا گرفته اند نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مصون از هر گونه خطا در کلیه ابعاد زندگانی می دانند و هم چنین در دیگر مباحث اعتقادی و هم چنین در احکام الهی هم بسیار با یک دیگر متفاوت می شوند به گونه ای که مثلاً در یک عمل عبادی مثل نماز چند اختلاف بوجود آمده است و آنان که از امام علی علیه السلام و فرزندان مطهرش اطاعت می کنند به یک شکل وضو و نماز می خوانند اما طرف مقابل آن گونه عمل نمی کند.

با این توضیح بسیار مختصر مشخص شد که مبحث امامت چه مقدار اهمیت دارد و بسیاری از دیگر مباحث مهم اعتقادی و احکام عملی تحت الشعاع آن قرار می گیرد علاوه بر این که بدون در نظر گرفتن دیگر اعتقادی و احکام عملی، خود بحث امامت از ضروریات اسلام است و کسی که امامش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا می رود زیرا وقتی شخصی جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که به دست نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم منصوب شده است و حضرت دستور به تمسک و اطاعت بی چون و چرا از او را تا روز قیامت داده است انکار می کند، قطعاً انکار امامت باعث انکار نبوت می شود که مرگ جاهلی برای چنین کسی قطعی خواهد بود.

اما شیعه برای اثبات امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام علاوه بر منابع خود می تواند از منابع مخالفینش اقدام کند تا طبق قاعده الزام آنان را به حقیقت آگاه گرداند کما این که عالم بزرگ اهل سنت آقای ابن حزم (متوفی: 456 هـ -) در رابطه با روش احتجاج با مخالفین گوید:

{ لَا مَعْنَى لِاحْتِجَاجِنَا عَلَيْهِمْ بِرَوَايَاتِنَا فَهَمَّ لَا يَصْدُقُونَا وَلَا مَعْنَى لِاحْتِجَاجِهِمْ عَلَيْنَا بِرَوَايَاتِهِمْ فَتَحْنُ لَا نَصْدُقُهَا وَإِنَّمَا يَجِبُ أَنْ يَحْتَجَّ الْخُصُومُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ بِمَا يَصْدُقُهُ الَّذِي تَقَامُ عَلَيْهِ الْحُجَّةُ بِهِ } (1)

ما نمی توانیم با روایات خود برای شیعه دلیل بیاوریم چرا که برای آن ها روایات ما قابل پذیرش نیست همان گونه که شیعه نمی تواند با روایات خود علیه ما احتجاج کند چرا که در آن صورت ما نخواهیم پذیرفت بلکه لازم است هر یک از دو طرف به روایاتی استدلال کنند که طرف مقابل آن را قبول دارد و می پذیرد.

از آن جایی که خداوند می خواهد حجش را بر بندگان تمام کند در منابع اهل سنت و وهابیت هم روایات فراوانی وجود دارد که افضلیت و امامت بلا فصل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را اثبات می کند و ما به دلیل قاعده الزام، تعدادی از روایات صحیح السند آنان را همراه با بررسی سندی به همراه اسکن آن می آوریم تا چراغ راهی باشد برای تمامی حقیقت جوین عالم که به دنبال حقیقت هستند همان هایی که به خوبی می دانند در مباحث اعتقادی تقلید و تعصب راه ندارد.

به لطف مولایم حضرت بقیة الله (عجل الله تعالى فرجه) این کتاب دارای خصوصیات است که کم تر کتابی آن را دارا است زیرا در این کتاب فقط روایات صحیح السند را آورده ایم (البته به دلیل کثرت روایات از بیان تمامی آنان صرف نظر کردیم زیرا همین مقدار برای اتمام حجت کافی است) و دیگر این که کتاب پیش رو دارای اسکن روایت و هم چنین قرار گرفتن اسکن در بررسی سند ها می باشد تا محقق گرامی علاوه بر آدرس کتاب عین صفحه مورد نظر را مشاهده کند.

امید است که مرهمی بر دل مولای مان صاحب الزمان عجل الله فرجه باشد.

الحمد لله رب العالمین - مرتضی فکری - مشهد

ص: 11

1- الكتاب: الفصل في الملل والأهواء والنحل ج 4 ص 78، المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: 456هـ-) الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة

اهل سنت و وهابیت گویند، پیامبر هیچ خلیفه ای برای بعد از خود معین نکرد و امت اسلام را بدون خلیفه رها کرد!!! اما وقتی به منابع معتبر ایشان مراجعه می کنیم روایات صحیح السند زیادی وجود دارد که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن و اهل بیت علیهم السلام را خلیفه خویش قرار داده اند. بسیار جالب است که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم با لفظ (خلیفه) جانشین خویش را معین کرده اند تا راه را بر گم راه کنندگان بشریت مسدود و حجت را بر همگان تمام کنند.

نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

(إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَ أَهْلَ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ)

من در بین شما دو خلیفه قرار می دهم: کتاب خدا و اهل بیت، که این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند (جدا نشدن قرآن و اهل بیت علیهم السلام از یک دیگر بیانگر عصمت اهل بیت است) تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند.

عالم بزرگ وهابیت آقای البانی (که به بخاری عصر حاضر معروف است) به صحیح بودن روایت اعتراف کرده است:

{2457- «إني تارك فيكم خلیفتین: کتاب الله جبل ممدود ما بین السماء والأرض و عترتي أهل بيتي و إنهما لن يتفرقا حتى یردا علی الحوض». (صحیح) {1}

پیامبر فرمود: من در بین شما دو خلیفه قرار می دهم: کتاب خدا که ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین است و اهل بیت، که این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت اهل بیت) تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند.

سپس البانی در مورد سند روایت گوید: این روایت صحیح است.

ص: 12

1- کتاب: صحیح الجامع الصغیر و زیاداته ج 1 ص 482 حدیث 2457، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودری الألبانی، (المتوفی: 1420 هـ-) الناشر: المكتب الإسلامی عدد الأجزاء: 2

و عالم بزرگ اهل سنت آقای هیثمی (متوفی 807 هجری) در دو جای کتابش به صحیح بودن این روایت اعتراف کرده است:

روایت اول:

{ 784 - وَعَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: (إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَ أَهْلَ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ).

رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْكَبِيرِ، وَ رَجَالُهُ ثِقَاتٌ. { (1)

پیامبر فرمود: من در بین شما دو خلیفه قرار می دهم کتاب خدا و اهل بیتم، که این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت اهل بیت) تا روز قیامت در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند.

سپس آقای هیثمی گوید، این روایت را طبرانی در المعجم الکبیر آورده است و تمامی رجال آن ثقة و مورد اعتماد هستند.

روایت دوم:

{ [يَابُ فِي فَضْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ]

14957 - عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : " (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - حَبْلَ مَعْدُودٍ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ - أَوْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ - وَ عِيرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ) ".

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَ إِسْنَادُهُ جَيِّدٌ. { (2)

پیامبر فرمود: من در بین شما دو خلیفه قرار می دهم: کتاب خدا که ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین است و اهل بیتم، که این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند.

سپس آقای هیثمی گوید: این روایت را احمد بن حنبل در مسند آورده است و سندش صحیح است.

ص: 15

1- الكتاب : مجمع الزوائد و منبع الفوائد ج 1 ص 230 ح 784، المؤلف : أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

2- همان: ج 9 ص 182 و 183 ح 14957

عكس

□

ص: 17

عكس

□

ص: 18

عكس

□

ص: 20

حال سؤال این است که چرا می گویند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون جانشین از دنیا رفت؟

آیا این بی احترامی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نقص در دین نیست؟

آیا خداوند دینش را کامل کرد یا ناقص رها کرد؟

آیا دین الهی به نگهبانانی مصون از خطاء نیاز ندارد تا این بدعت ها و اختلافات وجود نداشته باشد؟

چرا ابوبکر امت را بدون جانشین رها نکرد؟ و حتی بدون مشورت با بزرگان صحابه، و علی رغم مخالفت امام علی علیه السلام و دیگر صحابه، عمر را انتخاب کرد؟! ولی آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کامل ترین دین الهی اگر دارای این نقص بزرگ باشد هیچ مشکلی ندارد؟! چرا ابوبکر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت نکرد و مثل ایشان خلیفه تعیین نکرد؟! مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طبق آیه قرآن اسوة حسنة نیست؟!؟

مگر خداوند طبق آیه اکمال، دینش را کامل نکرده است؟ پس چرا این نقص بزرگ که آثارش برای همه مشخص است در اسلام وجود دارد؟

جز این است که خداوند دینش را بدون کم و کاستی قرار داده است اما امت اسلام از خدا و رسولش اطاعت نکرده اند و جانشینان حقیقی اش (قرآن و اهل بیت) را رها کرده اند و این شد که حال مشاهده می کنید.

آیا این بالا ترین اهانت به خداوند و رسول اعظم نیست که به اندازه عایشه و حفصه و فرزند عمر بن خطاب و معاویه، به فکر امتش نباشد؟!؟ و آنان را بدون رهبر رها سازد؟!؟

و در صحیح مسلم، حفصه (دختر عمر) به عمر بن خطاب گوش زد می کند که کسی را به عنوان جانشین خود معین کند و بدون جانشین مردم را ترک نکند و به تبعیت از آن، عبد الله بن عمر به عمر بن خطاب می گوید: اگر چوپان تو، شتران و گوسفندان را بدون سر پرست رها کند به وی اعتراض نخواهی کرد که چرا باعث نابودی آن ها گردیده ای؟ پس به فکر این امت باش و کسی را به عنوان خلیفه تعیین کن چون رعایت حال این امت از وضع شتران و گوسفندان لازم تر و شدید تر است :

(عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى حَفْصَةَ، فَقَالَتْ: أَعَلِمْتَ أَنَّ أَبَاكَ غَيْرُ مُسْتَخْلِفٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: مَا كَانَ لِيَفْعَلَ، قَالَتْ: إِنَّهُ فَاعِلٌ، قَالَ: فَحَلَفْتُ أَنِّي أَكَلَّمُهُ فِي ذَلِكَ، فَسَكَتُ حَتَّى غَدَوْتُ وَلَمْ أَكَلِّمُهُ، قَالَ: فَكُنْتُ كَأَنَّمَا أَحْمِلُ بِيَمِينِي جَبَلًا حَتَّى رَجَعْتُ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَسَأَلَنِي عَنْ حَالِ النَّاسِ وَأَنَا أُخْبِرُهُ، قَالَ: ثُمَّ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ مَقَالََةً، فَأَلَيْتُ أَنْ أَقُولَهَا لَكَ، زَعَمُوا أَنَّكَ غَيْرُ مُسْتَخْلِفٍ، وَإِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ رَاعِي إِبِلٍ، أَوْ رَاعِي غَنَمٍ، ثُمَّ جَاءَكَ وَتَرَكَهَا رَأَيْتَ أَنْ قَدْ ضَيَعَ فِرْعَايَةَ النَّاسِ أَشَدُّ، قَالَ: فَوَافَقَهُ قَوْلِي) (1)

ص: 22

1- الكتاب: صحیح مسلم ج 3 ص 1455 ح 1823 (12)، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261 هـ)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الحديث - قاهرة

عكس

□

ص: 23

هم چنین عایشه به وسیله عبد الله بن عمر به عمر بن خطاب پیام می دهد: اُمّت محمد را بدون چوپان (جانشین) رها مکن و کسی را به عنوان جانشین تعیین نما، چون وا همه ی آن دارم که امت دچار فتنه گردند:

{ ثم قالت - ای عایشة - یا بنی ابلغ عمر سلامی و قل له: لا تدع امة محمد بلا راع، استخلف عليهم، ولا تدعهم بعدك هملا، فانی اخشى عليهم الفتنة } (1)

و مطابق نقل ابن سعد در الطبقات، عبد الله بن عمر به پدرش گفت: چرا کسی را جانشین تعیین نمی کنی؟ عمر پاسخ داد: چه کسی دارم که جانشین خود سازم؟ عبد الله گفت: تو گر چه پروردگار مردم نیستی ولی تلاش خود را به کار گیر، چون تو اگر چنان چه وکیل خود را بر روی زمین های کشاورزی فرا خوان دهی، آیا کسی را جایگزین آن خواهی کرد یا خیر؟ عمر گفت: آری، پرسید: اگر کسی را که گوسفندان تو را چوپانی می کند فرا خوان دهی، کسی را به جای آن قرار خواهی داد یا خیر؟

(أَنَّ ابْنَ عُمَرَ قَالَ لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ: لَوْ اسْتَخْلَفْتَ. قَالَ: مَنْ؟ قَالَ: تَجْتَهِدُ فَإِنَّكَ لَسْتَ لَهُمْ بِرَبٍّ تَجْتَهِدُ. أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّكَ بَعَثْتَ إِلَى قِيمِ أَرْضِكَ أَلَمْ تَكُنْ تُحِبُّ أَنْ يَسْتَخْلِفَ مَكَانَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْأَرْضِ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: أَرَأَيْتَ لَوْ بَعَثْتَ إِلَى رَاعِي غَنَمِكَ أَلَمْ تَكُنْ تُحِبُّ أَنْ يَسْتَخْلِفَ رَجُلًا حَتَّى يَرْجِعَ؟) (2)

و هم چنین معاویه که به قصد گرفتن بیعت برای یزید وارد مدینه شد، در جمع صحابه و ضمن گفت گو با عبد الله بن عمر گفت: من وحشت دارم که امت پیامبر را همانند گوسفند بدون چوپان رها سازم و بروم:

(إني أرهب أن أدع أمة مُحَمَّدٍ بعدى كالضأن لا راعي لها) (3)

ص: 25

1- الكتاب: الامامة و السياسة ج 1 ص 38، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (213 هـ-)، المحقق: الزيني
2- الكتاب: الطبقات الكبرى ج 3 ص 261، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (المتوفى: 230 هـ-)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1990 م ، عدد الأجزاء: 8، و كتب دیگر

3- الكتاب: تاريخ الطبري ج 5 ص 304، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310 هـ-)، (صلة تاريخ الطبري لعريب بن سعد القرطبي، المتوفى: 369 هـ-)، الناشر: دار التراث - بيروت، الطبعة: الثانية - 1387 هـ - عدد الأجزاء: 11؛ الكتاب الامامة و السياسة ج 1 ص 242، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (213 هـ-) المحقق: الزيني

دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تبعیت و پیروی از امام علی علیه السلام برای جلوگیری از انحراف تا روز قیامت (حدیث ثقلین)

اشاره

دین اسلام وقتی کامل خواهد بود که برای جلوگیری از انحراف امت و صیانت از اصول (اعتقادات) و فروع (احکام) آن تا روز قیامت. برنامه ای داشته باشد تا حجت بر بندگان تمام و دین الهی بدون کم و کاستی به همه ارائه شود.

به همین منظور نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت متواتر ثقلین، دستور به اطاعت از قرآن و اهل بیت تا روز قیامت می دهند و می فرمایند:

(إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَفْرَقَنَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا)

همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر به آن ها تمسک کنید و از آن دو اطاعت و پیروی کنید بعد از من هرگز گم راه نخواهید شد: یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت و این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت اهل بیت) تا در روز قیامت بر من وارد شوند.

بنابراین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به صراحت دستور به اطاعت از قرآن و امام علی علیه السلام داده اند تا هیچ شخصی تا روز قیامت گمراه نشود.

این روایت متواتر را بسیاری از بزرگان اهل سنت و وهابیت نقل کرده اند که جهت نمونه چند سند محضر شما محقق گرامی تقدیم می کنیم:

آقای البانی که از بزرگان وهابیت می باشد در کتاب صحیح سنن الترمذی (که روایات صحیح در کتاب سنن ترمذی را جمع آوری کرده است) دو روایت می آورد و سپس به صحت آنان اعتراف می کند:

روایت اول:

{ 3788 حدثنا علي بن المنذر الكوفي حدثنا محمد بن فضيل حدثنا الأعمش عن أبي سعيد والأعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن زيد بن أرقم رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما } (صحيح) (1)

زيد بن ارقم: پیامبر فرمود: همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر به آن ها تمسک کنید و از آن دو اطاعت و پیروی کنید بعد از من تا روز قیامت هرگز گم راه نخواهید شد: کتاب خدا که ریسمان کشیده شده از آسمان تا زمین است و اهل بیتم، و این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت اهل بیت) تا در روز قیامت بر من وارد شوند پس ببینید که چگونه با آنان برخورد می کنید بعد از من.

سپس البانی می گوید: روایت صحیح است.

روایت دوم:

{ 3786 حدثنا نصر بن عبد الرحمن الكوفي حدثنا زيد بن الحسن هو الأنماطي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر بن عبد الله قال رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجته يوم عرفة وهو على ناقته القصواء يخطب فسمعتة يقول يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي أهل بيتي. } (صحيح) (2)

جابر بن عبد الله گوید: در روز عرفه در مراسم حج، پیامبر را دیدم که خطبه می خواند و می فرمود: ای مردم همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر از آن دو اطاعت و پیروی کنید هرگز تا روز قیامت گم راه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

سپس البانی می گوید: روایت صحیح است.

ص: 27

1- الكتاب: صحيح سنن الترمذی ج 3 ص 543 و 544، المؤلف: محمد ناصر الدين الألبانی (المتوفى: 1420 هـ) الناشر: مكتبة المعارف - الرياض

2- همان: ج 3 ص 542 و 543

عكس

□

ص: 28

عكس

□

ص: 29

عكس

□

ص: 30

و هم چنین آقای البانی دو روایت دیگر در کتابش (صحیح الجامع الصغیر) آورده است و به صحت آن اعتراف کرده است:

روایت سوم و چهارم:

{ 1272 - 2748 - «أیها الناس قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا: کتاب اللّٰه و عترتی أهل بیتی». (صحیح) } (1)

{ 2972 - 7877 - «یا ایها الناس! إنی ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا: کتاب اللّٰه و عترتی أهل بیتی». (صحیح) } (2)

پیامبر فرمود: ای مردم همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر از آن دو اطاعت و پیروی کنید هرگز تا روز قیامت گم راه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیت.

سپس البانی پس از نقل هر دو روایت می گوید: این دو روایت صحیح است.

ص: 32

1- کتاب: صحیح الجامع الصغیر و زیاداته ج 1 ص 533 ح 2748، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح، الأشقودری الألبانی (المتوفی: 1420هـ-) الناشر: المکتب الإسلامی، عدد الأجزاء

2- همان: ج 2 ص 1303 ح: 7877

عكس

□

ص: 33

عكس

□

ص: 35

آقای ابن حجر عسقلانی (متوفی 852 هـ-) که از بزرگان علم رجال اهل سنت و وهابیت می باشد در کتابش (المطالب العالیة) این روایت را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر در حالی که دست امیر المؤمنین علیه السلام را گرفته است نقل می کند و ابن حجر پس از نقل روایت به صحت روایت اعتراف می کند

(3943 - وَقَالَ إِسْحَاقُ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَامِرٍ الْعَقَدِيُّ، عَنْ كَثِيرِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ [عُمَرَ] بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَضَرَ الشَّجْرَةَ بِحُمْ، ثُمَّ خَرَجَ أَخِذًا بِيَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: " أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّكُمْ؟ " قَالُوا: بَلَى. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَرَسُولَهُ أَوْلِيَاؤُكُمْ؟ " .

فَقَالُوا: بَلَى. قَالَ: " فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ، وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى، سَبَبُهُ بِيَدِي، وَ سَبَبُهُ بَأَيْدِيكُمْ، وَأَهْلُ بَيْتِي " . هَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ. (1)

رسول الله در ریز درختان غدیر خم، دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: ای مردم شهادت می دهید که خداوند رب شما می باشد؟ گفتند: بله، حضرت فرمود: آیا شهادت می دهید که خدا و رسول سر پرست شما هستند؟ و خدا و رسول اولیاء شما می باشند؟ گفتند: بله، حضرت فرمود: پس هر کس خدا و رسولش سر پرست او هست این علی بن ابی طالب سر پرست اوست، و بدانید که همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر از آن دو اطاعت و پیروی کنید هرگز تا روز قیامت گم راه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

سپس ابن حجر می گوید: سند این روایت صحیح می باشد.

ص: 36

1- الكتاب : المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية 16 ص 142 ح 3943، المؤلف : أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: 852 هـ-)، المحقق: (17) رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود، تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري، الناشر : دار العاصمة، دار الغيث - السعودية، الطبعة: الأولى، 1419 هـ- عدد الأجزاء: 19

عكس

□

ص: 37

و آقای متقی هندی (متوفی: 975 هـ-) در کتابش (کنز العمال) با چند سند این روایت شریف را می آورد و در ذیل دو روایت به صحت آن اشاره می کند که محضر شما تقدیم می شود:

روایت اول:

{ 36441- عن علی أن النبی صلی اللہ علیہ و سلم حضر الشجرة بخرم ثم خرج بید علی فقال: أيها الناس! أستم تشهدون أن اللہ ربکم؟ قالوا: بلی، قال: أستم تشهدون أن اللہ و رسوله أولى بکم من أنفسکم و أن اللہ و رسوله مولاکم؟ قالوا: بلی، قال: فمن كان اللہ و رسوله مولاہ فإن هذا مولاہ، و قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا بعده: کتاب اللہ سببه بیده و سببه بأيديکم، و أهل بیتي.

ابن راهویه و ابن جریر و ابن ابی عاصم و المحاملي في أماليه و صحیح. { (1)

رسول اللہ در ریز درختان غدیر خم، دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: ای مردم آیا شهادت می دهید که خداوند رب شما می باشد؟ گفتند: بله، حضرت فرمود: آیا شهادت می دهید که خدا و رسول سر پرست شما هستند؟ و خدا و رسول اولیاء شما می باشند؟ گفتند: بله، حضرت فرمود: پس هر کس خدا و رسولش سر پرست او هست این علی بن ابی طالب سر پرست اوست، و بدانید که همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر از آن دو اطاعت و پیروی کنید هرگز تا قیامت گم راه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

سپس متقی هندی گوید: ابن راهویه و ابن جریر و ابن ابی عاصم این روایت را آورده اند و محاملي در امالی اش این روایت را آورده و آن را آن را صحیح دانسته است.

ص: 39

1- الكتاب: کنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال ج 13 ص 140 ح 36441، المؤلف: علاء الدین علی بن حسام الدین ابن قاضی خان القادری الشاذلی الهندی البرهانفوری ثم المدنی فالمکی الشهير بالمتقی الهندی (المتوفی: 975 هـ-)، المحقق: بکری حیانی - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، 1401 هـ - / 1981 م

{ 1650 - عن محمد بن عمر بن علی عن أبيه عن علی بن أبي طالب أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: "إني قد ترکت فيکم ما إن أخذتم به لن تضلوا، کتاب الله، سبب بید الله، و سبب بأیدیکم و أهل بیتی". ابن جریر و صححه. } (1)

پیامبر فرمود: ای مردم همانا من در بین شما دو چیز می گذارم که اگر از آن دو اطاعت و پیروی کنید هرگز گم راه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

سپس متقی هندی گوید: این روایت را ابن جریر آورده و آن را صحیح دانسته است.

ص: 40

1- همان: ج 1 ص 379 و 380 ح 1650

عكس

□

ص: 41

عكس

□

ص: 43

بنابراین طبق حدیث شریف ثقلین، تبعیت و اطاعت از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بر تمامی امت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم واجب است حتی بر ابو بکر و عمر و عثمان و...

آیا با وجود شخصی که اطاعت از آن واجب است و عدل و قرین قرآن قرار گرفته است جایی برای خلافت دیگران باقی می ماند؟!!!

چگونه می شود ابو بکر خلیفه شود در حالی که بر او واجب است از علی بن ابی طالب تبعیت کند؟!!!

چگونه می شود علی بن ابی طالب که طبق همین حدیث شریف دارای مقام عصمت است کنار گذاشته شود و شخصی جای ایشان بیاید که اجماع وجود دارد معصوم نبوده است؟!!!

کدام یک از خلفای شما مقام رفیع و مهم عصمت را دارا هستند؟!!!

کدام یک قرین قرآن قرار گرفته اند؟!!!

چرا حداقل در بحث خلافت نظر امام علی علیه السلام پرسیده نشد؟!!!

و در سقیفه بدون حضور ایشان خلیفه تعیین کردند؟!!!

مگر نباید از ایشان تبعیت می کردند؟!!!

همان طور که از این حدیث شریف مشخص است آن مذهبی که اصول و فروعش از اهل بیت باشد رستگار است حال سؤال این است که در میان فرق اسلامی کدام مذهب بیشترین روایات را از اهل بیت دارد؟

مثلاً در اصلترین کتب اهل سنت و وهابیت، چند درصد روایات از اهل بیت است؟!!!

چرا روایات ابو هریره چندین برابر روایات حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام است؟!!!

این است تبعیت از اهل بیت؟!!!

حال بفرمایید چند درصد عقایدتان را از روایات اهل بیت گرفته اید؟!!!

آیا می توانید با روایات اهل بیت عقایدتان را اثبات کنید؟!!!

چند درصد احکام شما از روایات اهل بیت است؟!!!

سؤال دیگر این است که چرا صحابه به این حدیث متواتر عمل نکرده اند و به جای اطاعت و تبعیت از امیر المؤمنین علیه السلام با ایشان جنگیده اند؟! (اصحاب جمل و صفین و نهروان)

آیا می شود در مقابل نص صریح و روایت متواتر ثقلین، اجتهاد کرد و با امام علی علیه السلام جنگید؟!!

آیا اجتهاد در مقابل نص جایز است؟!!

و سؤال آخر این که به نظر بزرگان اهل سنت و وهابیت حکم کسی که با حدیث متواتر (مثل حدیث ثقلین که متواتر بین فریقین است) مخالفت کند چیست؟!!

ص: 46

آیه ولایت و اثبات امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام

یکی از آیات قرآن کریم که دلالت قوی بر امامت و خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام دارد آیه ولایت (مائدة 55) می باشد.

خداوند متعال می فرماید: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

فقط سر پرست شما خدا است و رسول او و کسانی که ایمان آورده و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند.

و در روایات اهل سنت و وهابیت با سند صحیح آمده است که این آیه شریفه در زمانی نازل شده است که امیر المؤمنین علیه السلام انگشتر را در رکوع به فقیر داده اند.

به طور مثال عالم بزرگ اهل سنت آقای ابن ابی حاتم (متوفی 327 هجری) در کتاب تفسیرش این گونه روایت می کند:

{ 6551 - حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَشْجِيُّ، ثنا الْفَضْلُ بْنُ دَكِينٍ أَبُو نُعَيْمٍ الْأَحْوَلُ، ثنا مُوسَى بْنُ قَيْسٍ الْحَضْرَمِيُّ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، قَالَ: تَصَدَّقَ عَلَيَّ بِخَاتَمِهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ فَنَزَلَتْ: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) } [المائدة: 55] (1)

سلمه بن کهیل (راوی تمامی صحاح سته) گوید: علی بن ابی طالب زمانی که انگشترش را در حال رکوع صدقه داد این آیه نازل شد که فقط سر پرست شما خدا است و رسول او و کسانی که ایمان آورده و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات (صدقه) می دهند.

ص: 47

1- الكتاب: تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم ج 4 ص 1162 ح 6551، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327 هـ-)، المحقق: أسعد محمد الطيب، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز- المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثالثة - 1619 هـ-

عكس

□

ص: 48

عكس

□

ص: 49

در این آیه شریفه ولایت امام علی علیه السلام به ولایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطف شده است که بیانگر دارا بودن مقام امامت الهی برای امیر المؤمنین علیه السلام می باشد.

و کلمه (إنّما) که در آیه ولایت بکار رفته است به اعتراف ادیبان عرب، افاده ی حصر می کند که با در نظر گرفتن معنای حصر در آیه، تنها با معنای سر پرستی سازگاری دارد زیرا معنا ندارد که خداوند بگوید فقط مُحب و دوست دار و ناصر شما سه شخص است: خدا و رسول و افرادی که در رکوع نماز صدقه می دهند؟!!!

آیا پدر و مادری که در رکوع صدقه نداده اند: فرزند شان را دوست ندارند؟!!!

آیا برادرانی که در نماز صدقه نداده اند یاور یک دیگر نیست اند؟!!!

بنابراین به خاطر وجود کلمه (إنّما) که از ادوات حصر است معنای (ولی) در آیه شریفه نمی تواند دوست و یاور باشد بلکه به معنای ولایت و سر پرستی می باشد و در نتیجه ولایت بلا فصل حضرت مولی الموحدین علیه السلام ثابت می شود.

ص: 50

سند روایت متصل و صحیح است و تمامی راویان این حدیث شریف از رؤات صحاح سته می باشند و برای صحت روایت همین مقدار کافی است زیرا کم ترین اشکال به آنان اشکال به صحیح بخاری و مسلم و... می باشد اما با این حال تمامی آنان دارای مقام وثاقت هستند که نمونه ای از توثیق آنان را خدمت شما تقدیم می کنیم:

راوی اول : أَبُو سَعِيدِ الْأَشْجِيِّ:

ایشان از راویان تمامی صحاح سته (صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه و ترمذی و نسائی) می باشد.

به عنوان نمونه آقای ذهبی در کتاب الکاشف که مخصوص راویان صحاح سته است در مورد ایشان گوید:

{ 2751 - عبد الله بن سعيد الحافظ أبو سعيد الكندي الكوفي الأشج عن هشيم و المطلب بن زياد و عنه الستة و ابن أبي حاتم، قال أبو حاتم ثقة إمام أهل زمانه و قال الشطوي ما رأيت أحفظ منه توفي 257 ع { (1)}

عبد الله بن سعيد أبو سعيد الأشج، حافظ است (کسی که صد هزار حدیث حفظ است) و او راوی تمامی صحاح سته می باشد و ابو حاتم گفت: او ثقة و امام اهل زمانش می باشد. و الشطوي گفت: من حافظ تر از او ندیده ام.

ص: 51

1- الكتاب: الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة ص 558 ح 2751، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748هـ-)، المحقق: محمد عوامة - أحمد محمد نمر الخطيب، الناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسة علوم القرآن، جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م

عكس

□

ص: 52

عكس

□

ص: 53

راوی دوم: الفضل بن دكين أبو نعيم الأحول:

ایشان راوی تمامی صحاح ستہ (صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجہ و ترمذی و نسائی) می باشد.

به عنوان نمونه آقای ابن حجر عسقلانی در کتاب تقریب التهذیب در مورد ایشان گوید:

{ 5401 - الفضل ابن دكين الكوفي و اسم دكين عمرو ابن حماد ابن زهير التيمي مولاهم الأ-حول أبو نعيم الملائي بضم الميم مشهور بكنيته ثقة ثبت من التاسعة مات سنة ثمانى عشرة و قيل تسع عشرة و كان مولده سنة ثلاثين و هو من كبار شيوخ البخارى ع { (1)

فضل بن دكين ثقة و ثبت می باشد و از اساتید بزرگ بخاری (صاحب صحیح بخاری) است.

ص: 54

1- الكتاب: تقریب التهذیب ص 782 ش 5436، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: ابو الأشبال صغير احمد شاغف، الناشر: دار العاصمة - الرياض

عكس

□

ص: 55

عكس

□

ص: 56

راوی سوم: مُوسَى بْنِ قَيْسِ الْحَضْرَمِيِّ:

ایشان راوی سنن ابی داود و سنن نسائی می باشد.

به عنوان نمونه آقای ابن ابی حاتم در کتاب الجرح و التعديل در مورد ایشان گوید:

{703 - موسى بن قيس الحضرمي روى عن حجر بن عيسى و سلمة ابن كهيل و مسلم البطين و عطية العوفى، روى عنه و كيع و يحيى بن آدم و ابو نعيم و قبيصة سمعت ابي يقول ذلك.

نا عبد الرحمن أنا عبد الله بن أحمد بن حنبل فيما كتب إلى قال سمعت ابي و ذكر موسى بن قيس فقال: ما اعلم الاخيرا.

نا عبد الرحمن قال ذكره ابي عن إسحاق بن منصور عن يحيى بن معين قال: موسى بن قيس الحضرمي ثقة، سألت ابي عن موسى بن قيس فقال: لا بأس به. {[\(1\)](#)

احمد بن حنبل گوید: از او جز خیر و خوبی ندیدم. يحيى بن معين گوید: او ثقة و مورد اعتماد است. ابو حاتم گوید: هیچ مشکلی ندارد.

ص: 57

1- الكتاب: الجرح و التعديل ج 4 ص 157 ش 703، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد عبد الرحمن بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327هـ-)، الناشر: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية - بحيدر آباد الدكن - الهند، دار الكتب العلمية - لبنان

عكس

□

ص: 58

عكس

□

ص: 59

عكس

□

ص: 60

راوی چهارم: سلمة بن كهيل:

ایشان از تابعین و راوی تمامی صحاح سته (صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه و ترمذی و نسائی) می باشد.

به عنوان نمونه آقای ذهبی در کتاب الکاشف که مخصوص راویان صحاح سته است در مورد ایشان گوید:

{2046 - سلمة بن كهيل أبو يحيى الحضرمي من علماء الكوفة رأى زيد بن أرقم و روى عن أبي جحيفة و علقمة و عنه سفيان و شعبة ثقة له مائتا حديث و خمسون حديثا مات 121 ع} (1)

سلمه بن كهيل از علماء كوفه است و او زيد بن ارقم صحابی را دیده است (از تابعین می باشد) و ثقه و مورد اعتماد می باشد.

ص: 61

1- الكتاب: الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة ص 454 ش 2046، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن عثمان بن قَایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطيب، الناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسة علوم القرآن، جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م

عكس

□

ص: 62

عكس

□

ص: 63

بنابراین سند روایت متصل و صحیح می باشد و مرسل تابعین نزد اجماع اهل سنت حجت می باشد به عنوان نمونه علامه نور الدین علی القاری می گوید:

{قُلْتُ: مُرْسَلُ التَّابِعِيِّ حُجَّةٌ عِنْدَ الْجُمْهُورِ، فَكَيْفَ مُرْسَلٌ مِّنْ اِخْتِلَافٍ فِي صِحَّةِ صُحْبَتِهِ؟} (1)

نزد جمهور اهل سنت مرسل تابعی حجت است تا چه رسد به مرسل کسی که در صحابه بودنش اختلاف است.

و آقای زر کلی در شرح حال آقای علامه نور الدین علی القاری گوید:

{علی بن (سلطان) محمد، نور الدین الملا الهروی القاری: فقیه حنفی، من صدور العلم فی عصره.} (2)

او فقیه حنفی و در عصر خودش از علماء بزرگ بود.

ص: 64

1- الكتاب: مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ج 9 ص 434، المؤلف: علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: 1014 هـ-)، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان

2- الكتاب: الأعلام ج 5 ص 12، المؤلف: خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزر کلی الدمشقی (المتوفی: 1396 هـ-) الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م

عكس

□

ص: 65

عكس

□

ص: 66

ابلاغ امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام در شب معراج توسط خداوند

روایت دیگری که به صراحت دلالت بر امامت بلا فصل مولى الموحّدين علیه السلام دارد روایتی است با سند معتبر که خداوند در شب معراج امامت امیر المؤمنین علیه السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ابلاغ می کند و این روایت شریف در چند کتاب اهل سنت و وهابیت موجود است.

از جمله عالم بزرگ اهل سنت آقای ابی نعیم (متوفی 430 هجری) در کتابش (معرفة الصحابة) این گونه روایت می کند:

{ 4002 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ، ثنا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ مُفَضَّلٍ، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ الْأَحْمَرُ، عَنْ هِلَالِ أَبِي أَيُّوبَ الصَّيْرَفِيِّ، عَنْ أَبِي كَثِيرٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسْعَدَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " انْتَهَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السِّدْرَةِ الْمُنْتَهَى، فَأَوْحِيَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ بِنَاءً: أَنَّهُ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَاتِ النَّعِيمِ. { (1)

عبد الله بن اسعد صحابی گوید: رسول الله فرمودند: زمانی که در شب معراج به سدره المنتهی رسیدم خداوند در مورد علی بن ابی طالب سه چیز برای من وحی کرد: این که او امام متّقین است (امامت و ولایت) و بزرگ و آقای مسلمین است (افضلیت حضرت) و رهبر رو سفیدان (یکی از خصوصیات شیعیان در روز قیامت) تا بهشت پر نعمت می باشد.

این روایت شریف به صراحت دلالت بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام دارد و انکار آن انکار سخن فرستاده ی الهی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم می باشد.

ص: 67

1- الكتاب : معرفة الصحابة ج 3 ص 1587 ح 4002، المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: 430 هـ-)، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى 1419 هـ - 1998

عكس

□

ص: 68

عكس

□

ص: 69

سند روایت معتبر و صحیح است و تمامی راویان آن موثق و ممدوح و مقبول می باشند. بنابراین نمونه ای از توثیقات راویان این سند را محضر شما محقق گرامی تقدیم می کنیم:

راوی اول: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ:

آقای ابو بکر الخطیب البغدادی (متوفی: 463 هـ-) ایشان را توثیق می کند و گوید:

1548 - محمد بن محمد بن أحمد أبو جعفر المقرئ سكن البصرة... و كان ثقة. { (1)

محمد بن محمد بن احمد ابو جعفر المقرئ ساکن بصره بود... و ثقہ و مورد اعتماد می باشد.

ص: 70

1- الكتاب: تاريخ بغداد ج 4 ص 360 ش 1548، المؤلف: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدى، الخطيب البغدادي (المتوفى: 463 هـ-) المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م، عدد الأجزاء: 16

عكس

□

ص: 71

عكس

□

ص: 72

آقای ذهبی در مورد ایشان گوید:

{مطین الحافظ الكبير أبو جعفر محمد بن عبد الله بن سليمان الحضرمي الكوفي: ... و سئل عنه الدار قطني فقال: ثقة جبل ... وبكل حال فمطین ثقة مطلقاً.} (1)

او حافظی (کسی که صد هزار حدیث حفظ است) بزرگ است و از دار قطنی درباره او سؤال شد او گفت: او ثقة است. و ذهبی گوید: در هر صورت او قطعاً ثقة و مورد اعتماد می باشد.

ص: 73

1- الكتاب: تذكرة الحفاظ ج 2 ش 682، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفى: 748 هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م، عدد الأجزاء: 4

عكس

□

ص: 74

عكس

□

ص: 75

آقای ذهبی در مورد ایشان گوید:

{439- خم س ق - أبو بکر بن أبي شیبة الحافظ عديم النظير الثبت ... (روى) عنه أبو زرعة و البخاري و مسلم و أبو داود و ابن ماجه و أبو بکر بن أبي عاصم... قال أحمد: أبو بکر صدوق، هو أحب إلى من أخيه عثمان. و قال العجلي: ثقة حافظ. و قال الفلاس: ما رأيت أحفظ من أبي بکر بن أبي شیبة. و کذا قال أبو زرعة الرازي... و قال الخطيب: كان أبو بکر متقنا حافظا. { (1)

او حافظ (کسی که صد هزار حدیث حفظ است) و بی نظیر و ثبت و ثقہ است... او راوی صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه می باشد... احمد بن حنبل گوید: او صدوق است و او نزد من از برادرش بهتر است. عجللی گوید: او ثقہ و حافظ است. فلاس و ابو زرعه رازی گویند: ما حافظ تر از او ندیده ایم... و خطیب گوید: او متقن و حافظ است.

ص: 76

1- الكتاب: تذكرة الحفاظ ج 2 ش 439، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفى: 748 هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م، عدد الأجزاء: 4

عكس

□

ص: 77

عكس

□

ص: 78

عكس

□

ص: 79

آقای ذهبی در مورد ایشان گوید:

او راوی سنن ابی داود و سنن نسائی می باشد و صدوق است. (1)

و آقای ابن حبان در کتابش (الثقات) که مخصوص راویان ثقه است ایشان را جزو افراد ثقه می آورد و به همین خاطر آقای ذهبی گوید:
{قال ابن حبان: ثقة} ابن حبان گفته است او ثقه می باشد. (2)

ص: 80

-
- 1- الكتاب: الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة ص 203 ش 88، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطيب، الناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسة علوم القرآن، جدة، الطبعة: الأولى، 1613 هـ - 1992 م
- 2- الكتاب: تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ج 16 ص 54 ش 24، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: عمر عبد السلام التدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت، الطبعة: الثانية، 1413 هـ - 1993 م، عدد الأجزاء: 52

عكس

□

ص: 81

عكس

□

ص: 82

عكس

□

ص: 83

آقای ابن حجر عسقلانی در مورد ایشان گوید:

اوراوی سنن ترمذی و نسائی می باشد و صدوق است. (1)

و آقای المزی در کتابش (تهذیب الکمال) گوید:

{ 941 لت ص (عس): جعفر بن زیاد الأحمر أبو عبد الله، و يقال: أبو عبد الرحمن، الكوفي والد علي بن جعفر، و جد الحسين بن علي بن جعفر الأحمر... قال عبد الله بن أحمد بن حنبل، عن أبيه: صالح الحديث. و قال عباس الدوري و أبو بكر بن أبي خيثمة و محمد بن عثمان بن أبي شيبة، عن يحيى بن معين: ثقة... و قال يعقوب بن سفيان: ثقة. و قال أبو زرعة: صدوق... و قال النسائي: ليس به بأس. } (2)

احمد بن حنبل گوید: احادیث او صحیح است. عباس الدوري و ابو بكر بن ابی خيثمه و محمد بن عثمان همگی از يحيى بن معين نقل کرده اند که او گفته است: جعفر بن زیاد الأحمر ثقة می باشد. يعقوب بن سفيان گوید: او ثقة و مورد اعتماد است. ابو زرعه گوید: او صدوق است. نسائی گوید: او مشکلی ندارد.

ص: 85

-
- 1- الكتاب: تقريب التهذيب ص 79 ش 940، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: عادل مرشد، الناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان
 - 2- الكتاب: تهذيب الكمال في أسماء الرجال ج 5 ص 38 و 39 و 40 ش 941، المؤلف: يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبی المزی (المتوفى: 742 هـ-)، المحقق: د. بشار عواد معروف، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، 1400 - 1980، عدد الأجزاء: 35

عكس

□

ص: 86

عكس

□

ص: 87

عكس

□

ص: 88

عكس

□

ص: 89

عكس

□

ص: 90

آقاي بخاري در كتاب التاريخ الكبير اورا معرفي مي كند. (1)

و آقاي ابن حبان (متوفى: 354 هـ-) در كتاب (الثقات) كه مخصوص راويان ثقة و مورد اعتماد است ايشان را جزو راويان ثقة مي آورد. (2)

ص: 91

-
- 1- الكتاب: التاريخ الكبير ج 8 ص 207 ش 2730، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: 256 هـ-)، الطبعة: دائرة المعارف العثمانية، حيدر آباد - الدكن، طبع تحت مراقبة: محمد عبد المعيد خان، عدد الأجزاء: 8
 - 2- الكتاب: الثقات ج 7 ص 572، المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى: 354 هـ-)، طبع بإعانة: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية، تحت مراقبة: الدكتور محمد عبد المعيد خان مدير دائرة المعارف العثمانية، الناشر: دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن الهند، الطبعة: الأولى، 1393 هـ - - 1973، عدد الأجزاء: 9

عكس

□

ص: 92

عكس

□

ص: 93

او راوی صحیح مسلم است و توثیقات فراوان دارد از جمله آقای ابن حجر عسقلانی در کتاب (تقریب التهذیب) گوید: او ثقه است. (1)

ص: 94

1- الكتاب: تقریب التهذیب ص 53 ش 549، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفى: 852 هـ)، المحقق: عادل مرشد، الناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان

عكس

□

ص: 95

عكس

□

ص: 96

و رآوی هشتم:

عبد الله بن أسعد می باشد که از صحابه است و نزد اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه ثقة و عادل اند و نیازی به توثیق ندارند.

بنابراین سند روایت معتبر است.

ص: 97

مخالفت اهل بیت علیهم السلام با خلافت ابو بکر: بطلان خلافت ابو بکر تنها با سه روایت از صحیح بخاری (معتبر ترین کتاب اهل سنت و وهابیت) غضب حضرت زهرا علیها السلام در نتیجه غضب خدا و رسولش بر ابو بکر

اشاره

طبق مصادر اسلامی بسیار روشن است که اهل بیت با خلافت ابو بکر مخالفت کرده اند و حتی از اصلی ترین کتب اهل سنت و وهابیت این مخالفت قابل اثبات می باشد و همگان می دانند که مخالفت اهل بیت با هر کاری بیانگر ضلالت و گم راهی آن کار می باشد.

به عنوان نمونه به سه روایت در صحیح بخاری توجه فرمائید:

روایت اول:

آقای بخاری در صحیحش روایت کرده است که پیامبر فرمودند:

{عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: (مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً)} (1)

هر کس از امیرش کار بدی دید، باید صبر کند زیرا هر کس به مقدار وجبی با سلطان مخالفت کند به مرگ جاهلیت از دنیا می رود.

{عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: (مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ، إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً)} (2)

هر کس از حاکم اسلامی کاری دید که بدش آمد باید صبر کند زیرا اگر به اندازه یک وجب از جماعت مسلمین جدا شود (با امیر مخالفت کند) با مرگ جاهلیت (کافر و اهل جهنم) از دنیا می رود.

ص: 98

1- کتاب: صحیح البخاری ص 1748 ح 7053، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (المتوفى 256هـ-)

، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2002 م

2- همان: ح 7054

عكس

□

ص: 99

عكس

□

ص: 101

و آقای بخاری روایت دیگری می آورد که حضرت زهرا علیها السلام تا وقتی از ابو بکر (حاکم اهل سنت و وهابیت) اموالش مثل فدک و... را مطالبه کرد و ابو بکر باز نگرداند!!! حضرت صدیقه بر او خشم و غضب کرد {که طبق روایت همین صحیح بخاری، غضب حضرت زهرا علیها السلام غضب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد (1)} و طبق آیه قرآن کریم، غضب و خشم نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم غضب خداوند است (2) { و تا حضرت زنده بود بر ابو بکر خشمگین و غضبناک بود و با ابو بکر سخن نگفت و از او دوری کرد تا این که از دنیا رفت. (3)}

ص: 102

-
- 1- { (أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي») }، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فاطمه پاره تن من است هر کس او را غضبناک و خشمگین کند مرا خشمگین کرده است. کتاب: صحیح البخاری ص 924 ح 3767، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (المتوفى 256 هـ-)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت، الطبعة الأولى، 1423 هـ - 2002 م
- 2- (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا) (الاحزاب 57)
- 3- الكتاب: صحیح البخاری ص 762 ح 3093، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (المتوفى 256 هـ-)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2002 م

بنابراین حضرت زهرا علیهم السلام با حاکم اهل سنت و وهابیت بشدت مخالفت و بر خورد کرده اند و تا آخر عمر از او خشمناک بوده اند و با خلیفه سخن نگفته اند تا از دنیا رفته اند. لذا باید (نعوذ بالله) با مرگ جاهلیت از دنیا بروند و این در حالی است که حضرت صدیقه شهیده طبق آیه تطهیر و روایات متواتر دارای مقام عصمت و از اهل بیت هستند و سرور زنان بهشت می باشند لذا آقای بخاری روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

{ وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

فَقَالَ: «أَمَّا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟» (1)

فاطمه سرور زنان اهل بهشت است.

ص: 105

1- الكتاب: صحيح البخاری ص 924 باب مناقب فاطمه - و ص 892 ح 3624، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاری الجعفی (المتوفى 256 هـ)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2002 م

عكس

□

ص: 107

بنابراین وقتی حضرت زهرا علیها السلام با حاکم اهل سنت و وهابیت مخالفت شدید می کند و تا آخر عمر بر او غضبناک هست و تا شهادت با او سخن نمی گوید و از جماعت مفارقت می کند و در عین حال سرور زنان بهشت می باشد بسیار روشن است که حضرت صدیقه علیها السلام با حاکم اسلامی رو به رو نبوده است تا مخالفت با او و مفارقت از جماعت، ایشان را به مرگ جاهلیت بکشاند زیرا اگر ابو بکر خلیفه مسلمین بود باید حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با مرگ جاهلیت از دنیا می رفت (نعوذ بالله) نه این که سرور زنان بهشت باشد.

علاوه بر مطلب بالا نکته دیگری که بطلان خلافت ابو بکر را تأیید می کند آن است که طبق روایت صحیح بخاری (که تقدیم شد)، غضب حضرت صدیقه شهیده، غضب نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و بسیار روشن است که غضب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باعث غضب خداوند می شود و همین غضب حضرت فاطمه علیها السلام به تنهایی، دلیلی روشن بر بطلان خلافت ابو بکر می باشد زیرا شخصی که مورد غضب خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است چگونه خلیفه ی خداوند و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می تواند باشد؟!

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا) (الاحزاب 57)

(قطعاً خداوند در دنیا و آخرت لعنت می کند کسانی را که خدا و رسولش را اذیت می کنند و برای آنان عذاب خوار کننده ای قرار داده است)

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَبْسُوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ) (الممتحنة 13)

(ای کسانی که ایمان آورده اید قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده است سر پرست انتخاب نکنید زیرا آنان از آخرت مأیوس اند همان گونه که کفار مدفون در قبر ها مأیوس می باشند)

و هم چنین غضب حضرت صدیقه علیها السلام بر ابو بکر، دلیلی روشن بر بطلان نظریه ی عدالت تمامی صحابه می باشد زیرا شخصی که مورد غضب خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است از عدالت بر خوردار نخواهد بود. و در مورد نقد نظریه عدالت تمامی صحابه که اساس و بنیان پیروان سقیفه است کتابی مستقلان شاء الله چاپ خواهیم کرد.

کلمه (مولی) از الفاظ مشترک می باشد یعنی لفظی که دارای چند معنی است و برای این که معلوم شود متکلم کدام معنی را از لفظ (مولی) اراده کرده است باید از قرینه های متّصله و منفصله موجود در سخن متکلم (نبی مکرم) استفاده شود تا معنای مورد اشاره ایشان را بدست آوریم.

در روز 18 ذی الحجة نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در وادی غدیر خم خطبه ای طولانی خوانده اند و در آن خطبه می فرمایند: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ) (البته این روایت شریف با الفاظ دیگری مثل لفظ (ولی) هم بکار رفته است که همین مطلب یکی از قرائن منفصله ای است که بیانگر معنای کلمه (مولی) می باشد) پس ناچار هستیم که با استفاده از قرائن موجود دریابیم که مراد نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم از استعمال کلمه (مولی) امامت و سرپرستی است یا دوستی و نصرت و یاری رساندن.

اگر بخواهیم تمامی قرائن متّصله و منفصله که بیانگر معنای امامت و سرپرستی در کلمه مولی می باشد را در این قسمت بیاوریم بسیار طولانی خواهد شد و خود یک کتاب مستقل می شود (که اگر توفیق الهی شامل این ذره نا چیز شود خواهم نوشت) لذا به تعدادی از قرائن متّصله ای که در حدیث غدیر است اکتفاء می کنیم که همین مقدار برای آنان که به دنبال کشف حقایق می باشند کافی است و حجت را بر همگان تمام می کند:

بعضی از قرائن که به روشنی مشخص می کند مراد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از کلمه (مولی) امامت و سرپرستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است:

1- بیان اولویت و سر پرستی خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بیان لفظ (مولی):

به این روایت صحیح السند توجه کنید:

(قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ وَرَسُولَهُ أَوْلِيَاؤُكُمْ؟ فَقَالُوا: بَلَىٰ. قَالَ: فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ). (1)

پیامبر فرمودند: آیا شهادت می دهید که خدا و رسول اولی و سر پرست شما هستند و خدا و رسول اولیاء شما هستند؟ گفتند: بلی، بلا فاصله حضرت فرمودند: پس هر کس خدا و رسول مولای او است علی بن ابی طالب هم مولای اوست.

از معنای اولویت و سر پرستی که قبل از لفظ مولی بکار رفته است به روشنی معنای مولی مشخص می شود که به معنای مُتولی امور و خلافت و امامت می باشد.

آقای ابن حجر عسقلانی (از استوانه های علم رجال اهل سنت و وهابیت) بعد از نقل روایت به صحت روایت اعتراف می کند (هَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ). این روایت در ادامه به طور کامل همراه با اسکن خواهد آمد.

2- بیان حدیث ثقلین در حدیث غدیر و دستور به تبعیت و پیروی از امیر المؤمنین علیه السلام.

نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث غدیر قرینه ای دیگر برای لفظ (مولی) می آورند تا راه فرار را برای مُنکران امامت ببندند و آن بیان حدیث ثقلین و دستور به تبعیت کامل (عصمت) و اطاعت مطلق (امامت) از امام علی علیه السلام می باشد. همان طور که می دانید حدیث ثقلین در اصل وصیت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است زیرا از واقعه غدیر تا شهادت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم حدود دو ماه بیش تر نیست و در حدیث ثقلین، نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید (يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا مَا عَاشَ نَصْفَ مَا عَاشَ الْآدِي كَانَ قَبْلَهُ، وَإِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعَى فَأَجِيبَ) ای مردم مبعوث نشد پیامبری مگر این که نصف عمر پیامبر قبلی اش را زندگی کرد و نزدیک است که مرا به سرای باقی بخوانند و از دنیا بروم. و سپس می فرماید (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ

ص: 110

1- الكتاب: المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية ج 16 ص 142 ح 3943، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: 852 هـ-)، المحقق: (17) رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود، تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشری، الناشر: دار العاصمة، دار الغیث - السعودية، الطبعة: الأولى، 1419 هـ، عدد الأجزاء: 19

الثَّقَلَيْنِ) من در میان شما دو شیء گران بهاء می گذارم (یعنی ما ترک خویش را مشخص می کنند) و سپس می فرمایند: یکی کتاب خداست و دیگری اهل بیت در حالی که دست علی بن ابی طالب را بلند کرده اند و سپس می فرمایند: اگر از این دو اطاعت و تبعیت کنید هرگز گم راه نمی شوید و هر کس من مولای (سر پرست) او هستم این علی مولای اوست.

بنابراین نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از لفظ مولی دستور به تبعیت بی چون و چرا و اطاعت مطلق (امامت) از امیر المؤمنین علیه السلام را داده اند و پس از آن کلمه مولی را بکار می برند که به روشنی معنای مولی مشخص می شود.

پس در خطبه غدیر حضرت مولی الموحدین، قرین و هم سنگ قرآن قرار می گیرد یعنی همان طور که قرآن جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است حضرت مولی الموحدین علیه السلام هم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و همان طور که در قرآن خطا و گم راهی نیست (عصمت مطلق) امام علی علیه السلام هم دارای مقام رفیع عصمت می باشد لذاست که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ) آن دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا روز قیامت.

بنابراین با وجود حدیث ثقلین در حدیث غدیر و دستور به اطاعت بی چون و چرا از امیر المؤمنین علیه السلام معنای مولی مشخص می شود. زیرا اگر شخصی به غیر از امیر المؤمنین علیه السلام بخواهد خلیفه مسلمین شود باید باز هم از امام علی علیه السلام اطاعت کند و تابع ایشان باشد در نتیجه حاکم و جانشین فقط امیر المؤمنین علیه السلام است چون حاکم اختیاری در مقابل ما فوqش یعنی حضرت مولی الموحدین علیه السلام ندارد پس جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شخصی غیر از امام علی علیه السلام نیست و اگر شخص دیگری باشد قطعاً حق ایشان را غصب کرده است.

برای نمونه چند روایت صحیح السند از منابع اهل سنت و وهابیت می آوریم تا محققین بزرگوار با دیدن آن شگفت زده شده و آشکار بودن حقیقت را با چشمان خود ببینند:

آقای ابن حجر عسقلانی این گونه روایت می کند:

3943 - ... (إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَضَرَ الشَّجْرَةَ بِحُمٍّ، خَرَجَ آخِذًا بِيَدِ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَرَسُولَهُ أَوْلَاؤُكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ، وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى، سَبَبُهُ بِيَدِي، وَسَبَبُهُ بِأَيْدِيكُمْ، وَأَهْلُ بَيْتِي). (1)

پیامبر در برکه غدیر قرار گرفت سپس دست علی بن ابی طالب را بلند کرد و فرمود: آیا شهادت نمی دهید که خداوند پروردگار شماست؟ (اقرار به توحید) مردم گفتند: بله. حضرت فرمودند: آیا شهادت نمی دهید که خدا و رسول اولی و سر پرست شما می باشند؟ (اقرار به توحید و نبوت) و خدا و رسول اولیاء شما می باشند؟ مردم گفتند: بله. حضرت فرمودند: پس هر کس خدا و رسول مولی (سر پرست) اوست علی بن ابی طالب مولی (سر پرست) او می باشد آگاه باشید که من در بین شما دو چیز می گذارم و از دنیا می روم که اگر به آن دو چنگ بزنید و اطاعت بی چون و چرا کنید هرگز گم راه نمی شوید: کتاب خدا و اهل بیت.

آقای ابن حجر عسقلانی پس از نقل روایت گوید:

(هَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ)

سند روایت صحیح می باشد.

ص: 112

1- الكتاب: المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية ج 16 ص 142 ح 3943، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: (17) رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود، تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري، الناشر: دار العاصمة، دار الغيث - السعودية، الطبعة: الأولى، 1419 هـ-، عدد الأجزاء: 19

روایت دیگر را آقای حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ 6272 - ... عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى غَدِيرِ خُمٍّ فَأَمَرَ بِدَوْحٍ، فَكَسَحَ فِي يَوْمٍ مَا أَتَى عَلَيْنَا يَوْمٌ كَانَ أَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا مَا عَاشَ نِصْفَ مَا عَاشَ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ، وَإِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعَى فَأَجِيبَ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَصْلُوا بَعْدَهُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»، ثُمَّ قَامَ فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، «أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» قَالُوا: بَلَى، قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» { (1).

زید بن ارقم صحابی گوید: رسیدیم به غدیر خم سپس پیامبر دستور داد تا آن جا جمع شویم و آن روز آن قدر سوزان بود که ما روزی به داغی آن روز ندیده بودیم. (2)

پیامبر حمد و ثنای الهی را بجا آورد و سپس گفت: ای مردم خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که نصف عمر پیامبر قبلی زندگی کرد و من نزدیک است که برای سرای باقی خوانده شوم و اجابت می کنم (از دنیا می روم) لذا من چیزی در بین شما باقی می گذارم که بعد از آن هرگز گم راه نمی شوید کتاب خدا و دست امام علی را گرفت و فرمود: ای مردم آیا من سزاوار تر نیستم به شما از جان های تان؟ (ولایت و سرپرستی) مردم گفتند: بله، حضرت فرمود: هر کس من مولى (سرپرست) اویم پس علی بن ابی طالب مولى (سرپرست) اوست.

آقای حاکم پس از نقل روایت گوید: (هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يَخْرُجَاهُ)

این روایت (طبق مبانی رجالی بخاری و مسلم) صحیح می باشد اما بخاری و مسلم در کتاب شان نیاورده اند!!!

و آقای ذهبی در تعلیق بر مستدرک حاکم گوید:

{ [التعليق - من تلخيص الذهبي] [6272 - صحيح]. }

این روایت صحیح است.

ص: 116

1- الكتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 613 ح 6272، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405 هـ-)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4

2- این قسمت روایت جواب وهابی هایی است که به دروغ می گویند: روز غدیر گرم نبوده بلکه سرد بوده است!.

عكس

□

ص: 117

روایت دیگر را آقای طبرانی در کتاب المعجم الكبير با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ 4986 - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، ثنا أَبُو نُعَيْمٍ، ثنا كَامِلُ أَبُو الْعَلَاءِ، قَالَ: سَمِعْتُ حَبِيبَ بْنَ أَبِي ثَابِتٍ، يُحَدِّثُ، عَنْ يُحْيَى بْنِ جَعْدَةَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى غَدِيرِ خُمٍّ أَمَرَ بِدُوحٍ فَكَسَحَ فِي يَوْمٍ مَا أَتَى عَلَيْنَا يَوْمٌ كَانَ أَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا عَاشَ نِصْفَ مَا عَاشَ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ، وَإِنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعَى فَأَجِيبَ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَصِلُوا بَعْدَهُ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ وَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

{ (1)

زید بن ارقم صحابی گوید: وقتی رسیدیم به غدیر خم، پیامبر دستور داد تا آن جا جمع شویم و آن روز آن قدر سوزان بود که ما روزی به داغی آن روز ندیده بودیم.

پیامبر حمد و ثنای الهی را بجا آورد و سپس گفت: ای مردم خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که نصف عمر پیامبر قبلی زندگی کرد و من نزدیک است که برای سرای باقی خوانده شوم و اجابت می کنم (از دنیا می روم) لذا من چیزی در بین شما باقی می گذارم که بعد از آن هرگز گمراه نمی شوید کتاب خدا و دست امام علی را گرفت و فرمود: ای مردم آیا من سزاوارتر نیستم به شما از جان های تان؟ (ولایت) و سر پرستی) پس هر کس من مولی (سر پرست) اویم پس علی بن ابی طالب مولی (سر پرست) اوست.

ص: 120

1- الكتاب: المعجم الكبير ج 5 ص 171 ح 4986، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ-)، المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: 25

عكس

□

ص: 121

اما سند این روایت مانند روایات قبلی صحیح است و آقای البانی وهابی که از بزرگان علم رجال وهابیت می باشد و به بخاری عصر حاضر شهرت دارد پس از نقل این روایت گوید:

{أخرجه الطبرانی (4986) ورجاله ثقات} . (1)

این روایت را طبرانی در حدیث شماره 4986 آورده و راویان آن ثقه می باشند.

ص: 124

1- الكتاب: سلسلة الأحاديث الصحيحة و شيء من فقهها و فوائدها ج 4 ص 334 و 335، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ-)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، عدد الأجزاء: 6

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ
الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (النساء 59)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول و اوصیاء الهی اطاعت کنید و هر گاه در چیزی نزاع داشتید آن را از خدا و رسول بخواهید
(نظر خدا و رسول را تبعیت کنید) اگر به خدا و روز رستا خیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش بهتر است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ) (محمد 33)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول اطاعت کنید و اعمال تان را باطل نکنید.

نزول آیه اکمال در روز غدیر و تبریک گفتن عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام: و میزان ثواب روزه در روز غدیر

اشاره

بیش از بیست قرینه متصله و منفصله در حدیث غدیر وجود دارد که نشان می دهد معنای مولی امامت و جانشینی و سر پرستی می باشد و همان طور که در قبل گفته شد بیان تمامی قرائن نیاز به نوشتن کتاب مستقل دارد اما برای اتمام حجت تا به حال دو قرینه خدمت شما سروران تقدیم شده است که هر کدام به تنهایی برای اهل علم و انصاف کافی می باشد.

اما اینک به دو قرینه دیگر می پردازیم تا جویندگان حقیقت با دیدن آن متحیر شوند:

قرینه اول: تبریک عمر بن خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام بعد از اتمام خطبه غدیر:

عمر بن خطاب خطاب پس از پایان خطبه غدیر می گوید:

(فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخٍ بَخٍ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ)

تبریک تبریک به تو ای علی بن ابی طالب تو مولای (رهبر و سر پرست) من و هر مسلمانی گردیدی.

حال فرض بگیریم مولی به معنای دوست و یاور باشد در این صورت عمر بن خطاب به امام علی علیه السلام گفته است تبریک عرض می کنم که الان دوست و یاور مؤمنین شدی!!! یعنی امام علی علیه السلام که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همه بیش تر جانش را برای اسلام به خطر انداخته است و همگان می دانند که اگر شجاعت ایشان نبود از اسلام اثری نبود و هر جا ابو بکر و عمر شکست می خوردند و فرار می کردند (1) حضرت اسد الله الغالب بود که دشمن را از پای می انداخت اما حال تازه در غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند شده است تا بگوید ای مردم علی دوست و یاور شما شده است!!!

یعنی کسی هست که در دوستی و یآوری حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شک داشته باشد؟ یعنی عمر بن خطاب که می گوید: الان مولی من و همه مؤمنین شده ای، منظورش این است که تبریک می گویم

ص: 129

1- در مورد شکست و فرار ابو بکر و عمر از جنگ ها و پیروزی های شگفت انگیز امیر المؤمنین (سلام الله علیه) روایات متعددی با سند صحیح در منابع اهل سنت و وهابیت وجود دارد که مجال مطرح کردن و بررسی سند آنان در این جا وجود ندارد.

که الان تازه دوست من و مؤمنین شده ای!! و الان تازه یاور مؤمنین شده ای!!! پس آن دلاوری های اسد الله الغالب چه شد؟؟!

خداوند در قرآن کریم مؤمنین را برتر از دوست می داند و آنان را برادر یک دیگر قرار می دهد (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (حجرات 10) اما گویا امام علی علیه السلام در روز غدیر (آخرین روز های عمر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) تازه دوست مؤمنین شده است و تا مقام برادری فاصله زیادی دارد!!!

پس به راحتی مشخص است که مراد از مولی در حدیث غدیر و تبریک عمر، به معنای امامت و سرپرستی می باشد.

به همین خاطر عالم بزرگ اهل سنت آقای امام غزالی به صراحت اعتراف می کند که مولی در حدیث غدیر به معنای امامت است و عمر بن خطاب در ابتداء امامت حضرت علی را قبول کرد اما سپس حُب ریاست و شهوت بر او غلبه کرد و نگذاشت حضرت علی جانشین پیامبر شود. (1)

ص: 130

1- در موضوع بعدی اعتراف امام غزالی و اسکن آن را تقدیم خواهیم کرد.

قرینه دوم: دومین قرینه که در این جا به آن می پردازیم نزول آیه اکمال دین در خطبه غدیر است.

خداوند متعال بلافاصله پس از خطبه غدیر و بیان امامت و جانشینی امام علی علیه السلام در روز غدیر این آیه شریفه را نازل می کند:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (المائدة 5)

امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و امروز راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

اگر فرض کنیم مولی در حدیث غدیر یعنی دوست و یاور، پس خداوند می فرماید امروز که علی بن ابی طالب دوست و یاور شما شد دین شما هم کامل شد!!! مثل این که امام علی علیه السلام تا قبل از روز غدیر دوست مؤمنین نبوده و اصلاً هیچ نصرت و کمکی برای اسلام نکرده است!!!

و خداوند در ادامه آیه شریفه می فرماید: امروز راضی شدم که اسلام دین شما باشد، مثل این که تا امام علی علیه السلام دوست و یاور مسلمین نباشد خدا اسلام را دین نمی داند!!! از امروز که امام علی علیه السلام دوست و یاور شد الان اسلام، دین می شود!!!

این مُهملاّت برای زمانی است که بخواهیم چشم بر حقایق ببندیم و سر عوام را گرم کنیم و الا هر عاقلی می داند که زمانی دین اسلام کامل می شود که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشخص شود چگونه می شود دینی تا روز قیامت ادامه داشته باشد اما رهبر و رئیسی معصوم و مصون از خطا نداشته باشد که دین را بدون کم و کاستی و عاری از بدعت ها به نسل های دیگر انتقال دهد!!!

اگر جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را غیر از خداوند تعیین تعیین کند مثلاً مردم بخواهند انتخاب کنند باز هم دین ناقص می ماند و هرگز چنین دینی کامل نخواهد بود زیرا نمونه آشکار آن، حال و روز فعلی اسلام است که عده ای از صحابه در سقیفه جمع شدند و گفتند خلیفه را ما انتخاب می کنیم!!! و نتیجه این است که اُمت تکه تکه شده است و به شیعه و سنی و... تبدیل شده است و به خاطر تفاوت در جانشین پیامبر، حتی اعتقادات و احکام آنان متفاوت شده است ولی اگر خلیفه ی خداوند را می پذیرفتند در حال حاضر اسلام پاره پاره نبود لذا آن قدر امامت و خلافت مهم است که باعث می شود اعتقادات و احکام هم تغییر کند. و اگر جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که اصلی ترین کارش حفاظت از کیان اسلام

و جلوگیری از بروز بدعت در اسلام است خود بدعت گذار باشد و احکام الهی را تغییر دهد چگونه آن دین کامل خواهد بود و خداوند آن را کامل کرده است؟!!

بنابر این خداوند زمانی دینش را کامل می کند و راضی می شود که اسلام دین تمامی بشریت باشد که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مشخص کرده باشد و لذا نزول این آیه شریفه در بعد از خطبه غدیر بیانگر معنای امامت و جانشینی برای لفظ مولی می باشد.

ص: 132

آقای خطیب بغدادی (متوفی 463 هجری) که از علماء بزرگ عامه می باشد در کتابش با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشَّارٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ حَبْشُونُ بْنُ مُوسَى بْنِ أَيُّوبَ الْخَلَّالِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدِ الرَّمْلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا صَدْرُ مَرَّةَ بْنِ رَبِيعَةَ الْقُرَشِيِّ، عَنِ ابْنِ شَوْذَبٍ، عَنِ مَطَرِ الْوَرَّاقِ، عَنِ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانَ عَشْرَةَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَهُوَ يَوْمُ غَدِيرِ خَمٍ لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: "الَسْتُ وَلِي الْمُؤْمِنِينَ؟"، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ"، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخٍ بَخٍ لَكَ يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، وَ مَنْ صَامَ يَوْمَ سَبْعَةِ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ كَتَبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَهُوَ أَوَّلُ يَوْمٍ نَزَلَ جِبْرِيْلُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالرِّسَالَةِ. { (1)

ابو هریره گوید: هر کسی در روز 18 ذی الحججه روزه بگیرد ثواب 60 ماه روزه را دارد و آن روز غدیر خم است که پیامبر دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: آیا من ولی و سر پرست مؤمنین نیستم؟ مردم گفتند: بله ای رسول خدا، حضرت فرمود: هر کس من مولی (سر پرست) او هستم پس علی بن ابی طالب مولی (سر پرست) او می باشد سپس عمر بن خطاب گفت: مبارکت باد مبارکت باد ای فرزند ابی طالب تو مولای من (سر پرست) و مولای تمام مسلمین گردیدی. سپس خداوند آیه اکمال را نازل کرد: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) (المائده 5) امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و امروز راضی شدم که اسلام دین شما باشد. و هر کس روز بیست و هفتم رجب را روزه بگیرد برای او ثواب 60 ماه نوشته خواهد شد زیرا آن اولین روزی است که جبرئیل به پیامبر نازل شد برای رسالت.

ص: 133

1- الكتاب: تاريخ بغداد ج 9 ص 222، المؤلف: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي (المتوفى: 463 هـ-)، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م، عدد الأجزاء:

تمامی راویان این روایت دارای مقام وثاقت می باشند و سند روایت صحیح است که مقداری از توثیقات ایشان را خدمت شما تقدیم می کنیم:

راوی اول: عبد الله بن علی بن محمد بن عبد الله بن بشران:

وی استاد خطیب بغدادی می باشد و خطیب در مورد او گوید:

(کتبتُ عنه و كان سماعه صحيحاً). (1)

از عبد الله بن علی بن محمد بن عبد الله بن بشران روایات نوشته ام و سماع او صحیح است.

و آقای ذهبی گوید:

(قال الخطيب: كان سماعه صحيحاً، و تُوفِّي في سؤال). (2)

خطیب گوید: سماع او صحیح است.

ص: 136

1- الكتاب: تاريخ بغداد ج 11 ص 185 ش 5083، المؤلف: أبو بكر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی الخطیب البغدادي (المتوفى: 463 هـ-)، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م، عدد الأجزاء: 16

2- الكتاب: تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ج 29 ص 264 ش 312، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: عمر عبد السلام التدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت، الطبعة: الثانية، 1413 هـ - 1993 م، الأجزاء: 52

وی همان دار قطنی معروف و صاحب کتاب سنن است که در وثاقت آن تردیدی نیست چنان چه ذهبی درباره او گوید:

{ 332 - الدَّارُ قُطْنِي: الإِمَامُ، الحَافِظُ، المُجَوِّدُ، شَيْخُ الإِسْلَامِ... وَ كَانَ مِنْ بُحُورِ العِلْمِ، وَ مِنْ أَيْمَةِ الدُّنْيَا، انْتَهَى إِلَيْهِ الحِفْظُ وَ مَعْرِفَةُ عِلَلِ الحَدِيثِ وَ رَجَالِهِ، مَعَ التَّمَدُّمِ فِي القِرَاءَاتِ وَ طُرُقِهَا، وَ قُوَّةِ المِشَارَكَةِ فِي الفِئَةِ، وَ الاِخْتِلَافِ، وَ المَعَاذِي، وَ أَيَّامِ النَّاسِ، وَ غَيْرِ ذَلِكَ. } (1)

دار قطنی امام و حافظ و شیخ الاسلام است و او دریای علم بود و از ائمه دنیا محسوب می شد و علوم حفظ و معرفت علل حدیث و رجال به او ختم می شد کما این که در قراءات و طرق آن و فقه ... پیش تاز بود.

ص: 141

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 16 ص 449 و 450 ش 332، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

راوی سوم: أَبُو نَصْرٍ حَبْشُونُ بْنُ مُوسَى بْنِ أَيُّوبِ الْخَلَّالِ:

اورا بزرگان رجال توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی گوید:

{ 155 - حَبْشُونُ بْنُ مُوسَى بْنِ أَيُّوبِ بْنِ نَصْرِ الْبَغْدَادِيِّ الشَّيْخِ، أَبُو نَصْرِ الْبَغْدَادِيِّ، الْخَلَّالُ ... وَ كَانَ أَحَدَ الثَّقَاتِ } (1)

او یکی از افراد ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 145

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 15 ص 316 ش 155، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

عكس

□

ص: 147

راوی چهارم: عَلِيُّ بْنُ سَعِيدِ الرَّمْلِيِّ (علی بن ابی حملة):

وی را بزرگان رجال توثیق کرده اند از جمله آقای ابن حجر عسقلانی گوید:

{ 5385 - علی بن ابی حملة [أبو نصر، وهو علی بن سعید الرملي]

شیخ ضمرة بن ربیعة.

ما علمت به بأسا، ولا رأيت أحدا إلى الآن تكلم فيه وهو صالح الأمر ولم يخرج له أحد من أصحاب الكتب الستة مع ثقته، انتهى.

وإذا كان ثقة ولم يتكلم فيه أحد فكيف تذكره في الضعفاء؟! { (1)

در او اشکالی نیست و کسی را ندیده ام که درباره او سخن بدی گفته باشد و او صالح الامر است و با این که ثقة است ولی در صحاح روایتی از او نیست و زمانی که ثقة و مورد اعتماد است و کسی از او بدی ندیده است پس چگونه او را ضعیف بشماریم؟

(احمد بن حنبل و عجللی و دیگران او را توثیق کرده اند). (2)

ص: 149

-
- 1- الكتاب: لسان الميزان ج 5 ص 535 ش 5385، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، الطبعة الأولى، 2002 م، عدد الأجزاء: 10، العاشر فهارس
 - 2- به پاورقی شماره 3 در اسکن کتاب لسان المیزان توجه شود.

او را نیز بزرگان رجال اهل سنت و وهابیت توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی گوید:

{ 107 - صَمْرَةُ بْنُ رَبِيعَةَ: الْإِمَامُ، الْحَافِظُ، الْقُدْوَةُ، مُحَدِّثُ فَلَسْتِ طِينٍ ... رَوَى: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ حَنْبَلٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: صَمْرَةُ رَجُلٌ صَالِحٌ، صَالِحُ الْحَدِيثِ مِنَ الثَّقَاتِ الْمَأْمُونِينَ، لَمْ يَكُنْ بِالسَّامِ رَجُلٌ يَشْبَهُهُ، هُوَ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ بَقِيَّةِ كَانٍ لَا يَبَالِي عَمَّنْ حَدَّثَ. وَقَالَ ابْنُ مَعِينٍ، وَ النَّسَائِيُّ: ثِقَةٌ. وَقَالَ أَبُو حَاتِمٍ: صَالِحٌ. قَالَ آدَمُ بْنُ أَبِي إِيَّاسٍ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَعْقَلَ لِمَا يَخْرُجُ مِنْ رَأْسِهِ مِنْ صَمْرَةَ. وَقَالَ ابْنُ سَعْدٍ: كَانَ ثِقَةً، مَأْمُونًا، خَيْرًا، لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ أَفْضَلُ مِنْهُ. } (1)

او امام و حافظ و بزرگ و محدث فلسطین است. احمد بن حنبل گوید: او شخصی صالح و صالح الحدیث و از ثقات است و در شام شخصی مانند او نیست و او را بیش تر از دیگران قبول دارم. ابن معین و نسائی گویند: او ثقه و مورد اعتماد است. ابو حاتم گوید: او صالح است. آدم بن ابی ایاس گوید: شخصی را عاقل تر از او ندیدم. ابن سعد گوید: او ثقه و مورد اعتماد است و برتر از او در این جا وجود ندارد.

ص: 152

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 9 ص 325 و 326 و 327، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

وی راوی بخاری در الأدب المفرد و سنن أبو داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد و او را بزرگان رجال اهل سنت و وهابیت توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی گوید:

{ 39 - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَوْذَبٍ الْبَلْخِيُّ ثُمَّ الْبَصْرِيُّ:

الإمام العالم، أبو عبد الرحمن، نزيل بيت المقدس، وثقه: أحمد بن حنبل، وغيره.

قال أبو عمير بن الحساس: حدثنا كثير بن الوليد، قال: كنت إذا رأيت ابن شاذب، ذكرت الملائكة. قال أبو عامر العقدي: سمعت الثوري يقول: كان ابن شاذب عندنا، ونحن نعدّه من ثقات مشايخنا. وقال يحيى بن معين: كان ثقة. { (1)

او امام و پیشوا و دانشمند است. احمد بن حنبل و دیگران او را توثیق کرده اند. کثیر بن الولید گوید: وقتی او را می دیدم یاد ملائکه می افتادم! ثوری گوید: ما او را از بزرگان و اساتید ثقه و مورد اعتماد می دانیم. یحیی بن معین گوید: او ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 157

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 7 ص 92 و 93، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

وی راوی صحیح مسلم و سنن ابی داود و سنن ابن ماجه و سنن ترمذی و سنن نسائی می باشد و آقای ذهبی در مورد او گوید:

{ 202 - مَطَرُ الْوَرَّاقِ أَبُو رَجَاءِ الْخُرَّاسَانِي :

الإمام، الزاهد، الصادق، أبو رجاء بن طهمان الخراساني، نزيل البصرة، مؤلف علباء بن أحمد الشكري. كان من العلماء العاملين، وكان يكتب المصاحف، ويتقن ذلك. { (1)

او امام و پیشوا و زاهد و راست گو بود. و از علماء عامل به دستورات دین و از نویسندگان قرآن بود و به درستی آن را انجام می داد.

ص: 161

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 5 ص 452، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

وی از راویان بخاری در ادب المفرد و صحیح مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه و ترمذی نسائی می باشد.

وی را بزرگان رجال توثیق کرده اند از جمله آقای العجلی گوید:

{741- شهر بن حوشب: شامی تابعی ثقة.} (1)

او اهل شام و از تابعین و مورد اعتماد و ثقه می باشد.

ص: 164

1- الكتاب: معرفة الثقات ج 1 ص 461 ش 741، المؤلف: أبو الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلي الكوفي (المتوفى: 261 هـ-)، المحقق: عبد العليم عبد العظيم البستوى، الناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985

عكس

□

ص: 165

و راوی نهم:

ابو هریره است که از صحابه می باشد و اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه را عادل می دانند! لذا نیاز به توثیق ندارد.

در نتیجه روایت صحیح یا حداقل حسن می باشد و طبق قواعد رجالی اهل سنت و وهابیت روایت حسن مثل روایت صحیح قابل احتجاج است.

ص: 167

اعتراف امام محمد غزالی (عالم بزرگ اهل سنت) به امامت امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم و بیعت شکنی و غضب خلافت توسط عمر بن خطاب

همان طور که بیان شد هر شخصی که بدون تعصب به بررسی حدیث غدیر و قرائن آن پردازد به آسانی در می یابد که غدیر روزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جانشین خود را معین کرده اند تا اسلام ابتر و ناقص نباشد.

آقای امام ابو حامد غزالی (متوفی 505 هجری) به این حقیقت اعتراف کرده است و سخنانی بیان کرده است که چراغ راهی است برای آنان که تعصب ندارند و به دنبال کشف حقایق هستند و نمی خواهند کور کورانه از آباء و اجداد شان پیروی کنند کما این که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ) (لقمان 21)

هنگامی که به آنان گفته می شود از آن چه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند: نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم! آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش کند باز هم تبعیت می کنید!!

عالم بزرگ اهل سنت آقای غزالی گوید:

{وَأَجْمَعَ الْجَمَاهِيرُ عَلَى مَنِّ الْحَدِيثِ مِنْ خُطْبَتِهِ فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ بِاتِّفَاقِ الْجَمْعِ، وَهُوَ يَقُولُ: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ) فَقَالَ عُمَرُ: بَخٍ لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَقَدْ أَصَبْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ، فَهَذَا تَسْلِيمٌ وَرِضًا وَتَحْكِيمٌ، ثُمَّ بَعْدَ هَذَا غَلَبَ الْهَوَى وَ حُبُّ الرَّئِاسَةِ وَ حَمَلُ عَمُودِ الْخِلَافَةِ وَ عُقُودِ التُّبُوءَةِ وَ خَفَقَانَ الْهَوَى فِي قَعَقَعَةِ الرَّايَاتِ وَ اشْتَبَاكَ اَزْدِحَامَ الْخِيُولِ وَ فَتَحَ الْأَمْصَارَ وَ سَقَاهُمْ كَأْسُ الْهَوَى فَعَادُوا إِلَى الْخِلَافَةِ الْاُولَى، (فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) (آل عمران 187)}. (1)

جمهور مسلمین بر متن حدیث غدیر در خطبه پیامبر در روز غدیر خم اتفاق دارند که حضرت فرمود: هر کس من مولای (سرپرست) او هستم پس علی بن ابی طالب مولای (سرپرست) اوست و عمر گفت: تبریک تبریک ای ابا الحسن تو اکنون مولا و رهبر من و تمامی مسلمین شدی، این سخن عمر حکایت از تسلیم او در برابر فرمان پیامبر و رضایت او بر امامت علی بن ابی طالب است اما بعد از این، تحت تأثیر هوای نفس و حب ریاست قرار

ص: 168

1- کتاب: مجموعه رسائل الإمام الغزالي ص 483، المؤلف: أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: 505 هـ)، حقه: ابراهيم امين محمد، الناشر: المكتبة التوفيقية - القاهرة - مصر

گرفت و عمود خلافت را از مکان اصلی اش تغییر داد و با لشگر کشی ها و برافراشتن پرچم ها و گشودن سر زمین های دیگر، راه امت را به اختلاف و بازگشت به دوران جاهلیت هموار کرد و از مصادیق این آیه شد: (فَبَدَّلُوا وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاسْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا) پس آن عهد را پشت سر انداختند و در برابر آن بهائی نا چیز بدست آوردند.

ص: 169

عكس

□

ص: 170

عكس

□

ص: 171

و اما جایگاه ابو حامد غزالی نزد بزرگان اهل سنت:

با این که آقای غزالی از بزرگان عامّه است و در بین علماء ایشان شخصیتی جهانی محسوب می شود و کم تر کسی از بزرگان اهل سنت و وهابیت است که او را شناسد اما با این حال باز هم سخن چند نفر از بزرگان اهل سنت و وهابیت را در مورد شخصیت او بیان می کنیم:

آقای ذهبی در مورد او گوید:

{ 204 - الغزالی أبو حامد مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ

السَّيِّحُ، الإمام، البحر، حجة الإسلام، أعجوبة الزمان، زين الدين، أبو حامد مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الطُّوسِي... } (1)

غزالی شخصی بزرگ و امام و پیشوا و دریای علم و حجت اسلام و اعجوبه زمان و زینت دین بود.

و آقای خیر الدین زرکلی الدین زرکلی با لقب رفیع (حجة الإسلام) او را معرفی می کند:

{ الغزالی: (450 - 505 هـ = 1058 - 1111 م)

محمد بن محمد بن محمد الغزالی الطوسي، أبو حامد، حجة الإسلام... } (2)

ص: 173

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 19 ص 322، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - / 1985 م ، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

2- الكتاب : الأعلام ج 7 ص 22، المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: 1396 هـ-) الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م

اعتراف علماء اهل سنت و وهابیت به این که کلمه مولی به معنای امامت و خلافت (متولی امورکم) می باشد.

بزرگان اهل سنت و وهابیت مثل آقای زمخشری (متوفی 538 هجری) (1) و ابی سعود (متوفی 951 هـ) (2) و قسطلانی (متوفی 923 هـ) (3) و آلوسی سلفی (1270 هـ) (4) و در تفسیر الوسیط که جمعی از علماء الأزهر مصر نوشته اند (5) در مورد کلمه (مولی) در آیه 2 سوره مبارکه تحریم می گویند: (مَوْلُکُمْ، اَی سَیِّدِکُمْ و مُتَوَلَّی اُمُورِکُمْ) مولی شما است یعنی: سر پرست و متولی امور شما می باشد.

بنابراین ثابت می شود که کلمه مولی به معنای متولی امور و امامت و خلافت بکار رفته است پس با وجود این که چندین قرینه در حدیث غدیر وجود دارد که کلمه مولی به معنای (متولی امورکم) است چرا به روایات در منابع خود شان بی اعتنائی می کنند و حقیقت را نمی پذیرند!!

البته بیان این حقایق برای کسانی است که متعصّب نیست اند و در عقاید تقلید نمی کنند همان گونه که نباید تقلید کنند (تقلید در احکام جایز است نه در عقاید) و خداوند متعال در مورد افرادی که کور کورانه از بزرگان شان تقلید می کنند می فرماید:

ص: 174

1- الكتاب: الكشف جزء 28 ص 1120، المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشری جار الله (المتوفی: 538 هـ)، الناشر: دار المعرفة - بیروت - لبنان

2- الكتاب: تفسیر ابی السعود - إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الکریم ج 8 ص 266، المؤلف: أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى (المتوفی: 982 هـ)، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت - لبنان

3- الكتاب: إرشاد الساری لشرح صحيح البخاری ج 9 ص 411، المؤلف: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلانی القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفی: 923 هـ)، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، الطبعة السابعة، 1323 هـ، عدد الأجزاء: 10

4- الكتاب: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم و السبع المثانی ج 28 ص 149، المؤلف: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسی (المتوفی: 1270 هـ)، الناشر: إدارة الطباعة المنيرية - احياء التراث العربي - بیروت - لبنان

5- الكتاب: التفسیر الوسیط للقرآن الکریم ج 10 ص 1483، المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، الطبعة: الأولى، (1393 هـ = 1973 م) - (1414 هـ = 1993 م)، عدد المجلدات: 10 مجلدات

(يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (66) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّمَا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَا)
(الأحزاب 67)

در آن روز که صورت های آنان در آتش دگرگون خواهد شد می گویند: ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم. و می گویند:
پروردگارا ما از سران و بزرگان مان اطاعت و پیروی کردیم و ما را گم راه کردند.

ص: 175

عكس

□

ص: 177

عكس

□

ص: 178

عكس

□

ص: 179

اعتراف علماء اهل سنت و وهابيت به اين كه كلمه مولى به معنای اولويت و سر پرستی (أولى بكم) می باشد.

بزرگان اهل سنت و وهابيت مثل آقای بخاری (متوفى 256 هجرى) در صحيح بخارى (1) و آقای فراء (متوفى 207 هـ) (2) و أبى عبيدة (210 هـ) (3) و طبرى (310 هـ) (4) و ماتريدى (323 هـ) (5) و سمرقندى (375 هـ) (6) و واحدى (468 هـ) (7) و سمعانى (489 هـ) (8) و نيشابورى (553 هـ) (9) و

ص: 186

- 1- الكتاب: صحيح البخارى ص 1233 ، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخارى الجعفى (المتوفى 754 هجرى)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت، عدد الأجزاء: 1
- 2- الكتاب: معانى القرآن ج 3 ص 136 ، المؤلف: أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمى الفراء (المتوفى: 207 هـ) ،المحقق: أحمد يوسف النجاتى / محمد على النجار / عبد الفتاح إسماعيل الشلبى، الناشر: دار المصرية للتأليف و الترجمة - مصر، الطبعة: الأولى
- 3- الكتاب: مجاز القرآن ج 2 ص 254 ، المؤلف: أبو عبيدة معمر بن المثنى التيمى البصرى (المتوفى: 209 هـ-)، المحقق: محمد فؤاد سزگين الناشر: مكتبة الخانجى - القاهرة، الطبعة: 1381 هـ-
- 4- الكتاب: تفسير الطبرى - جامع البيان عن تأويل آى القرآن ج 22 ص 408 ، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملى، أبو جعفر الطبرى (المتوفى: 310 هـ-)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركى، بالتعاون مع مركز البحوث و الدراسات الإسلامية بدار هجر الدكتور عبد السند حسن يمامة، الناشر: دار هجر للطباعة و النشر و التوزيع و الإعلان، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م، عدد الأجزاء: 26 مجلد 24 مجلد و مجلدان فهارس
- 5- الكتاب: تفسير الماتريدى (تأويلات أهل السنة) ج 9 ص 523 ، المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أبو منصور الماتريدى (المتوفى: 333 هـ) المحقق: د. مجدى باسلوم، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، الطبعة: الأولى، 1426 هـ - 2005 م، عدد الأجزاء: 10
- 6- الكتاب: بحر العلوم - تفسير السمرقندى ج 3 ص 326 ، المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندى (المتوفى: 373 هـ) المحقق: الشيخ على محمد معوض - الشيخ عادل احمد عبد الموجود و...، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان
- 7- الكتاب: الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز ص 1068 ، المؤلف: أبو الحسن على بن أحمد بن محمد بن على الواحدى، النيسابورى، الشافعى (المتوفى: 468 هـ) ، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، دار النشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - عدد الأجزاء:
- 8- الكتاب: تفسير القرآن ج 5 ص 371 ، المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزى السمعانى التميمى الحنفى ثم الشافعى (المتوفى: 489 هـ-)، المحقق: ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، الناشر: دار الوطن، الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م
- 9- الكتاب: إيجاز البيان عن معانى القرآن ج 2 ص 804، المؤلف: محمود بن أبى الحسن بن الحسين النيسابورى أبو القاسم، نجم الدين (المتوفى: نحو 553 هـ-)، المحقق: الدكتور حنيف بن حسن القاسمى، الناشر: دار الغرب الإسلامى - بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ

قرطبی (671 هـ) (1) و ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه (774 هـ) (2) و سیوطی (911 هـ) (3) و در تفسیر الوسیط (که جمعی از علماء الأزهر مصر نوشته اند) (4) در مورد کلمه (مولی) در آیه 15 سوره مبارکه حدید می گویند: (مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ، أی: اُولَى بِكُمْ) جایگاه شما آتش است و آن مولای شماست یعنی سر پرست شماست.

بنابر این کلمه (مولی) در آیه شریفه را به معنای اولویّت و سر پرستی می دانند.

حال سؤال این است که چگونه کلمه مولی در آیه شریفه را به معنای اولویّت و سر پرستی قبول دارند اما کلمه مولی در حدیث غدیر که با چندین قرینه متّصله و منفصله هیچ شکی نمی ماند که معنایش اولویّت و سر پرستی و امامت است را قبول نمی کنند؟!!

ص: 187

1- الكتاب: الجامع لأحكام القرآن - تفسير القرطبي ج 20 ص 251، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزر جي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671 هـ-)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي و...، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - لبنان

2- الكتاب: تفسير القرآن العظيم لابن كثير ج 8 ص 52، المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774 هـ-)، المحقق: محمد حسين شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت، الطبعة: الأولى - 1419 هـ-

3- الكتاب: تفسير الجلالين ص 541، المؤلف: جلال الدين محمد بن أحمد المحلي (المتوفى: 864 هـ-) و جلال الدين عبد الرحمن أبي بكر السيوطي (المتوفى: 911 هـ-)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت

4- الكتاب: التفسير الوسيط للقرآن الكريم ج 9 ص 1288، المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، الطبعة: الأولى، (1393 هـ - 1973 م) - (1414 هـ - 1993 م)، عدد المجلدات: 10 مجلدات

عكس

□

ص: 191

عكس

□

ص: 195

عكس

□

ص: 199

عكس

□

ص: 207

عكس

□

ص: 211

(حدیث اولویت و سرپرستی): قال رسول الله: (على أولى الناس بكم بعدى): پیامبر اکرم: علی بن ابی طالب بعد از من سرپرست و امام شما می باشد

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر تمامی مسلمین ولایت و امامت دارند و آن حضرت در تمام امور مسلمین چه امور دینی و چه دنیایی، اولی به تصرف نسبت به آنان می باشند چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم به آن دستور داده است (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ) (احزاب 6) و نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم همین ولایت مطلق و امامت را برای امیر المؤمنین علیه السلام قرار داده اند مانند این روایت صحیح السند در منابع اهل سنت و وهابیت که حضرت می فرمایند: (فَهُوَ أَوْلَىٰ النَّاسِ بِكُمْ بَعْدِي) علی بن ابی طالب بعد از من سرپرست شما می باشد.

همان گونه که در مطالب قبل مشاهده شد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با الفاظ مختلف، امامت امیر المؤمنین علیه السلام را به مردم ابلاغ کرده اند مانند لفظ: خلیفه و مولی و ولی و... که در مباحث قبل با سند صحیح اثبات شد. اما در این جا می خواهیم با لفظ (أولی) {اولویت و سرپرستی} خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام را اثبات کنیم.

در بحث قبل شما محقق گرامی ملاحظه کردید که بزرگان اهل سنت و وهابیت، لفظ مولی در آیات شریفه را به معنای (أولی) {اولویت و سرپرستی} استعمال کرده بودند اما در این جا نشان خواهیم داد که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم با همان لفظ اولویت و سرپرستی، امامت امیر المؤمنین علیه السلام را بیان کرده اند تا حجّت برای همگان بیش از پیش تمام شود.

بزرگان اهل سنت و وهابیت مانند آقای طبرانی (متوفی 360 هجری) با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ 360 - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو الْبَرَّازُ، وَأَحْمَدُ بْنُ زُهَيْرِ الشُّسْتَرِيِّ قَالَا: تَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ بْنِ كِرَامَةَ، ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، ثنا يَوْسُفُ بْنُ صُهَيْبٍ، عَنْ دُكَيْنٍ، عَنْ وَهَبِ بْنِ حَمْزَةَ قَالَ: صَحِبْتُ عَلِيًّا مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَرَأَيْتُ مِنْهُ بَعْضَ مَا أَكْرَهُ فَقُلْتُ: لَيْنُ رَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ لِأَشْكُونَكَ إِلَيْهِ، فَلَمَّا قَدِمْتُ لَقِيتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ: رَأَيْتُ مِنْ عَلِيٍّ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ: «لَا تَقُلْ هَذَا فَهُوَ أَوْلَى النَّاسِ بِكُمْ بَعْدِي.» } (1)

وهب بن حمزه (جمره) صحابی گوید: با علی بن ابی طالب از مدینه تا مکه همراه شدم از ایشان چیزی دیدم که برای من خوشایند نبود! با خود گفتم: وقتی رفتم نزد رسول خدا به پیامبر می گویم! وقتی پیامبر را ملاقات کردم گفتم: من از علی چنین دیده ام!!! پیامبر به من فرمود: در مورد علی بن ابی طالب این گونه سخن مگو زیرا او بعد از من سر پرست و امام شما می باشد و بر همه اولویت دارد.

ص: 215

1- الكتاب: المعجم الكبير ج 22 ص 135 ش 360، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ)، المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: 25

عكس

□

ص: 217

تصحیح روایت توسط آقای هیثمی:

و اما سند روایت متصل و صحیح است و تمامی راویان این روایت ثقه و مورد اعتماد می باشند و بزرگان اهل سنت و وهابیت به این حقیقت اعتراف کرده اند به طور مثال آقای هیثمی پس از نقل روایت در مورد سند روایت گوید:

{رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ، وَ فِيهِ ذِكْرُهُ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ وَلَمْ يَضَعْفُهُ أَحَدٌ، وَ بَقِيَّةُ رِجَالِهِ وَ تُقْوَاهُ} (1)

این روایت را طبرانی نقل کرده است و در آن ذکین است که ابن ابی حاتم او را ذکر کرده و هیچ کسی او را تضعیف نکرده است و بقیه راویان این روایت ثقه می باشند.

و خوب است بدانید که جناب ذکین از صحابه است و نزد اهل سنت و وهابیت، تمامی صحابه عادل می باشند، بنابراین تمامی راویان این روایت دارای مقام وثاقت هستند و روایت متصل و صحیح می باشد.

ص: 218

1- الكتاب: مجمع الزوائد و منبع الفوائد 9 ص 95 ش 14641، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

بنابراین ثابت شد سند روایت صحیح است

اما در این جا به بررسی تک تک راویان این روایت می پردازیم تا وثاقت راویان را با چشمان خود ببینید:

راوی اول: سلیمان بن أحمد الطبرانی:

او از بزرگان عامّه می باشد و افراد بسیاری او را توثیق و مدح کرده اند از جمله آقای ذهبی (از بزرگان علم رجال اهل سنت و وهابیت) در مورد ایشان گوید:

{ 86 - الطَّبْرَانِي :

هُوَ: الإِمَامُ، الحَافِظُ، الثَّقَةُ، الرَّحَالُ، الجَوَالُ، مُحَدِّثُ الإِسْلَامِ، عِلْمُ المَعْمَرِينَ، أَبُو القَاسِمِ سَلِيمَانَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَيُوبَ بْنِ مُطَيْرِ اللّٰخِمِيِّ، السَّامِيِّ، الطَّبْرَانِيِّ، صَاحِبُ المَعَاجِمِ الثَّلَاثَةِ. { (1)

او امام و حافظ و ثقه و مورد اعتماد و... است.

ص: 221

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 16 ص 119 ش 86، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ- / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

عكس

□

ص: 223

راوی دوم: أَحْمَدُ بْنُ زُهَيْرِ التُّسْتَرِيِّ:

افراد بسیاری او را توثیق و مدح کرده اند از جمله آقای ذهبی در مورد ایشان گوید:

{ 213 - التُّسْتَرِيُّ:

الإمام، الحجة، المحدث، البارع، علم الحفظ، شيخ الإسلام، أبو جعفر أحمد بن يحيى بن زهير التُّسْتَرِيُّ، الزاهد. { (1)

او امام و حجّت و محدث و بارع و از برترین حافظان حدیث و شیخ الاسلام و زاهد می باشد.

ص: 224

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 14 ص 362 ش 213، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

راوی سوم: مُحَمَّدُ بْنُ عُمَانَ بْنِ كِرَامَةَ:

اوراوی صحیح بخاری و سنن ابو داود و ترمذی و ابن ماجه می باشد. و افراد بسیاری اورا توثیق و مدح کرده اند از جمله آقای ذهبی در مورد ایشان گوید:

{ 108 - ابنُ کِرَامَةَ:

الإمامُ المُحدِّثُ، الثَّقَّةُ، أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَانَ بْنِ كِرَامَةَ. } (1)

او امام و محدث و ثقہ و مورد اعتماد است.

ص: 227

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 12 ص 296 ش 108 ، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ- / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

راوی چهارم: عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى:

او راوی صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن أبو داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد. و افراد بسیاری او را توثیق و مدح کرده اند از جمله آقای ابن حجر عسقلانی (از بزرگان علم رجال اهل سنت و وهابیت) به وثاقت او اشاره می کند و می گوید: او ثقه و مورد اعتماد است. (1)

راوی پنجم: یوسفُ بْنُ صُهَيْبٍ:

او راوی سنن نسائی و سنن ابو داود و سنن ترمذی می باشد. و افراد بسیاری او را توثیق و مدح کرده اند از جمله آقای ابن حجر عسقلانی به وثاقت او اشاره می کند و می گوید: او ثقه و مورد اعتماد است. (2)

راوی ششم: دُکَيْنُ بْنُ سَعْدٍ (سعید):

او راوی سنن ابو داود و از صحابه می باشد. افرادی از جمله آقای ابن حجر عسقلانی به صحابی بودن او تصریح می کنند. و همان گونه که بیان شد اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه را عادل می دانند و نیازی به توثیق ندارد. (3)

ص: 230

-
- 1- الكتاب: تقریب التهذیب ص 645 ش 4376، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: ابو الأشبال صغیر احمد شاغف الباکستاني، الناشر: دار العاصمة، سنة النشر: 1412، عدد الأجزاء: 1
 - 2- همان: ص 1094 ش 7924
 - 3- همان: ص 310 ش 1837

راوی هفتم: وَهَبُ بْنُ حَمْرَةَ (جمرة):

او نیز از صحابه می باشد و افرادی از جمله آقای ابو نعیم الأصبهانی (متوفی: 430 هـ-) در کتابش (معرفة الصحابة) او را از صحابه می شمارد. و همان گونه که بیان شد اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه را عادل می دانند و نیاز به توثیق ندارند. و ابو نعیم همین روایتِ اولویّت و سر پرستی امیر المؤمنین علیه السلام را از او نقل می کند. (1)

ص: 235

1- الكتاب: معرفة الصحابة ج 5 ص 2723 ش 6501، المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی (المتوفی: 430 هـ-)، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى 1419 هـ - 1998 م، عدد الأجزاء: عدد الأجزاء: 7 (6 أجزاء و مجلد فهارس)

عكس

□

ص: 237

علی بن ابی طالب علیه السلام نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: (آیه مباحله سند افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام)

یکی از برترین فضایل امیر المؤمنین علیه السلام که هیچ یک از انبیاء و صحابه و... آن را دارا نیست این است که طبق آیه شریفه مباحله، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و وقتی نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم افضل مخلوقات است، نفس ایشان هم افضل مخلوقات می باشد و بسیار روشن است که تا وقتی نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور دارد خلافت از آن ایشان است زیرا نمی شود نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنده باشد و شخص دیگری جای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بگیرد بنابراین هر کسی بر ایشان مقدم شود خلافت را غصب کرده است.

زمانی که قرار شد بین نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نصاری نجران مباحله انجام شود خداوند وحی کرد:

(قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (آل عمران 61)

به آنان بگو: ما فرزندان خود را می آوریم و شما هم فرزندان خودتان را و ما زنان خود را می آوریم و شما هم زنان خود را، و ما نفس و جان خودمان را می آوریم و شما هم نفس و جان های خودتان را بیاورید سپس مباحله کنیم و لعنت خداوند را بر دروغ گویان قرار دهیم.

طبق روایات صحیح السند اهل سنت و وهابیت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از فرزندان: امام حسن علیه السلام و امام حسین صلی الله علیه و آله و سلم و از زنان: فقط حضرت صدیقه طاهرة علیها السلام و امام علی علیه السلام را به عنوان نفس خویش برای مباحله به همراه خود بردند که نصاری نجران با دیدن چهره های پر نور اهل بیت علیهم السلام با خود گفتند: اگر ایشان دست به سوی آسمان بلند کنند و ما را نفرین کنند قطعاً از نسل ما اثری باقی نخواهد ماند و از مباحله صرف نظر کردند.

به طور مثال در روایت صحیح مسلم (صحیح ترین کتاب اهل سنت و وهابیت) آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نازل شدن آیه مباحله، امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را به همراه خود بردند و فرمودند: اینان اهل بیت من هستند.

{ 32 - (2404) حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادٍ - وَ تَقَارَبَا فِي اللَّفْظِ - قَالَا: حَدَّثَنَا حَاتِمٌ وَ هُوَ ابْنُ إِسْمَاعِيلَ - عَنْ بُكَيْرِ بْنِ مِسْمَارٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سَفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التَّرَابِ؟ فَقَالَ: أَمَا مَا دَكَرْتُ ثَلَاثًا قَالَهُنَّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فَلَنْ أُسَبَّهُ، لِأَنَّ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ لَهُ، خَلْفَهُ فِي بَعْضِ مَغَازِيهِ، فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ خَلَقْتَنِي مَعَ النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؟ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبُوَّةَ بَعْدِي» وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ «لَأَعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، وَ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»

قَالَ فَتَطَاوَلْنَا لَهَا فَقَالَ: «ادْعُوا لِي عَلِيًّا» فَأْتِيَ بِهِ مِنْ أَرْمَدَ، فَبَصَقَ فِي عَيْنِهِ وَ دَفَعَ الرَّايَةَ إِلَيْهِ، فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ) [آل عمران: 61] دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَقَالَ: «اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِي». { (1)

معاویه به سعد امر کرد (که به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فحش دهد) (2) و گفت: چه چیز تو را مانع شده است که به ابو تراب فحش نمی دهی؟! سعد گفت: یادم می آید از سه فضیلت که پیامبر برای علی بن ابی طالب گفته است به همین خاطر هرگز او را فحش نمی دهم و اگر یکی از آن فضائل برای من بود از شتران سرخ مو برایم بیش تر ارزش داشت: (3)

فضیلت اول:

شنیدم در روزی که پیامبر به جنگ می رفت، علی بن ابی طالب را جانشین خود قرار داد، علی گفت: ای رسول خدا مرا جانشین خود در بین زنان و فرزندان قرار می دهی؟ حضرت فرمود: آیا دوست نداری که نزد من مانند هارون باشی برای موسی؟ الا این که بعد از من

ص: 239

1- الكتاب: صحیح مسلم ج 4 ص 1871 ح 32-2404، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261 هـ -)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، عدد الأجزاء: 5

2- سؤال این است که به نظر علماء اهل سنت و وهابیت، کسی که به صحابه فحش دهد حکمش چیست؟ حال اگر معاویه به نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام فحش دهد و دستور دهد تا دیگران فحش دهند چرا اشکالی ندارد؟! اما اگر شخص دیگری به صحابه فحش دهد کافر می شود؟! - ان شاء الله در کتاب نقد عدالت تمامی صحابه به طور مفصل در این باره سخن خواهیم گفت و اعتراف ابن تیمیه در مورد دستور معاویه به سعد برای فحش دادن به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را خواهیم آورد.

3- عرب وقتی می خواسته به چیز بسیار ارزشمندی مثال بزند، از شتران سرخ مو که بسیار برای ایشان ارزش مند بوده است استفاده می کرده است.

نبوت تمام می شود (بنابراین امام علی علیه السلام تمامی فضایل هارون را دارا هستند مگر مقام نبوت هارون را، زیرا نبوت بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تمام می شود)

فضیلت دوم:

در روز خیبر (که ابو بکر و عمر شکست خوردند و از جنگ فرار کردند) (1) شنیدم که پیامبر فرمود: فردا پرچم را بدست کسی می دهم که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند، و هر کدام از ما صحابه دوست داشتیم که این فضیلت برای ما باشد تا این که پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب را بگویید بیاید، گفتند: او چشم درد است، حضرت آب دهان بر چشم علی بن ابی طالب زد و سلامتی را بازیافت و پرچم را به او داد و علی بن ابی طالب پیروز برگشت.

فضیلت سوم:

و در روزی که آیه مباهله نازل شد نبی مکرم، علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و فرمود: اینان اهل بیت من هستند.

ص: 240

1- در کتب اهل سنت و وهابیت جریان شکست و فرار ابو بکر و عمر در جنگ خیبر و... و هم چنین پیروزی امیر المؤمنین علیه السلام و شکست کفار توسط حضرت علیه السلام با سند صحیح موجود است.

عكس

□

ص: 241

بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جریان مباحله، امام علی علیه السلام را به عنوان نفس و جان خویش معرفی کرده اند و این یکی از بزرگ ترین فضایل مولی الموحّدين علیه السلام می باشد.

و آقای ملا علی القاری (که از فقهاء بزرگ حنفی است) در شرحش بر روایت صحیح مسلم گوید:

{ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلِيًّا : فَنَزَلَتْ مَنزِلَةً نَفْسِهِ لِمَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْقَرَابَةِ وَالْأُخُوَّةِ } (1)

این که پیامبر اکرم برای مباحله، علی بن ابی طالب را فرا خوانده است یعنی: علی بن ابی طالب نفس و جان پیامبر است زیرا او برادر و از نزدیک ترین افراد به پیامبر است.

ص: 243

1- الكتاب: مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح ج 11 ص 286 ش 6135، المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: 1014 هـ-)، الناشر: دار الكتب العلميّة، بيروت - لبنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام از یک نور خلق شده اند: (حدیث نور سند افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی مخلوقات)

یکی دیگر از فضائل بی نظیر امیر المؤمنین علیه السلام که هیچ کدام از پیامبران و صحابه آن را دارا نبوده اند این است که امیر المؤمنین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چهار هزار سال پیش از آن که حضرت آدم علیه السلام خلق شود یک نور بوده اند و پس از خلقت حضرت آدم علیه السلام، آن نور به دو بخش تقسیم شده است یکی نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگری امیر المؤمنین علیه السلام.

حدیث نور مانند آیه مباحله ثابت می کند که امیر المؤمنین علیه السلام نفس و جان و نور نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد بنابراین بسیار روشن است که پس از شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، (1) افضل صحابه و جانشین رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، نفس و جان و نور ایشان می باشد زیرا نمی شود جان و نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور داشته باشد اما شخص دیگری بر نفس ایشان مقدم شود، بنابراین هر شخصی بر نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقدم شود و خلافت را بر عهده بگیرد طبق قاعده ی عقلی (قبح تقدیم مفضول بر فاضل) خلافت را غضب کرده است زیرا در جایگاهی قرار گرفته است که از آن ایشان نیست.

این فضیلت بی نظیر در منابع اهل سنت و وهابیت با سند متصل و صحیح آمده است.

به عنوان مثال عالم بزرگ اهل سنت علامه سبط ابن الجوزی (متوفی 654 هجری) در کتاب معروفش (تذکره الخواص) با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{قال احمد فی الفضائل: حدثنا عبد الرزاق عن معمر عن الزهري عن خالد بن معدان عن زاذان عن سلمان قال: قال رسول الله كنت انا و علی بن ابی طالب نورا بین یدی الله تعالی قبل أن یخلق آدم باربعة آلاف عام فلما خلق آدم قسم ذلك النور جزئین فجاء أنا و جزء علی، و فی روایة خلقت أنا و علی من نور واحد} (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار هزار سال پیش از آن که آدم آفریده شود، من و علی بن ابی طالب یک نور بودیم در پیشگاه خداوند، هنگامی که آدم آفریده شد آن نور به دو بخش تقسیم شد، بخشی من و بخشی علی بن ابی طالب شد. و در روایت دیگر آمده که من و علی از یک نور آفریده شدیم.

ص: 246

1- طبق روایات صحیح السند و اسناد موجود در منابع شیعه و اهل سنت، نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده اند.

2- کتاب: تذکره الخواص ص 46، المؤلف: یوسف بن فرغلی بن عبد الله البغدادي الحنفی سبط بن الجوزی (المتوفی: 654 هـ-)

بسیار جالب است که علامه سبط ابن الجوزی بعد از این که این روایت را می آورد به دفاع از سند روایت می پردازد و می گوید:

اگر گفته شود این حدیث را تضعیف کرده اند!!! جواب این است که آن حدیثی که تضعیف کرده اند به غیر از این حدیث است اما آن روایتی که پیامبر می فرماید: من و هارون بن عمران و یحیی بن زکریا و علی بن ابی طالب از یک طینت خلق شده ایم، و در روایت دیگر که می فرماید: من و علی یک نور بودیم در سمت راست عرش دو هزار سال قبل از این که آدم خلق شود سپس در صلب رجال منتقل شدیم تا عبد المطلب، اما در مورد سند های این روایات گفته اند در آن محمد بن خلف المروری می باشد و هم چنین جعفر بن احمد بن بیان که شیعه است. اما حدیثی که ما روایت کردیم (حدیث نور) تمامی روایانش ثقه و مورد اعتماد می باشند. اگر کسی بگوید عبد الرزاق شیعه است در جواب می گوئیم: او از بزرگ ترین اساتید احمد بن حنبل (رئیس حنبلی مذهب ها) است و احمد بن حنبل از بغداد به صنعاء رفت تا از او روایت بشنود و می گفت: مثل عبد الرزاق ندیده ام و اگر در او بدعتی احمد بن حنبل از او روایت نقل نمی کرد و در صنعاء بود تا عبد الرزاق از دنیا رفت و احمد بن حنبل از او روایت می کند و معظم احادیثی که در مسند احمد است از عبد الرزاق می باشد و صحاح از او روایت نقل کرده اند.

بنابراین سند روایت صحیح است و عبد الرزاق از بزرگان اهل سنت می باشد و او استاد بخاری و احمد و... است و راوی صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی و ابن ماجه و ترمذی و ابی داود می باشد و اشکال بر او اشکال به صحاح سته است. و نکته دیگر این که طبق اعتراف آقای ذهبی، عبد الرزاق اصلاً شیعه نبوده است و تنها اشکالش این بود که علی بن ابی طالب را دوست داشت و هر کسی که با او جنگیده بود را دوست نداشت!!! به همین خاطر او را شیعه نامیده اند وگر نه او ابو بکر و عمر را افضل از امیر المؤمنین علیه السلام می دانست! و از بزرگان اهل سنت بوده است. (1)

ص: 247

1- الذهبي: قلت: وثقه غير واحد، و حديثه مخرج في الصحاح وله ما ينفرد به، و تقموا عليه التشيع، و ما كان يغلو فيه بل كان يحب عليا رضی الله عنه و يبغض من قاتله، و قد قال سلمة بن شبيب: سمعت عبد الرزاق يقول: و الله ما انشرح صدري قط أن أفضل عليا علي أبي بكر و عمر. و كان رحمه الله من أوعية العلم.، الكتاب: تذكرة الحفاظ ج 1 ص 266 و 267، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1419 هـ، 1998 م، عدد الأجزاء: 4

عكس

□

ص: 249

عكس

□

ص: 250

اشاره

همان گونه که علامه سبط بن الجوزی به صحت روایت اعتراف کرد سند روایت از قوی ترین اسناد است و تمامی راویان این روایت از بزرگان اهل سنت و تک تک آنان از راویان تمامی صحاح سته می باشند و بزرگان رجال عامه بسیار ایشان را ستوده و توثیق کرده اند.

برای نمونه یک مورد از توثیقات هر کدام را خدمت شما محقق گرامی تقدیم می کنیم:

راوی اول: احمد بن محمد بن حنبل:

او رئیس مذهب حنابله می باشد و راوی تمامی صحاح سته است و افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای ابن حجر عسقلانی در مورد او گوید:

{أحد الأئمة ثقة حافظ فقیة حجة} (1)

او یکی از ائمه و مورد اعتماد و حافظ و فقیه و حجت است.

ص: 251

1- الكتاب: تقریب التهذیب ص 98 ش 97، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: 852 هـ-)، المحقق: أبو الأشبال صغیر احمد شاغف الباکستانی، الناشر: دار العاصمة للنشر و التوزیع -الریاض

عكس

□

ص: 252

راوی دوم: عبد الرزاق بن همام بن نافع:

اوراوی تمامی صحاح سته است و کم ترین اشکال بر او، ایراد بر صحیح بخاری و مسلم و... است و افراد کثیری او را توثیق کرده اند از جمله آقای خیر الدین زُرکلی گوید:

{من حفاظ الحديث الثقات... قال الذهبي: وهو خزنة علم} (1)

او از حافظان حدیث و ثقہ و مورد اعتماد است و ذہبی گوید: او خزانه علم می باشد.

ص: 254

1- الكتاب: الأعلام ج 3 ص 353، المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: 1396 هـ -)، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م

عكس

□

ص: 256

او نیز راوی تمامی صحاح سته می باشد و کوچک ترین اشکال به آن، اشکال به صحیح بخاری و مسلم و ... می باشد و افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی می گوید:

{الإمام، الحافظ، شيخ الإسلام} (1)

او امام و حافظ و شیخ الاسلام است.

ص: 257

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 7 ص 5 ش 1، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

عكس

□

ص: 258

عكس

□

ص: 259

راوی چهارم: محمد بن مسلم الزهري:

او نیز راوی تمامی صحاح سته می باشد و کوچک ترین اشکال به آن، اشکال به صحیح بخاری و مسلم و ... می باشد و افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی می گوید:

{الإمام، العَلَمُ، حَافِظُ زَمَانِهِ} (1)

او امام و علم و برترین حافظ حدیث در زمان زندگی می باشد.

ص: 260

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 5 ص 326 ش 160 ، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ- / 1985 م ، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

او نیز راوی تمامی صحاح سته می باشد و کوچک ترین اشکال به آن، اشکال به صحیح بخاری و مسلم و ... می باشد و افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای عجلی می گوید:

{شامی، تابعی، ثقة} (1)

ص: 263

1- الكتاب: تاريخ الثقات ص 142 ش 370، المؤلف: أبو الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلی الكوفی (المتوفى: 261 هـ-)، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان

عكس

□

ص: 265

اوراوی بخاری در ادب المفرد و صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و نسائی می باشد. و افراد زیادی اورا توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی اورا توثیق می کند. (1)

ص: 266

1- الكتاب: الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة ص 400 ش 1603، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطيب، الناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسة علوم القرآن، جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م

عكس

□

ص: 267

عكس

□

ص: 268

جناب سلمان فارسی است که از صحابه می باشد و اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه را عادل می دانند. بنابراین سند روایت متصل و صحیح می باشد.

ص: 269

ولادت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کعبه

یکی از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام که هیچ کدام از انبیاء آن را دارا نیست تا چه رسید به خلفای اهل سنت و وهابیت (ابو بکر و عمر و عثمان) این است که نفس و جان نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بهترین مکان زمین یعنی درون کعبه بدنیا آمده است.

بزرگان اهل سنت و وهابیت به این مطلب اعتراف کرده اند و آن قدر روایات در این زمینه زیاد بوده است که حاکم نیشابوری (عالم بزرگ اهل سنت) اعتراف می کند که این روایات متواتر می باشد.

آقای حاکم نیشابوری (متوفی 405 هجری) در کتاب المستدرک علی الصحیحین گوید:

{فَقَدْ تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وَوَلَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ} (1)

به تحقیق روایات متواتر وجود دارد که فاطمه بنت اسد در کعبه، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به دنیا آورد.

بسیار جالب است که وهابیت با این که از این فضیلت مطلع هستند اما باز بر روی منابع فریاد می زنند که هیچ یک از صحابه برتر از ابو بکر نیست!!! اما این سخنان جز آبروریزی بیش تر و رسوا شدن چیز دیگری نیست.

ص: 270

1- کتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 550، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ-) تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4

عكس

□

ص: 271

و آقاي مسعودی (متوفی 346 هجری) مورخ و ادیب مشهور اهل سنت می گوید:

{و كان مولوده في الكعبة} (1)

ولادت علی بن ابی طالب در کعبه بوده است.

ص: 273

1- الكتاب: مروج الذهب و معادن الجواهر ج 2 ص 273، المؤلف: ابی الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی (المتوفی: 346 هـ-
)، الناشر: المكتبة العصرية - بیروت، الطبعة: الأولى، 1425 هـ-

عكس

□

ص: 276

و آقای ابن صباغ مالکی (متوفی 855 هجری) که در زمان خودش از بزرگان مالکی مذهب ها بود این گونه اعتراف می کند:

علی بن ابی طالب در مکه مشرفه در داخل بیت الحرام در روز جمعه سیزدهم رجب سال سی ام عام الفیل متولد شد و پیش از او هیچ کسی در کعبه متولد نشده است و این فضیلتی است که خداوند به جهت بزرگ داشت مقام او و اظهار جلال او مخصوص حضرتش گردانیده است. (1)

ص: 277

1- الكتاب: الفصول المهمة ص 29، المؤلف علی بن محمد بن احمد المالکی المکی ابن الصباغ (المتوفی: 855 هـ) الناشر: دار الأضواء - بیروت

عكس

□

ص: 278

عكس

□

ص: 279

و آقای گنجی شافعی (متوفی 658 هجری) در مورد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام این گونه اعتراف می کند:

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در شب جمعه سیزدهم رجب، سی ام عام الفیل در شهر مکه در بیت الله بدنیا آمد و هیچ کسی پیش از آن و بعد از آن در کعبه بدنیا نیامده است و این فضیلت بخاطر این است که خداوند می خواهد او را اکرام و از مقام بلند او تجلیل کند. (1)

ص: 280

1- الكتاب: كفاية الطالب ص 407، المؤلف: ابو عبد الله محمد بن يوسف بن محمد القرشي الكنجي الشافعي (المتوفى: 658 هـ-)

و آقای شاه ولی الله دهلوی (متوفی 1176 هجری) که از علماء بزرگ هند است در مورد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام گوید:

از مناقب وی، رضی الله عنه که در حین ولادت او ظاهر شد یکی آن است که در جوف کعبه معظمه تولد یافت. [\(1\)](#)

سخنان و اعترافات علماء اهل سنت و وهابیت در مورد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام در کعبه بسیار زیاد است لذا جهت نمونه سخن چند نفر از آنان خدمت شما محقق گرامی تقدیم شد.

ص: 283

1- الكتاب: إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء (ترجمه فارسی) ج 4 ص 262، المؤلف: ولی الله دهلوی (المتوفی: 1176 هـ-)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیان عصمت و افضلیت امام علی علیه السلام: قال رسول الله: (عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ)

یکی دیگر از روایات که با سند صحیح در منابع اهل سنت و وهابیت آمده است و به افضلیت و عصمت و امامت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دلالت دارد روایتی است که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

(عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ)

علی با قرآن است و قرآن با علی است و هرگز علی بن ابی طالب و قرآن از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت) تا روز قیامت در کنار حوض کوثر با من ملاقات کنند.

این فضیلت بی نظیر مخصوص مولایم حضرت مولی الموحّدين علیه السلام است که دارای مقام عصمت می باشد و قرآن ملازم و همراه ایشان می باشد.

یکی از اصلی ترین وظایف خلیفه و جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حفظ و حراست از عقاید و احکام و بیان اسلام است و هیچ کسی نمی تواند به این مهم دست پیدا کند مگر دارای مقام والای عصمت باشد و به همین خاطر خداوند متعال برای اِکمال دین و ادامه پیدا کردن اسلام بعد از نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جانشینان معصوم قرار داد تا دین الهی بدون کم و کاست و بدعت و بیچارگی تا روز قیامت برقرار باشد و خداوند بعد از مراسم جانشینی امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم، راضی شد که اسلام دین الهی باشد. بنابراین خداوند کارش را بدون نقص و کاستی انجام داده است اما بشر را مختار آفریده است تا هر کسی به اختیار خود سعادت و شقاوتش را رقم بزند.

حال سؤال این است آیا شخصی که دارای مقام عصمت و مصون از هر گونه خطا و بدعت است و تا روز قیامت با قرآن و قرآن با اوست، بهتر است جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد یا افرادی که طبق روایات صحیح السنه اهل سنت و وهابیت، خداوند را دارای جسم و سنگین وزن و نیازمند به نشستن بر روی عرش و... می دانند؟! و احکام فردی خود را مثل تیمم و... یاد نداشته اند؟! و یا به صراحت احکام الهی را تعطیل می کردند (بدعت) و حلال الهی را حرام می کردند و با شجاعت می گفتند: خدا و رسول به فلان کار دستور داده و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه انجام می داده اند اما من آن را حرام اعلام می کنم و هر کسی از این به بعد (این حکم الهی را) انجام دهد مجازات می کنم؟! و این حقایق در کتب اهل سنت و وهابیت با سند صحیح در مورد خلفاء ایشان موجود است.

روایت مورد نظر در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح آمده است به طور نمونه به این روایت توجه کنید:

{4628- أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَفِيدُ، نَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ، ثنا عَمْرُو بْنُ طَلْحَةَ الْقِنَادُ، الثَّقَةُ الْمَأْمُونُ، ثنا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ التَّمِيمِيُّ، عَنْ أَبِي ثَابِتٍ، مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْجَمَلِ، فَلَمَّا رَأَيْتُ عَائِشَةَ وَاقِفَةً دَخَلَنِي بَعْضُ مَا يَدْخُلُ النَّاسَ، فَكَشَفَ اللَّهُ عَنِّي ذَلِكَ عِنْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ، فَقَاتَلْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَمَّا فَرَغَ ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَأَتَيْتُ أُمَّ سَلَمَةَ فَقُلْتُ: إِنِّي وَاللَّهِ مَا جِئْتُ أَسْأَلُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَ لَكِنِّي مَوْلَى لِأَبِي ذَرٍّ، فَقَالَتْ: مَرَحَبًا فَقَصَّصْتُ عَلَيْهَا قِصَّةَ نَبِيِّ، فَقَالَتْ: أَيْنَ كُنْتَ حِينَ طَارَتِ الْقُلُوبُ مَطَائِرُهَا؟ قُلْتُ: إِلَى حَيْثُ كَشَفَ اللَّهُ ذَلِكَ عَنِّي عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: أَحْسَنَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ» (1)

مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (1)

غلام ابوذری گوید: من در روز جنگ جمل (روزی که عایشه و طلحه و زبیر در مقابل نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی چهارمین خلیفه اهل سنت و وهابیت قیام کردند!!!) در سپاه علی بن ابی طالب بودم و زمانی که عایشه را در مقابل خود دیدم مثل بعضی از مردم به شک و تردید افتادم و خداوند در هنگام نماز ظهر این شک و تردید را از من بر طرف کرد و به همراه علی بن ابی طالب با آنان جنگیدم. وقتی که جنگ تمام شد به مدینه و به منزل بی بی ام سلمه (همسر مطیع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم و گفتم: به خدا قسم برای طلب آب و غذا این جا نیامده ام بلکه من غلام ابوذری هستم. ام سلمه فرمود: خوش آمدی، سپس من حضورم در جنگ جمل در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام را برای او گفتم. ام سلمه فرمود: زمانی که قلوب به شک افتاد تو کجا بودی؟ گفتم: خداوند هنگام زوال خورشید، شک را از من بر طرف کرد و با اصحاب جمل جنگیدم. بی بی ام سلمه فرمود: احسنت به تو، از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

(عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ)

علی با قرآن است و قرآن با علی است و هرگز علی بن ابی طالب و قرآن از یک دیگر جدا نمی شوند (عصمت) تا روز قیامت در کنار حوض کوثر با من ملاقات کنند.

ص: 287

1- الكتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 134 ش 4628، المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405 هـ-)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4

تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی:

آقای حاکم نیشابوری بعد از متن روایت در مورد سند روایت گوید:

(هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَأَبُو سَعِيدٍ التَّمِيمِيُّ هُوَ عَقِيصَاءُ ثِقَةٌ مَأْمُونٌ)

سند روایت صحیح است و ابو سعید التیمی که عقیصاء است ثقه و مورد اعتماد است.

و آقای ذهبی که در مورد روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام بسیار سر سخنانه عمل می کند و با کوچک ترین مشکل سند را تضعیف می کند در ذیل روایت گوید:

{[التعليق- من تلخیص الذهبی] 4628- صحیح. و ابو سعید عقیصاء ثقهٌ مَأْمُونٌ}

این روایت صحیح است. و ابو سعید ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 288

این روایت شریف علاوه بر عصمت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام حقایق دیگری را روشن می کند و آن این که اصحاب جمل (عایشه و طلحه و زبیر و...) که بر علیه خلیفه مسلمین قیام کرده و خون بسیاری از شیعیان و پیروان امیر المؤمنین علیه السلام را بر زمین ریخته اند در گم راهی بوده اند و با رسول خدا به مخالفت برخاسته اند و حضرت ام سلمه هم مخالف آنان بوده است.

اما پیروان اصحاب جمل برای فرار از این حقیقت می گویند: اصحاب جمل اجتهاد کرده اند و در این اجتهاد به خطا رفته اند!!!

در پاسخ می گوئیم اجتهاد در زمانی است که نصّ صریح وجود نداشته باشد اما روایات زیادی در کتب اهل سنت و وهابیت وجود دارد مثل صحیح ترین کتاب آنان یعنی صحیح بخاری که هر کس بر علیه حاکم و خلیفه مسلمین قیام کند با مرگ جاهلیت (کافر) از دنیا می رود (1) و روایات متواتری در مورد اطاعت و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام وجود دارد مثل حدیث متواتر خلیفتین و ثقلین و... که این نصوص هیچ راهی برای اجتهاد باقی نمی گذارد و اجتهاد در مقابل نصّ جایز نمی باشد.

ص: 291

1- (7053 - حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ، عَنِ الْجَعْدِ، عَنْ أَبِي رَجَاءٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شَبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (پیامبر فرمود: هر کس از امیرش چیزی دید که خوشش نیامد باید صبر کند (حق قیام ندارد) زیرا هر کس بر علیه او خروج کند به مرگ جاهلیت از دنیا می رود. (7054 - حَدَّثَنَا أَبُو الثُّعْمَانِ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنِ الْجَعْدِ أَبِي عَثْمَانَ، حَدَّثَنِي أَبُو رَجَاءٍ الْعُطَارِدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَمَاتَ، إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (پیامبر فرمودند: هر کس از امیرش چیزی دید که خوشش نیامد باید صبر کند زیرا هر کس به اندازه یک و جب از مسلمین فاصله بگیرد با مرگ جاهلیت از دنیا می رود. الكتاب: صحیح البخاری ص 1748 ح 7053 - 7054، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (المتوفى: 256 هـ) الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت

عكس

□

ص: 292

ابلاغ سوره براءت توسط امير المؤمنين عليه السلام و اثبات افضليّت: و برتری و امامت امير المؤمنين عليه السلام بر ابو بكر

يكي ديگر از روايات صحيح السند اهل سنت و وهابيت كه به روشني دلالت بر افضليّت و امامت امير المؤمنين عليه السلام بر ابو بكر دارد، روايت ابلاغ سوره براءت توسط مولى الموحدين على بن ابي طالب عليه السلام مى باشد.

آقاىان احمد بن حنبل (امام حنابله) و هيثمى و ترمذى و ألبانى وهابى و... روايت کرده اند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم ابو بكر را براى خواندن سوره براءت بر كفار و مشركين به مكه فرستاد اما وقتى مقدار زمانى گذشت جبرئيل نازل شد و به پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم دستور داد كه اى رسول خدا اين سوره را يا خودت يا شخصى كه از خودت مى باشد بايد براى مشركين بخواند.

در اين هنگام رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم به امام على عليه السلام دستور داد كه خودت را به ابو بكر برسان و آيات را از او بگير و خودت اين مأموريت را انجام بده. ابو بكر از اين جريان به شدت ناراحت شده بود و دليل آن را از پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم پرسيد و آن حضرت فرمود: خداوند دستور داد كه اين مأموريت را يا خودت انجام بده يا شخصى كه از خودت مى باشد (أمرتُ أن لا يُبلِّغهُ إلا أنا أو رجُلٌ مِنّي).

و اين لفظ (أورجل مني) اشاره به همان آيه مباحله و حديث نور است كه حضرت امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام نفس پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم مى باشد و يكي از وظايف رسالت ابلاغ آيات قرآن است و هر زمان نبى مكرم صلى الله عليه و آله و سلم اين كار را انجام ندهد بايد نفس ايشان انجام دهد نه شخص ديگر.

اين روايت به روشني دلالت بر افضليّت و برتری امير المؤمنين عليه السلام بر ابو بكر دارد و نشان مى دهد كه ابو بكر حق ندارد حتى براى خواندن چند آيه از قرآن كريم براى كفار و مشركين، جانشين پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم شود تا چه رسد به خلافت بعد از نبى مكرم صلى الله عليه و آله و سلم .

و تمامى صاحبان خرد و اندیشه مى دانند كه طبق قاعده ي قُبْح تقديم مفضول بر فاضل، با وجود اين روايات صحيح السند، ابو بكر نمى تواند بر امير المومنين عليه السلام مقدم شود و خلافت را بدست گيرد، بنا بر اين خليفه رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم كسى نيست مگر امام المتقين على بن ابي طالب عليه السلام كه افضل بر ابو بكر و تمامى صحابه مى باشد.

تصحیح روایت توسط احمد محمد شاکر:

شارح مسند احمد یعنی آقای احمد محمد شاکر (از شارحین بنام اهل سنت و وهابیت) در ذیل این روایت گوید:

{(4) - إسنادہ صحیح، زید بن یثیع، بضم الیاء التحتیة وفتح الثاء المثلثة وبعدها تحتیة ساکنة ثم عین مهملة: تابعی ثقة، و یقال فی اسم آیه " ائیع " أيضاً، بقلب الیاء الأولى همزة. } (1)

سند روایت صحیح است و زید بن یثیع از تابعین و ثقة و مورد اعتماد می باشد.

ص: 295

1- الكتاب: مسند الإمام أحمد الإمام أحمد بن حنبل ج 1 ص 168 ش 4، المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241 هـ-)، المحقق: أحمد محمد شاکر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1416 هـ - 1995 م، عدد الأجزاء: 8 (القسم الذي حققه أحمد شاکر)

عكس

□

ص: 297

تصحیح روایت توسط هیشمی:

و آقای هیشمی (متوفی 807 هـ-) که از بزرگان اهل سنت می باشد پس از نقل این روایت در مورد سند روایت گوید: {قُلْتُ: فِي الصَّحِيحِ بَعْضُهُ. رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَرَجَالُهُ ثِقَاتٌ.} (1)

مقداری از این روایت در صحیح بخاری آمده است! و این روایت را احمد بن حنبل در کتاب مسند آورده و تمامی راویان آن ثقه و مورد اعتماد هستند.

ص: 298

1- الكتاب: مجمع الزوائد و منبع الفوائد ج 3 ص 402 ش 5464، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

عكس

□

ص: 299

عكس

□

ص: 300

تصحیح روایت توسط البانی:

و آقای البانی وهابی {که روایات صحیح السند در کتاب سنن ترمذی را در کتابی به عنوان (صحیح سنن الترمذی) جمع آوری کرده است} در مورد سند این روایت که در سنن ترمذی آمده است گوید: (حسنُ الإسناد) (1)

سند این روایت حسن است. (الحسن كالصحيح في الاحتجاج)

ص: 301

1- الكتاب: صحيح سنن الترمذی ج 3 ص 245 ش 3090 ، المؤلف: محمد ناصر الدين الألبانی (المتوفى: 1420 هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع - الرياض

امیر المؤمنین علیه السلام و بیانِ افضلیت و اعلیّت و امامت خود در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : (حدیث اُخوّت و حدیث ولایت و حدیث وارث)

روایات دیگری در منابع اهل سنت و وهابیت با سند صحیح وجود دارد که امیر المؤمنین علیه السلام به صراحت امامت و اعلیّت و افضلیت خود را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای همگان بیان کرده اند به طور مثال آقای حاکم نیشابوری و طبرانی و هیشمی و.... این گونه روایت کرده اند:

{عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (أَفْإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ) [آل عمران: 144] وَاللَّهُ لَا يَنْقَلِبُ عَلَيَّ أَعْقَابًا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ، وَاللَّهُ لَئِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ لَا قَاتِلَ عَلَيَّ مَا قَاتَلَ عَلَيْهِ حَتَّى أَمُوتَ، وَاللَّهُ إِنِّي لِأَخُوهُ وَوَلِيِّهِ، وَابْنُ عَمِّهِ وَوَارِثُ عِلْمِهِ، فَمَنْ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي } (1)

ابن عباس گوید: علی بن ابی طالب دائماً در زمان حیات پیامبر می فرمود: خداوند می فرماید: (أَفْإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ) [آل عمران: 144] (آیا اگر پیامبر از دنیا برود یا شهید شود شما به عصر جاهلیت بر می گردید؟) به خدا قسم بعد از این که خداوند ما را هدایت کرده است هرگز به دوران جاهلیت و کفر بر نخواهیم گشت و به خدا قسم اگر پیامبر از دنیا برود یا شهید شود ما راهش را ادامه می دهیم تا از دنیا برویم و به خدا قسم که من برادر پیامبر می باشم و جانشین ایشان هستم و پسر عمو و وارث پیامبر می باشم پس چه کسی سزاوار تر است از من به پیامبر؟! (غیر از من چه کسی می تواند جانشین پیامبر باشد؟)

ص: 304

1- الكتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 136 ش 4635، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405 هـ-)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4 الكتاب: مجمع و الزوائد و منبع الفوائد ج 9 ص 128 و 129 ش 14765، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان الكتاب: المعجم الكبير ج 1 ص 107 ش 176، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ-)، المحقق: حمدى بن عبد المجيد السلفى، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: 25

تصحیح روایت توسط هیشمی:

این روایت را آقای حاکم نیشابوری در کتابش (المستدرک علی الصحیحین) آورده و هیچ اشکالی به سند روایت نتوانسته است بگیرد و هم چنین آقای ذهبی که در تضعیف فضائل اهل بیت علیه السلام مشهور است در مقابل سند روایت سکوت کرده است و نتوانسته ایرادی بگیرد اما آقای هیشمی پس از نقل روایت می گوید: (رواه الطبرانی و رجاله رجال الصحیح)

این روایت را طبرانی در کتاب المعجم الکبیر آورده است و راویان آن از رؤات صحیح بخاری و مسلم می باشند.

بنابراین روایت صحیح می باشد و کوچک ترین اشکال به آن تضعیف صحیحین است.

عكس

□

ص: 307

در این روایت امیر المؤمنین علیه السلام به چند فضیلت اختصاصی شان اشاره می کنند:

الف) وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخُوهُ (حدیث اخوت):

نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام برادر یک دیگراند و هیچ کدام از صحابه حتی خلفاء اهل سنت چنین فضیلتی را دارا نبوده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او عقد اخوت بسته باشد و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقط با امام علی علیه السلام عقد اخوت بسته اند و این فضیلت نشان دهنده افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی صحابه می باشد و طبق قاعده قبح تقدیم مفضول بر فاضل، خلیفه بلا فصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقط علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

ب) وَوَلِيهِ (حدیث ولایت و خلافت):

جانشینی نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنها مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام است.

ج) وَوَارِثُ عِلْمِهِ - وارثه (حدیث وارث):

امیر المؤمنین علیه السلام وارث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این قسمت روایت اشاره به اعلیّت و افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی صحابه را دارد.

د) فَمَنْ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي:

امیر المؤمنین علیه السلام در این سخن (پس چه کسی سزاوارتر است به پیامبر از من؟) به صراحت امامت و خلافت بلا فصل و افضلیت خویش را برای همگان اعلام کرده اند.

امام علی علیه السلام محبوب ترین شخص نزد خداوند متعال (حدیث طیر)

یکی دیگر از روایات صحیح‌السند اهل سنت و وهابیت که به صراحت دلالت بر افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام دارد حدیث طیر می باشد.

مخالفین بسیار از حدیث طیر اجتناب می کنند و تا به حال بسیار تلاش کرده اند تا این روایت را انکار و تضعیف کنند زیرا اگر این روایت با سند صحیح وجود داشته باشد به راحتی امامت و خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام را اثبات می کند زیرا هیچ صاحب عقلی بهترین و برترین بنده ی خدا را کنار نمی گذارد تا شخص دیگری را خلیفه خداوند و جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد و اگر چنین کاری کند با قاعده عقلی (قبح تقدیم مفضول بر فاضل) مخالفت کرده است و از دایره ی عقلاء خارج است.

آقای طبرانی (متوفی 360 هجری) که از بزرگان اهل سنت و وهابیت محسوب می شود در کتاب المعجم الکبیر با سند صحیح این گونه روایت می کند:

(أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِطَيْرٍ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اثْنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ» فَجَاءَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ {1})

سفینه غلام پیامبر گوید: برای پیامبر مرغ بریان شده ای آوردند، رسول الله فرمودند: خدایا محبوب ترین شخص در پیشگاهت را بفرست تا با من از این مرغ بریان تناول کند در این هنگام علی بن ابی طالب تشریف آورد و از آن تناول کرد.

ص: 312

1- الكتاب: المعجم الكبير ج 7 ص 95 و 96 ش 6437، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ-)، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء:

تصحیح روایت توسط هیثمی:

راویان این روایت از زُوات صحیح بخاری و مسلم می باشند و کوچک ترین اشکال به آنان در واقع اشکال به صحیحین می باشد و آقای هیثمی پس از نقل روایت در مورد سند آن گوید:

{ رَوَاهُ الْبَزَّازُ وَالطَّبْرَانِيُّ بِإِخْتِصَارٍ، وَرِجَالُ الطَّبْرَانِيِّ رِجَالُ الصَّحِيحِ غَيْرَ فِطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ، وَهُوَ ثِقَّةٌ } (1)

این را آقای البزاز روایت کرده و آقای طبرانی با اختصار آورده و راویان سند طبرانی از زُوات صحیح بخاری و مسلم هستند به غیر از فطر بن خلیفه که آن هم ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 316

1- الكتاب: مجمع الزوائد و منبع الفوائد ج 9 ص 118 ش 14727، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان

و در روایت دیگر حقایق وجود دارد که به روشنی مشخص می شود چرا بعضی از صحابه پس از شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ولایت و امامت الهی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را قبول نکردند و با نصوص الهی و نبوی به مخالفت پرداخته اند و سقیفه درست کردند تا یک نفر از آنان رهبر و امام شود اما علی بن ابی طالب علیه السلام از حقیقت محروم شود و خلافت به ایشان نرسد.

در این روایت که با سند متصل و صحیح در منابع اهل سنت و وهابیت آمده است وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعا می کنند که خداوندا محبوب ترین بنده نزد خودت را بفرست تا با من از این مرغ بریان تناول کند، حضرت مولی المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آید اما انس بن مالک صحابی (خادم رسول الله) که دعای حضرت را شنیده است و نمی خواهد این فضیلت برای علی بن ابی طالب علیه السلام باشد!!! جلوی امام علی علیه السلام را می گیرد و نمی گذارد حضرت علی علیه السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شود و به دروغ می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشغول هستند و کار دارند!!!! با این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منتظر حضور بهترین بنده خدا بعد از خودش می باشد و پس از دومین بار که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعا می کنند و امام علی علیه السلام تشریف می آورند باز هم انس مانع می شود تا این که بین انس و امام علی علیه السلام مشاجره می شود و صدای آنان به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می رسد و حضرت دستور می دهند که بگذار علی وارد شود. بسیار جالب است

که در روایات دیگر اهل سنت و وهابیت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به انس بن مالک فرمودند: چرا جلوی علی بن ابی طالب را گرفتی؟ او در جواب می گوید: می خواستم این فضیلت به یکی از اقوام من برسد نه به علی بن ابی طالب!!!

از این روایت روشن می شود که بعضی از صحابه چشم دیدن فضایل و برتری علی بن ابی طالب علیه السلام را نداشته اند و به همین دلیل سقیفه راه انداخته و بدون حضور امام علی علیه السلام (که نفس و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و طبق حدیث ثقلین اطاعت از ایشان بر همگان واجب است) از بین خودشان یک نفر را خلیفه کردند و در همان سقیفه برای رسیدن به حکومت یک دیگر را کتک زدند تا جایی که دستور قتل یک دیگر را صادر کردند و این حقایق در منابع خودشان موجود است.

{ 1744 - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ قَالَ : نَا سَلَمَةُ بْنُ شَيْبٍ قَالَ : نَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ : أَنَا الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنْ يُحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ : أَهْدَتْ أُمُّ أَيْمَنَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَائِرًا بَيْنَ رَغِيفَيْنِ . فَجَاءَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ : « هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ ؟ » فَجَاءَتْهُ بِالطَّائِرِ ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ : « اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ ، يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّائِرِ » ، فَجَاءَ عَلِيٌّ ، فَقُلْتُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَشْغُولٌ ، وَ إِنَّمَا دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْفًا ، فَتَبَعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الطَّائِرِ شَيْئًا ، رَفَعَ يَدَهُ ، فَقَالَ : « اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّائِرِ » ، فَجَاءَ عَلِيٌّ ، فَارْتَفَعَ الصَّوْتُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : « ادْخُلْهُ مَنْ كَانَ » ، فَدَخَلَ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

« وَ إِلَيَّ يَا رَبِّ » ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَأَكَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى فَرَغَا { (1)

انس بن مالک گفت: أم ایمن پرنده بریان شده ای را برای پیامبر هدیه آورد. پیامبر وارد شد و گفت: آیا چیزی برای خوردن هست؟ مرغ بریان را برای پیامبر آوردند و حضرت فرمود: خدایا محبوب ترین بنده در نزد خودت را بفرست تا با من از این مرغ تناول کند و علی بن ابی طالب آمد، من (انس) به علی بن ابی طالب گفتم: پیامبر مشغول هست و کار دارد!!! (پیامبر دعا کرده اند و منتظر هستند تا محبوب ترین بنده خدا نزد ایشان بیاید اما برای این که این فضیلت به امام علی علیه السلام نرسد انس می گوید برو پیامبر کار دارد! - این است عدالت تمامی صحابه؟!!!!) پیامبر مقداری از مرغ را تناول کرد و از دوباره دعا کرد که خدایا بهترین بنده در نزد خودت را بفرست تا با من از این مرغ تناول کند از دوباره علی بن ابی طالب آمد و از دوباره از ورود او ممانعت کردم تا این که صدای من و علی بن ابی طالب بلند شد. پیامبر فرمود: هر کسی هست بگذار وارد شود و علی بن ابی طالب و پیامبر از آن مرغ تناول کردند.

ص: 320

1- الكتاب: المعجم الأوسط ج 2 ص 206 و 207 ش 1744، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ)، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة عدد الأجزاء: 10

عكس

□

ص: 323

سند روایت متصل و صحیح است و حتی تعدادی از راویان آن از زُوات صحیح بخاری و مسلم هستند و تمامی راویان این روایت دارای مقام وثاقت می باشند.

لذا تک تک آنان را بررسی می کنیم:

راوی اول : أبو القاسم الطبرانی (مؤلف کتاب):

او از بزرگان اهل سنت و وهابیت است و افراد بسیاری او را توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی گوید:

{ 86 - الطَّبْرَانِيُّ :

هُوَ الْإِمَامُ، الْحَافِظُ، النَّقِيُّ، الرَّحَّالُ، الْجَوَّالُ، مُحَدِّثُ الْإِسْلَامِ، عَلِمَ الْمَعْمَرَيْنِ، أَبُو الْقَاسِمِ سَلِيمَانَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ بْنِ مُطَيْرِ اللَّحْمِيِّ، الشَّامِيِّ، الطَّبْرَانِيِّ، صَاحِبُ الْمَعْجَمِ الثَّلَاثَةِ. { (1)

او امام و حافظ و ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 324

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 16 ص 119 ش 86، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

آقای ذهبی در مورد او گوید:

{ 82 - الوشاء:

الشیخ الثقة، العالم، أبو بكر أحمد بن محمد بن عبد العزيز بن الجعد الوشاء، البغدادي. { (1)

او شخصی بزرگ و عالم و ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 327

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 14 ص 148 ش 82، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

عكس

□

ص: 329

راوی سوم: سلمة بن شبيب المسمعی:

اوراوی صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد آقای ذهبی در مورد او گوید:

{ 97 - سَلَمَةُ بْنُ شَبِيبٍ (م، 4):

الإمام، الحافظ، الثقة، أبو عبد الرحمن الحَجْرِي، المِسمَعِي، النَّسَائِي، نَزِيلُ مَكَّةَ. { (1)

او امام و حافظ و ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 330

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 12 ص 256 ش 97، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهرس)

راوی چهارم: عبد الرزاق بن همام الحمیری:

اوراوی صحیح بخاری و مسلم و سنن أبی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آفای زُرکلی گوید:

{الصَّنْعَانِي:

عبد الرزاق بن همام بن نافع الحمیری، مولا هم، أبو بكر الصنعانی: من حفاظ الحديث الثقات، من أهل صنعاء. كان يحفظ نحواً من سبعة عشر ألف حديث. له (الجامع الكبير) في الحديث، قال الذهبي: وهو خزنة علم { (1)

او از حافظان حدیث و از ثقات می باشد و ذهبی گوید: او خزانه ی علم است.

ص: 333

1- الكتاب: الأعلام ج 3 ص 353، المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: 1396 هـ-
)، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م

راوی پنجم: عبد الرحمن بن عمرو الأوزاعي:

او نیز از راویان صحیح بخاری و مسلم و سنن أبی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای ابن حجر عسقلانی گوید:

{3967- عبد الرحمن ابن عمرو ابن أبي عمرو الأوزاعي أبو عمرو الفقيه ثقة جليل من السابعة مات سنة و خمسين.} (1)

او فقیه و ثقه و مورد اعتماد است.

ص: 336

1- الكتاب: تقریب التهذیب ص 593 ش 3992، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: 852 هـ-)، المحقق: ابو الاشبال صغیر احمد شاغف، الناشر: دار العاصمة

عكس

□

ص: 337

راوی ششم: یحیی بن ابی کثیر الطائی:

او نیز از راویان صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه می باشد افراد زیادی او را توثیق کرده اند از جمله آقای ذهبی گوید:

{ 9 - یحیی بن ابی کثیرٍ أبو نصرٍ الطائی مؤلاًهم علیه السلام:

الإمام، الحافظ، أحد الأعلام، أبو نصرٍ الطائی مؤلاًهم، الیمامی... و كان طلابةً لیلعلم حجةً. { (1)

او امام و حافظ و یکی از بزرگان است ... و او حجّت است.

ص: 339

1- الكتاب: سير أعلام النبلاء ج 6 ص 27 ش 9، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)

عكس

□

ص: 341

راوی هفتم:

انس بن مالک صحابی است که نیاز به توثیق ندارد زیرا اهل سنت و وهابیت تمامی صحابه را عادل می دانند. بنا بر این روایت صحیح می باشد.

ص: 342

اعتراف عایشه به افضلیت و برتری امام علی علیه السلام

عایشه وقتی فهمید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام را بیش تر از پدرش (ابو بکر) دوست دارد بر سر پیامبر فریاد کشید!!!

در روایات اهل سنت و وهابیت با سند صحیح آمده است که عایشه وقتی فهمید که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام را بیش تر از پدرش ابو بکر دوست دارد بر سر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فریاد می کشید!!! و می گفت: الان فهمیدم که علی محبوب تر است نزد تو از پدرم ابو بکر!!!

در حالی که خداوند در قرآن می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ)
(2) إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (3) (الحجرات 2 و 3)

ای کسانی که ایمان آورده اید صدای تان را بلند تر از صدای پیامبر نبرید و در برابر او بلند سخن مگویید و داد و فریاد مکنید آن گونه که بعضی از شما در برابر یک دیگر بلند سخن می گوید زیرا اعمال تان از بین می رود در حالی که متوجه نمی شوید.

آنان که صدای خود را نزد رسول الله بلند نمی کنند کسانی هستند که خداوند قلب های شان را برای تقوی امتحان کرده است (با تقوا هستند) و برای آنان مغفرت و اجر بزرگ می باشد.

این روایت مانند روایت قبل به روشنی حقایق صدر اسلام را مشخص می کند که چرا سقیفه ایجاد شد و حق علی بن ابی طالب علیه السلام غصب شد زیرا بعضی صحابه چشم دیدن برتری علی بن ابی طالب علیه السلام را نداشته و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل ایشان ایستاده اند تا چه رسد بعد از شهادت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از این روایت افضلیت و برتری امیر المؤمنین علیه السلام بر ابو بکر روشن می شود و طبق قاعده فُیْح تقدیم مفضول بر فاضل، خلیفه بلا فصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقط علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد و این که وهابیون بر روی منابر فریاد می کشند که محبوب ترین فرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابو بکر است و او افضل صحابه است دروغی بیش نیست. و نکته دیگری که از این روایت مشخص می شود بطلان نظریه عدالت تمامی صحابه است که یکی از اصلی ترین اعتقادات اهل سنت و وهابیت می باشد.

تعدادی از بزرگان اهل سنت و وهابیت این روایت را نقل کرده اند از جمله آقای ابو بکر البزّار (متوفی 292 هجری) با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ اسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَمِعَ صَوْتَ عَائِشَةَ وَهِيَ تَقُولُ: لَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ عَلِيًّا أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ أَبِي مَرْثِينَ أَوْ ثَالِثًا، قَالَ: فَاسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ، فَدَخَلَ فَأَهْوَى إِلَيْهَا، فَقَالَ: «يَا ابْنَةَ فُلَانَةَ لَا أَسْمَعُكَ تَرْفَعِينَ صَوْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» { (1)

ابو بکر از پیامبر اجازه گرفت تا وارد منزل شود در این هنگام فریاد عایشه را شنید که می گفت: الان فهمیدم که علی نزد تو محبوب تر است از پدرم ابو بکر!!!، و دو یا سه مرتبه این سخن را تکرار کرد!!! ابو بکر اجازه ورود گرفت و وارد شد و برخورد سختی با عایشه کرد و گفت: ای دختر فلانه!!! دیگه نشنوم که صدایت را بر سر رسول الله بلند کنی!!!

ص: 344

1- الكتاب: مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار ج 8 ص 223 ش 3275، المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي المعروف بالبزار (المتوفى: 292 هـ-)، المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من 1 إلى 9)، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت 1988 م، و انتهت 2009 م)، عدد الأجزاء: 18

عكس

□

ص: 347

تصحیح روایت توسط هیثمی:

اما سند روایت متصل و راویان این روایت تماماً از زُوات صحیح بخاری و مسلم و همگی دارای مقام وثاقت و مقبولیت می باشند بنابراین سند روایت صحیح است و کوچک ترین اشکال به آن در واقع اشکال به صحیح بخاری و مسلم است و به همین خاطر آقای هیثمی در مورد سند روایت گوید:

(رَوَاهُ الْبَزَّازُ، وَرَجَالُهُ رِجَالُ الصَّحِيحِ) (1)

این روایت را آقای البزاز در کتابش آورده و راویان این روایت، همان راویان صحیح بخاری و مسلم می باشند.

ص: 348

1- الكتاب: مجمع الزوائد و منبع الفوائد ج 9 ص 119 ش 14730 ، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان

بنابراین برای محققین گرامی زوایای پنهانی از حقایق صدر اسلام روشن شد و آن این که افرادی از صحابه مثل انس بن مالک خادم رسول الله و حتی بعضی از نساء النبی مثل عایشه نمی توانسته اند افضلیت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را تحمل کنند! و پس از این که متوجه شده اند که نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این گونه است به طور علنی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مقابله پرداخته اند!!! حال به راحتی فهمیده می شود که چرا خلافت الهی امیر المؤمنین علیه السلام به ایشان نرسیده است و جریان سقیفه ایجاد شده و دیگران خلافت ایشان را غصب کرده اند.

ص: 351

اعترافی دیگر از عایشه در مورد افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام: (عایشه: محبوب ترین شخص نزد پیامبر در بین مردان علی بن ابی طالب و در بین زنان فاطمه زهرا است)

اشاره

از آن جایی که خداوند بنا دارد افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام را به گوش جهانیان برساند تا حجّت را بر همگان تمام کند، حتی مخالفین امیر المؤمنین علیه السلام که با حضرت جنگیده اند و باعث به خاک و خون کشیده شدن یاران حضرت شده اند اعترافاتی به زبان آورده اند که برای جویندگان حقیقت حکم اِکسیر را دارد و از این نمونه است این اعتراف عایشه.

روایت اول:

بزرگان اهل سنت و وهابیت مانند آقای نسائی (صاحب سنن نسائی، یکی از صحاح سته) با سند صحیح روایت می کند:

{عَنْ جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ قَالَ دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ عَائِشَةَ فَيَسْأَلُهَا عَنْ عَلِيٍّ فَقَالَتْ تَسْأَلُنِي عَنْ رَجُلٍ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهُ وَلَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ امْرَأَتِهِ { (1)}

جمیع بن عمیر گوید: نزد عایشه رفتیم و در مورد علی بن ابی طالب سؤال کردیم، عایشه گفت: در مورد شخصی سؤال کردی که من نمی شناسم کسی را که نزد رسول خدا از او محبوب تر باشد، و در بین زنان محبوب ترین شخص نزد پیامبر، دخترش فاطمه بود.

و محقق کتاب در پاورقی کتاب در مورد سند روایت می نویسد:

(اسنادُ صحیح)

سند روایت صحیح است.

ص: 352

1- کتاب: خصائص امام علی ص 94 ش 107، المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: 303 هـ-)، المحقق: أبو اسحق الأثرى حجازي بن محمد بن شريف، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

{ جَمِيعُ بَنِ عُمَيْرٍ قَالُوا: دَخَلْتُ مَعَ عَمَّتِي عَلَيَّ عَائِشَةَ فَسَدَّ لِي: أَيُّ النَّاسِ كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَتْ: فَاطِمَةُ، فَقِيلَ: مِنَ الرِّجَالِ؟ قَالَتْ: زَوْجَهَا } (1)

جمیع بن عمیر گوید: نزد عایشه رفتم و از او پرسیدم: چه کسی نزد رسول الله محبوب ترین شخص بود؟ عایشه گفت: فاطمه، گفتم: از مردان؟ گفت: همسر فاطمه، علی بن ابی طالب.

آقای البانی که از علماء بزرگ و هابیت می باشد در مورد سند این روایت که در کتاب مشکاة المصابیح می باشد گوید:

(اسناد حسن وله عنده شاهد من حدیث بریده و حسنه ایضاً)

سند روایت حسن است و شاهد مثال دیگری هم دارد و آن روایت بریده است که آن هم حسن می باشد.

بنابراین عایشه اعتراف به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام کرده است و خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کسی نیست مگر افضل الناس یعنی حضرت مولی الموحّدين علی بن ابی طالب علیه السلام.

ص: 355

1- الكتاب: مشکاة المصابیح ص 1735 ش 6146، المؤلف: محمد بن عبد الله الخطیب العمري، أبو عبد الله، ولی الدین، التبریزی (المتوفی: 741 هـ-)، المحقق: محمد ناصر الدین الألبانی، الناشر: المكتب الإسلامي - بیروت الطبعة: الثانية، 1979

عكس

□

ص: 356

عكس

□

ص: 357

اعتراف سعد بن ابی وقاص صحابی به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام

سعد بن ابی وقاص: علی بن ابی طالب اولین مسلمان است، و اولین کسی است که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خوانده و زاهد ترین مردم و عالم ترین مردم است. و همسر فاطمه زهرا می باشد و پرچم دار غزوات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.

بسیاری از صحابه به افضلیت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام اعتراف کرده اند که یکی از آنان سعد بن ابی وقاص می باشد.

آقای حاکم نیشابوری (عالم بزرگ اهل سنت و وهابیت) با سند صحیح این گونه روایت می کند:

{ 6121 - فَحَدَّثَنَا بِشْرُح، هَذَا الْحَدِيثِ الشَّيْخُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ إِسْحَاقَ، أَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زِيَادِ السَّرِيِّ، ثنا حَامِدُ بْنُ يَحْيَى الْبَلْخِيُّ بِمَكَّةَ، ثنا سُفْيَانُ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ، قَالَ: كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فَبَيْنَا أَنَا أُطَوِّفُ فِي السُّوقِ إِذْ بَلَغْتُ أَحْجَارَ الزَّيْتِ، فَرَأَيْتُ قَوْمًا مُجْتَمِعِينَ عَلَى فَارِسٍ قَدْ رَكِبَ دَابَّةً، وَهُوَ يَشْتِمُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَالنَّاسُ وَفُوفٌ حَوْلَيْهِ إِذْ أَقْبَلَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ: «مَا هَذَا؟» فَقَالُوا: رَجُلٌ يَشْتِمُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَتَقَدَّمَ سَعْدٌ فَأَخْرَجُوا لَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ: «يَا هَذَا، عَلِيُّ مَا تَشْتُمُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ؟ أَلَمْ يَكُنْ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ؟ أَلَمْ يَكُنْ أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَلَمْ يَكُنْ أَزْهَدَ النَّاسِ؟ أَلَمْ يَكُنْ أَعْلَمَ النَّاسِ؟» وَذَكَرَ حَتَّى قَالَ: «أَلَمْ يَكُنْ خَتَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ عَلِيَّ ابْنَتَهُ؟ أَلَمْ يَكُنْ صَاحِبَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزْوَاتِهِ؟» ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَشْتِمُ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَلَا تُفَرِّقْ هَذَا الْجَمْعَ حَتَّى تُرِيَهُمْ قُدْرَتَكَ». قَالَ قَيْسٌ: فَوَاللَّهِ مَا تَفَرَّقْنَا حَتَّى سَاحَتْ بِهِ دَابَّتُهُ فَرَمْتُهُ عَلَى هَامَتِهِ فِي تِلْكَ الْأَحْجَارِ، فَأَنْفَلَقَ دِمَاغَهُ وَمَاتَ. { (1)

قیس بن ابی حازم گوید: در بازار مدینه بودم که دیدم مردم در اطراف یک سواره جمع شده اند و آن شخص به علی ابن ابی طالب فحش و ناسزا می داد. سعد بن ابی وقاص گفت: این کیست؟ گفتند: به علی بن ابی طالب فحش می دهد، سعد بن ابی وقاص صحابی جلو آمد و به آن شخص گفت: چرا به علی بن ابی طالب، فحش می دهی؟ آیا علی بن ابی طالب اولین شخص

ص: 359

1- الكتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 571 و 572 ش 6121، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405 هـ) تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4

نیست که مسلمان شد؟ آیا او اولین کسی نیست که با پیامبر نماز خواند؟ آیا او زاهدترین مردم نیست؟ آیا او عالمترین مردم نیست؟ فضایل منحصر بفرد علی بن ابی طالب را می گفت تا این که گفت: آیا او همسر فاطمه نیست؟ آیا او پرچم دار سپاه پیامبر در غزوات نیست؟ سپس رو به قبله کرد و گفت: خدایا او به ولیی از اولیائت فحش می دهد تا این جمعیت متفرق نشده اند قدرتت را به آنان نشان بده. قیس گوید: قسم به خداوند که هنوز جمعیت متفرق نشده بودند که مرکبش رم کرد و به زمینش زد و کشته شد.

تصحیح روایت توسط حاکم نیشابوری و ذهبی:

و آقای حاکم نیشابوری پس از نقل روایت در مورد سند روایت گوید:

«هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يَخْرُجْ»

این روایت طبق مبانی رجالی آقای بخاری و مسلم صحیح می باشد (این روایت مثل روایات صحیح بخاری و مسلم است)

و آقای ذهبی (از بزرگان علم رجال اهل سنت و وهابیت) در مورد سند روایت گوید:

{[التعليق - من تلخيص الذهبي] 6121 - على شرط البخاري و مسلم}

این روایت طبق مبانی رجالی آقای بخاری و مسلم صحیح می باشد (این روایت مثل روایات صحیح بخاری و مسلم است)

بنابراین روایت صحیح است.

بنابراین سعد بن ابی وقاص صحابی به اعلمیّت و آزهدیّت و أشجعیّت و اولین مسلمان بودن امام علی علیه السلام اعتراف می کند و این فضایل از اصلی ترین خصوصیات جانشین رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم است و به این حقیقت بزرگان اهل سنت و وهابیت اعتراف کرده اند که خلیفه رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم باید از همه عالم تر و زاهد تر و شجاع تر باشد و این خصوصیات فقط در امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد بنابراین خلیفه رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فقط علی بن ابی طالب علیه السلام است.

ص: 364

اعتراف احمد بن حنبل (امام حنبلی ها) و شافعی (امام شافعی ها) و محمد بن صالح العثیمین (از علماء بزرگ وهابیت) به افضلیت امام علی علیه السلام بر تمامی صحابه

بسیاری از بزرگان اهل سنت و وهابیت به افضلیت و برتری امیر المؤمنین علیه السلام بر تمامی صحابه اعتراف کرده اند. و صاحبان عقل می دانند کسی می تواند جانشین برترین مخلوق (یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) باشد که از تمامی صحابه برتر بلکه برترین مخلوقات باشد و آن کسی نیست جز حضرت مولی الموحّدین علی بن ابی طالب علیه السلام.

افراد زیادی از بزرگان اهل سنت و وهابیت به افضلیت امام علی علیه السلام بر تمامی صحابه اعتراف کرده اند که به دلیل اختصار فقط اعتراف احمد بن حنبل و شافعی و محمد بن صالح العثیمین وهابی را ذکر می کنیم تا همگان ببینند که راهی جز اعتراف به خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام وجود ندارد و حجّت بر همگان تمام است.

آقای حاکم نیشابوری روایت می کند که احمد بن حنبل گوید:

{ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ: «مَا جَاءَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا جَاءَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» } (1)

برای هیچ یک از صحابه به اندازه ای که برای علی بن ابی طالب فضیلت آمده است وجود ندارد.

آقای حاکم نیشابوری و ذهبی نتوانسته اند به سند این روایت اشکالی وارد کنند لذا با سکوت از کنار آن گذشته اند.

و این سخن احمد بن حنبل در شرایطی است که بنی اُمیّه اکثر فضایل امیر المؤمنین علیه السلام را نابود کرده اند و به مدت هفتاد سال بر روی منابر، امیر المؤمنین علیه السلام را لعن کرده اند، اما با این حال احمد بن حنبل می گوید: فضائلی که برای علی بن ابی طالب در روایات آمده است برای هیچ یک از صحابه نقل نشده است.

ص: 365

1- الكتاب: المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 116 ش 4572، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نُعیم بن الحکم الضبی الطهمانی النیسابوری المعروف بابن البیع (المتوفی: 405 هـ-)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4

آری براستی هیچ کس نمی تواند نور الهی را خاموش کند.

(يَرْيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (الصف 8)

می خواهند نور خدا را با دهان های شان خاموش کنند ولی خداوند نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

ص: 366

عكس

□

ص: 367

و آقاي ابو الفرج ابن الجوزي اين گونه روايت مي كند:

{ سمعت عبد الله بن أحمد بن حنبل يقول: سمعت أبي يقول: ما لأحدٍ من الصحابة من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلی رضی الله عنه. } (1)

عبد الله فرزند احمد بن حنبل گوید: از پدرم شنیدم که گفت: برای هیچ یک از صحابه به اندازه علی بن ابی طالب با سند صحیح فضایل وجود ندارد.

ص: 369

1- الكتاب: مناقب الإمام أحمد بن حنبل ص 220، المؤلف: جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: 597 هـ-)، المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر، الطبعة: الثانية، 1409 هـ-، عدد الأجزاء: 1

عكس

□

ص: 370

عكس

□

ص: 371

و آقای علامه عبد القادر بن بدران دمشقی گوید:

{ وَ كَانَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ يَقُولُ مَا لِأَحَدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ مِنَ الْفَضَائِلِ بِالْأَسَانِيدِ الصِّحَاحِ مَا لَعَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ { (1)}

احمد بن حنبل دائماً می گفت: فضایلی که برای علی بن ابی طالب با سند صحیح آمده است برای هیچ یک از صحابه نیامده است.

ص: 372

1- الكتاب : المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل ص 84، المؤلف: عبد القادر بن أحمد بن مصطفى بن عبد الرحيم بن محمد بدران (المتوفى: 1346 هـ-)، المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، 1401، عدد الأجزاء: 1

عكس

□

ص: 373

و آقای فخر رازی در کتابی که در مناقب شافعی نوشته است می گوید:

شافعی گوید:

{ و اکثر ما اخذ عنه في زمان عمر و عثمان لانهما كانا يسالانه و يرجعان الى قوله و كان علي قد خصّ بعلم القرآن و الفقه لان النبي دعا له و امره ان يقضى بين الناس و كانت قضاياه ترفع الى النبي فيمضيها } (1)

بیش ترین روایاتی که (در اهل سنت) از علی بن ابی طالب است در زمان عمر و عثمان می باشد زیرا عمر و عثمان از آن حضرت مسائل مشکل را سؤال می کردند و به آن عمل می کردند (اعتراف به اعلمیّت و افضلّیّت امام علی علیه السلام بر عمر و عثمان) و علم قرآن و فقه فقط نزد علی بن ابی طالب است (اعتراف شافعی به افضلّیّت و اعلمیّت امام علی علیه السلام) زیرا رسول خدا برای او دعا کرد و دستور داد که در بین مردم قضاوت و فتوا دهد و وقتی قضاوت های علی بن ابی طالب به حضرت رسول عرضه می شد آن ها را تأیید و امضاء می کرد.

ص: 375

1- الكتاب: مناقب الإمام لشافعی ص 135، المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر بن الحسين الرازي (المتوفى: 606 هـ-)، المحقق: د. احمد حجازی السقا، الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية - الأزهر - قاهرة

عكس

□

ص: 377

و آقای محمد بن صالح العثیمین که از علماء متعصب و هابی است این گونه به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام اعتراف می کند:

{ اشتهر رضی الله عنه بالشجاعة و الذكاء مع العلم و الزكاء حتى كان أمير المؤمنين عمر بن الخطاب رضی الله عنه يتعوذ من معضلة ليس لها أبو حسن، و من أمثلة النحويين: قضية ولا أبا حسن لها، و روى عن علي أنه كان يقول: سلوني سلوني و سلوني عن كتاب الله تعالى، فو الله ما من آية إلا و أنا أعلم أنزلت بليل أو نهار، و قال ابن عباس رضی الله عنهما: إذا جاءنا الثبت عن علي لم نعدل به، و روى عنه أنه قال: ما أخذت من تفسير القرآن فعن علي بن أبي طالب {1}

علی بن ابی طالب به شجاعت و علم شهرت دارد و حتی امیر المؤمنین عمر بن خطاب پناه به خدا می برد از مشکلی که برای بر طرف کردن آن علی بن ابی طالب نباشد (در منابع اهل سنت و وهابیت روایاتی است که عمر بن خطاب حکم به کشتن شخصی می داد اما امام علی علیه السلام برای نجات جان آن شخص، حکم الهی را به عمر می گفت و او را آگاه می کرد تا جان بی گناهی را نجات دهد در این جا بود که عمر به افضلیت امام المتقین علیه السلام اعتراف می کرد و این سخن را به زبان می آورد) و از علی بن ابی طالب روایت شده است که دائماً می گفت: از من سؤال کنید از من سؤال کنید، از من سؤال کنید از کتاب خدا، به خدا قسم آیه ای نیست مگر این که من از همه بهتر می دانم که در شب نازل شد یا روز، و ابن عباس می گفت: هر زمان برای ما ثابت می شد که نظر علی بن ابی طالب فلان چیز است سخن هیچ شخص دیگری را قبول نمی کردیم (سخن هیچ کس، ارزش سخن امیر المؤمنین علیه السلام را نداشت) و ابن عباس می گفت: تفسیر قرآن را از علی بن ابی طالب یاد گرفتیم.

ص: 378

1- الكتاب: تفسير العثيمين ج 1 ص 39، المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: 1421 هـ-)، الناشر: دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية

عكس

□

ص: 379

بنابراین با دیدن تعدادی از اعترافات بزرگان اهل سنت و وهابیت به این نتیجه می‌رسیم که هیچ شخصی نمی‌تواند جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد مگر افضل و برترین صحابه و آن شخص فقط امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

زیرا جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باید دارای برترین صفات و بالا ترین فضایل باشد تا بتواند جایگاه رفیع جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعنی برترین مخلوق الهی است را بگیرد و همان گونه که مشاهده شد هیچ شخصی توان رویا رویی با فضایل امیر المؤمنین علیه السلام را نداشته و نخواهد داشت.

ص: 381

بزرگان صحابه شیعه بوده اند - پیدایش تشیع از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

به اعتراف بزرگان اهل سنت و وهابیت، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بزرگان صحابه شیعه بوده اند و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را افضل صحابه و برتر از ابو بکر می دانسته اند. بنابراین پیدایش تشیع در زمان نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و شیعه تنها مذهبی است که در عصر نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشته است و بقیه فرق اسلامی چندین سال پس از شهادت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوجود آمده اند و حتی طبق آن چه کار شناسان وهابیت در شبکه های ضد شیعه اعتراف می کنند پیدایش مذهب اهل سنت و جماعت توسط معاویه و در زمان حکومت معاویه بوده است.

اما در این جا به اعترافات سه نفر از علماء اهل سنت و وهابیت اشاره می کنیم که به صراحت بیان می کنند که بزرگان صحابه شیعه بوده اند و تنها مذهب در عصر نبوی تشیع می باشد:

آقای البانی (که از بزرگان وهابیت است و به بخاری عصر حاضر شهرت دارد) در شرح حال یک راوی اعتراف بسیار جالبی کرده است، ایشان در شرح حال موسی بن قیس می گوید:

{قلت: تفرد العقيلي برميہ بالرفض، و ما رواه عنه أن الثوري قال له: أيهما أحب إليك أبو بكر أو علي؟ قال: قلت: علي. فهذا - وإن كنا لا نوافق عليه - ليس رفضاً، فكثير من السلف كانوا يفصلون علياً، فليس هذا بالذي يقدر فيه { (1)}

فقط آقای عقيلي گفته است که موسی بن قیس رافضی است و آقای ثوری به موسی بن قیس گفته: کدام یک از این دو نفر محبوب تر و افضل است نزد تو، ابو بکر یا علی بن ابی طالب؟ موسی بن قیس گفت: علی بن ابی طالب افضل است از ابو بکر - هر چند ما وهابیت قبول نداریم که علی از ابو بکر افضل است !!!- اما این سخن موسی بن قیس دلیل بر رافضی بودنش نیست زیرا بسیاری از سلف (صحابه و تابعین) علی بن ابی طالب را افضل از ابو بکر می دانسته اند (یعنی شیعه بوده اند).

بسیار جالب است که وهابی ها نام دیگر شان را سلفی یعنی پیروان سلف (صحابه و تابعین) گذاشته اند و بزرگ آنان یعنی البانی می گوید: بسیاری از سلف، علی بن ابی طالب را افضل از ابو بکر

ص: 382

1- الكتاب: سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة ج 13 ص 880 و 881، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ-)، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1412 هـ - / 1992م، عدد الأجزاء: 14

می دانسته اند (یعنی اکثر سلف شیعه بوده اند زیرا یکی از اصول قطعی اهل سنت و وهابیت افضلیت ابو بکر بر امیر المؤمنین علیه السلام است). و جالب تر این که خود البانی با سلف مخالفت می کند و می گوید: هر چند ما قبول ندارم که علی بن ابی طالب افضل از ابو بکر است!!! این دیگر چگونه پیروی از سلف است!!؟

بنابراین سلفی واقعی، شیعه است نه وهابیت که به دروغ ادعا سلفیت می کند و از اکثر صحابه و تابعین تبعیت نمی کند.

ص: 383

عكس

□

ص: 385

عكس

□

ص: 387

و عالم بزرگ اهل سنت و وهابیت آقای ابو عمر ابن عبد البر (متوفی 463 هـ) در کتابش (الإستیعاب فی معرفة الأصحاب) که در معرفی صحابه نگاشته است می گوید:

{روى عن سلمان، و أبي ذر، و المقداد، و خباب، و جابر، و أبي سعيد الخدري، و زيد بن الأرقم أن علي بن أبي طالب رضي الله عنه أول من أسلم، و فضّله هؤلاء على غيره} (1)

از سلمان و ابوذر و مقداد و خباب و جابر و ابو سعید خدری و زید بن ارقم روایت شده است می گفتند: اولین مسلمان علی بن ابی طالب است و این افراد، علی بن ابی طالب را افضل و برترین صحابه می دانسته اند (شیعه بوده اند).

همان طور که همگان می دانند یکی از مبانی اصلی اهل سنت و وهابیت این است که ابو بکر اولین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و برترین صحابه می باشد، بنابراین سلمان و ابوذر و... به دلیل این که امیر المؤمنین علیه السلام را افضل و برترین صحابه می دانسته اند شیعه می باشند.

ص: 388

1- الكتاب: الاستیعاب فی معرفة الأصحاب ج 3 ص 1090، المؤلف: أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم - النمری القرطبی (متوفی: 463 هـ)، المحقق: علی محمد البجاوی، الناشر: دار الجیل، بیروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ - 1992 م، عدد الأجزاء: 4

عكس

□

ص: 390

{ الشيعة:

الشيعة لفظ معناه الأتباع و الأنصار يطلق على الواحد و المثني و الجمع و المذكر و المؤنث، تقول هو شيعة و هما و هم و هن شيعة و جمعه شيع و أشياع، ثم صار علماً بالغلبة على أتباع علي بن أبي طالب عليه السلام.

عرف جماعة من كبار الصحابة بموالاته علي في عصر رسول الله صلى الله عليه و سلم مثل سليمان الفارسي القائل: بايعنا رسول الله على النصح للمسلمين و الانتمام بعلي بن أبي طالب و الموالاته له. و مثل أبي سعيد الخدري الذي يقول: أمر الناس بخمس فعملوا بأربع و تركوا واحدة. و لما سئل عن الأربع قال: الصلاة و الزكاة و صوم شهر رمضان و الحج قيل: فما الواحد آلتى ترموها؟ قال: ولاية علي بن أبي طالب قيل له: وإنما لمفروضة معهن قال: هي مفروضة معهن. و مثل أبي ذر الغفاري و عمار بن ياسر و حذيفة بن اليمان و ذى الشهادتين خزيمة بن ثابت و أبي أيوب الأنصاري و خالد بن سعيد بن العاص و قيس ابن سعد بن عبادة و كثير أمثالهم. و من أرادهم فليراجع كتاب الدرجات الرفيعة لابن معصوم.

عرف هؤلاء باسم شيعة علي ثم غلب فأطلق فقيل لهم شيعة. ذكر أبو حاتم الرازي في كتاب الزينة في الألفاظ المتداولة بين أرباب العلوم على ما نقل في كتاب الروضات أن أول اسم ظهر في الإسلام على عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم الشيعة و كان لقب أربعة من الصحابة و هم أبو ذر و سليمان و عمار و المقداد إلى أن أن أوان صفين فاشتهر بين موالى علي عليه السلام... أما ما ذهب إليه بعض المتأثرين من أن أصل مذهب التشيع من بدعة عبد الله ابن سبأ المعروف بابن السوداء فهو و هم و قلة علم بحقيقة مذهبهم. و من علم منزلة هذا الرجل عند الشيعة و براءتهم منه و من أقواله و أعماله و كلام علمائهم في الطعن فيه بلا خلاف بينهم في ذلك، علم مبلغ هذا القول من الصواب. لا ريب في أن أول ظهور الشيعة كان في الحجاز بلد المتشيع له. { (1)

ص: 391

1- الكتاب: خطط الشام ج 6 ص 245 و 246، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كُرد على (المتوفى: 1372 هـ-)، الناشر: مكتبة النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، 1403 هـ - 1983 م، عدد الأجزاء: 6

معنای لفظی شیعه یعنی: پیرو و یاور. و بر یک یا دو یا جمعی از مذکر و مؤنث اطلاق می شود... سپس این لفظ شیعه، عَلم شد برای پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام.

در زمان رسول الله جماعتی از بزرگان صحابه شناخته می شدند به پیروان علی بن ابی طالب، مثل: سلمان فارسی که می گفت: بیعت کردیم با رسول الله بر این که خیر خواه مسلمین باشیم و بر امامت علی بن ابی طالب و موالات و پیروی از ایشان، و مثل ابو سعید خدری که می گفت: خداوند مردم را به پنج چیز امر کرد اما مردم به چهار چیز عمل کردند و یکی را ترک کردند، وقتی که سؤال شد از آن چهار چیز گفت: آن ها نماز و زکات و روزه رمضان و حج می باشد، به او گفته شد آن دیگری را که مردم ترک کردند چیست؟ ابو سعید خدری گفت: ولایت علی ابن ابی طالب، به او گفتند: آیا ولایت علی بن ابی طالب هم مثل آن چهار چیز واجب است؟ گفت: بله واجب است. و مثل ابوذر غفاری و عمار بن یاسر و حذیفه بن الیمان و خزیمه بن ثابت ذی الشهادتین و اُیوب الأنصاری و خالد بن سعید بن العاص و قیس ابن سعد بن عباده و بسیاری امثال ایشان (که شیعه بوده اند). و هر کس می خواهد مطالب بیش تری بداند به کتاب الدرجات الرفیعه که ابن مسعود نوشته است مراجعه کند.

این صحابه به شیعه علی بن ابی طالب شناخته می شدند، سپس این لفظ شیوع پیدا کرد و اطلاق شد بر پیروان علی بن ابی طالب. و ابو حاتم رازی در کتاب (الزینة في الألفاظ المتداولة بين أرباب العلوم) طبق آن چه در کتاب الروضات آمده نقل می کند که: اولین اسمی که در اسلام در زمان رسول الله وجود داشت اسم شیعه بود و این لقب چهار نفر از صحابه بود یعنی: ابوذر و سلمان و عمار و المقداد... و آن چه که بعضی کتاب ها گفته اند که اصل مذهب شیعه از بدعت های عبد الله بن سبا معروف به ابن سوداء است یک وهم و خیال می باشد و این نشان دهنده ی کم اطلاع بودن از حقیقت مذهب تشیع است. و هر کس جایگاه عبد الله بن سبا را نزد شیعیان بداند و بیزاری شان از او را در اعمال و سخنان شان و سخنان علماء شیعه در رد و طعن بر او را بداند، خواهد دانست که درست این است که شیعه از زمان پیامبر وجود داشته است. و هیچ شکی نیست که اولین ظهور تشیع در حجاز (عربستان) بوده است...

خداوند را شاکریم که حجت را بر همگان تمام کرده است

و ما را از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام قرار داده است.

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ).

ص: 396

1. إرشاد السارى لشرح صحيح البخارى، المؤلف: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: 923 هـ)، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، الطبعة: السابعة، 1323 هـ، عدد الأجزاء: 10
2. إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء (ترجمه فارسى)، المؤلف: ولي الله الدهلوى (المتوفى: 1176 هـ)
3. الاستيعاب في معرفة الأصحاب، المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد آلبر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463 هـ)، المحقق: على محمد الجاوي، الناشر: دار الجيل، بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ - 1992 م، عدد الأجزاء: 4
4. الأعلام، المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي دمشقي (المتوفى: 1396 هـ)، الناشر: دار العلم للملايين الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م
5. الامامة و السياسة، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (213 هـ)، المحقق: الزيني
6. إيجاز البيان عن معاني القرآن، المؤلف: محمود بن أبي الحسن بن الحسين النيسابوري أبو القاسم، نجم الدين (المتوفى: نحو 553 هـ)، المحقق: الدكتور حنيف بن حسن القاسمي، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ
7. بحر العلوم = تفسير السمرقندي، المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندي (المتوفى: 373 هـ) المحقق: الشيخ على محمد معوض - الشيخ عادل احمد عبد الموجود و...، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان
8. تاريخ الطبري، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310 هـ)، (صلة تاريخ الطبري لعريب بن سعد القرطبي، المتوفى: 369 هـ)، الناشر: دار التراث - بيروت، الطبعة: الثانية - 1387 هـ
9. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير و الأعلام، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، المحقق: عمر عبد السلام التدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت، الطبعة: الثانية، 1413 هـ - 1993 م، عدد الأجزاء: 52
10. تاريخ الثقات، المؤلف: أبو الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلي الكوفي (المتوفى: 261 هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان
11. التاريخ الكبير، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى 256 هـ)، الطبعة: دائرة المعارف العثمانية، حيدر آباد - الدكن، طبع تحت مراقبة: محمد عبد المعيد خان، عدد الأجزاء: 8
12. تاريخ بغداد، المؤلف: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي (المتوفى: 463 هـ)، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م، عدد الأجزاء: 16
13. تذكرة الخواص، المؤلف: يوسف بن فرغلي بن عبد الله البغدادي الحنفي سبط بن الجوزي (المتوفى: 654 هـ)

14. تذكرة الحفاظ ، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَإِماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م، عدد الأجزاء: 4
15. تفسير أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم ، المؤلف: أبو السعود العمادى محمد بن محمد بن مصطفى (المتوفى: 982 هـ-)، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان
16. تفسير الجلالين ، المؤلف: جلال الدين محمد بن أحمد المحلى (المتوفى: 864 هـ-) و جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطى (المتوفى: 911 هـ-)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت
17. تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آي القرآن ، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى، أبو جعفر الطبرى (المتوفى: 310 هـ-)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، بالتعاون مع مركز البحوث و الدراسات الإسلامية بدار هجر الدكتور عبد السند حسن يمامة، الناشر: دار هجر للطباعة و النشر و التوزيع و الإعلان، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م، عدد الأجزاء: 26 مجلد 24 مجلد و مجلدان فهارس
18. تفسير العثيمين ، المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: 1421 هـ-)، الناشر: دار ابن الجوزى، المملكة العربية السعودية

19. تفسير القرآن ، المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي السمعاني التميمي الحنفي ثم الشافعي (المتوفى: 489 هـ-)، المحقق: ياسر بن إبراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، الناشر: دار الوطن، الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - - 1997 م

20. تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم ، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327 هـ-)، المحقق: أسعد محمد الطيب، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثالثة - 1419 هـ -

21. تفسير القرآن العظيم لابن كثير ، المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774 هـ-)، المحقق: محمد حسين شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت، الطبعة: الأولى - 1419 هـ -

22. تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة) ، المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أبو منصور الماتريدي (المتوفى: 333 هـ-) المحقق: د. مجدى باسلوم، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، الطبعة: الأولى، 1426 هـ - - 2005 م، عدد الأجزاء: 10

23. تقريب التهذيب، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: ابو الأشبال صغير احمد شاغف، الناشر: دار العاصمة - الرياض

24. تقريب التهذيب، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: عادل مرشد، الناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان

25. تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المؤلف: يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبى المزى (المتوفى: 742 هـ-)، المحقق: د. بشار عواد معروف، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400 - 1980، عدد الأجزاء: 35

26. الثقات، المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي (المتوفى: 354 هـ-)، طبع بإعانة: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية، تحت مراقبة: الدكتور محمد عبد المعيد خان مدير دائرة المعارف العثمانية، الناشر: دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن الهند، الطبعة: الأولى، 1393 هـ = 1973، عدد الأجزاء: 9

27. الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي ، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671 هـ-)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي و...، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - لبنان

28. الجرح و التعديل، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327 هـ-)، الناشر: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية - بحيدر آباد الدكن - الهند، دار الكتب العلمية - لبنان

29. خصائص امام على ، المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: 303 هـ-)، المحقق: ابو اسحق الأثرى حجازى بن محمد بن شريف، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

30. خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كُرد على (المتوفى: 1372 هـ-)، الناشر: مكتبة النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، 1403 هـ-، 1983 م، عدد الأجزاء: 6

31. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المؤلف: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي (المتوفى: 1270 هـ-)، الناشر: إدارة الطباعة المنيرية - احياء التراث العربي - بيروت - لبنان

32. سلسلة الأحاديث الصحيحة و شيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح، الأشقودرى الألباني (المتوفى: 1420 هـ-)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (المكتبة المعارف)، عدد الأجزاء: 6

33. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودرى الألباني (المتوفى: 1420 هـ-)، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1412 هـ- / 1992 م، عدد الأجزاء: 14

ص: 398

34. سير أعلام النبلاء، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ - / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 و مجلدان فهارس)
35. صحيح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261 هـ-)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الحديث - قاهرة
36. صحيح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261 هـ-)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، عدد الأجزاء: 5
37. صحيح البخاري، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (المتوفى: 256 هـ-)، الناشر: دار ابن كثير - دمشق - بيروت - الطبعة: الأولى، 1423 هـ - - 2002 م
38. صحيح الجامع الصغير وزياداته، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، (المتوفى: 1420 هـ-)، الناشر: المكتب الإسلامي عدد الأجزاء: 2
39. صحيح الجامع الصغير وزياداته، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ-)، الناشر: المكتب الإسلامي
40. صحيح سنن الترمذي، المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: 1420 هـ-) الناشر: مكتبة المعارف - الرياض
41. الطبقات الكبرى، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (المتوفى: 230 هـ-)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - - 1990 م، عدد الأجزاء: 8
42. الفصل في الملل والأهواء والنحل، المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: 456 هـ-)، الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة
43. الفصول المهمة، المؤلف: علي بن محمد بن أحمد المالكي المكي ابن الصبّاغ (المتوفى: 855 هـ-) الناشر: دار الأضواء - بيروت
44. كفاية الطالب، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن يوسف بن محمد القرشي الكنجي الشافعي (المتوفى: 658 هـ-)
45. الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748 هـ-)، المحقق: محمد عوامة - أحمد محمد نمر الخطيب، الناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسة علوم القرآن، جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - - 1992 م
46. الكشاف، المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: 538 هـ-)، الناشر: دار المعرفة - بيروت - لبنان

47. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، المؤلف: علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري الشاذلي الهندي البرهانفوري ثم المدني فالمكي الشهير بالمتقى الهندي (المتوفى : 975 هـ-)، المحقق: بكرى حياني - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، 1401 هـ - / 1981 م
48. لسان الميزان ، المؤلف : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، الطبعة: الأولى، 2002 م، عدد الأجزاء: 10، العاشر فهارس
49. مجاز القرآن ، المؤلف : أبو عبيدة معمر بن المثنى التيمي البصرى (المتوفى : 209 هـ-)، المحقق: محمد فؤاد سزكين الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة، الطبعة : 1381 هـ-
50. الزوائد الفوائد و منبع الفوائد، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807 هـ-)، المحقق: محمد عبد القادر احمد عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان
51. مجموعة رسائل الإمام الغرالى ، المؤلف: أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: 505 هـ-)، حققه: ابراهيم امين محمد، الناشر: المكتبة التوفيقية - القاهرة - مصر

52. المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: عبد القادر بن أحمد بن مصطفى بن عبد الرحيم بن محمد بدران (المتوفى: 1346 هـ-)، المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، 1401، عدد الأجزاء: 1
53. مرقة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروى القاري (المتوفى: 1014 هـ-)، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان
54. الذهب و معادن الجوهر، المؤلف: أبي الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي (المتوفى: 346 هـ-)، الناشر: المكتبة العصرية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1425 هـ -
55. المستدرک علی الصحيحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، عدد الأجزاء: 4
56. مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241 هـ-)، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1416 هـ - 1995 م، عدد الأجزاء: (القسم الذي حققه أحمد شاكر)
57. مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي المعروف بالبزار (المتوفى: 292 هـ-)، المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من 1 إلى 9)، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت 1988 م، و انتهت 2009 م)، عدد الأجزاء: 18
58. مشكاة المصابيح، المؤلف: محمد بن عبد الله الخطيب العمري، أبو عبد الله، ولي الدين، التبريزي (المتوفى: 741 هـ-)، المحقق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية، 1979
59. المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ-)، المحقق: (17) رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود، تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشري، الناشر: دار العاصمة، دار الغيث - السعودية، الطبعة: الأولى، 1419 هـ-، عدد الأجزاء: 19
60. معانى القرآن، المؤلف: أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمي الفراء (المتوفى: 207 هـ-)، المحقق: أحمد يوسف النجاتي / محمد علي النجار / عبد الفتاح إسماعيل الشلبي، الناشر: دار المصرية للتأليف والترجمة - مصر، الطبعة: الأولى
61. المعجم الأوسط، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ-)، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، عدد الأجزاء: 10
62. المعجم الكبير، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360 هـ-)، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: 25
63. معرفة الثقات، المؤلف: أبو الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلي الكوفي (المتوفى: 261 هـ-)، المحقق: عبد العليم عبد العظيم

، البستوى الناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985

64. معرفة الصحابة ، المؤلف : أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: 430 هـ-)، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى 1419 هـ - 1998 م، عدد الأجزاء: عدد الأجزاء: 7 (6 أجزاء و مجلد فهرس)

65. مناقب الإمام أحمد بن حنبل ، المؤلف: جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: 597 هـ-)، المحقق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر، الطبعة: الثانية، 1409 هـ - ، عدد الأجزاء: 1

66. مناقب الإمام الشافعي ، المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر بن الحسين الرازي (المتوفى: 606 هـ-)، المحقق: د. احمد حجازى السقا، الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية - الأزهر - القاهرة

67. الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ، المؤلف : أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: 468 هـ-)، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، دار النشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق، بيروت، الطبعة: الأولى، 1415 هـ -

ص: 400

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

